

کیمهان ۵۶۰

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده

جمعه ۱۱ تا پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۵ خورشیدی

سال چهل و دوم - شماره ۲۰۲۶

جمهوری اسلامی، علیه ملت ایران در شرایط جنگی



خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و دوم
کیهان شماره ۲۰۲۶ (۵۶۰)
۱۱ تا ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۵
۱ تا ۷ مه ۲۰۲۶



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

کیهان
KAYHAN LONDON
NEWS AND OPINION FROM A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»
برای نخستین بار ایده‌گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های «دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.»
عالمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. P.O. Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها
حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا
به کوشش منصوره پیرنیا
لطفا جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهر ایران
شماره تلفن: 3012796778 و یا 2406022723 در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.
Web: www.pirnia.com Email: pirnia@pirnia.com

کیهان

فهرست مطالب

سر مقاله - پاشنه آشیل تاب آوری جمهوری اسلامی در برابر «خشم اقتصادی» / روشنگ آسترکی ۴

تیر هفته - جمهوری اسلامی، علیه ملت ایران در شرایط جنگی ... / ۴-۵

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «فاکس نیوز»: بازی نهایی این است که مردم ایران کشورشان را ... / ۶

«بازنگری در تمامی پروتکل‌های حفاظتی» از شاهزاده رضا پهلوی ... / ۶-۷

ترامپ: با ادامه محاصره دریایی زیرساخت‌های نفتی ایران از درون فرومی‌باشد ... / ۷

ترامپ: پادشاه چارلز هم نمی‌خواهد ایران سلاح اتمی داشته باشد ... / ۸

آکسیوس: ارائه طرح حملات «کوتاه و قدرتمند» علیه جمهوری اسلامی به ترامپ ... / ۸-۹

آمریکا خود را برای «محاصره طولانی» بنادر ایران آماده می‌کند ... / ۹

شورای امنیت سازمان ملل خواستار بازگشایی فوری و بدون محدودیت «تنگه هرمز» شد ... / ۱۰

محاکمه عاطف نجیب پسر خاله سرکوبگر بشار اسد به اتهام شکنجه و قتل عام معتز صان سوری ... / ۱۰-۱۱

استراتژی جدید برای جنگ‌های جدید ... / اخیراندیش (احمد احرار) ۱۱

پشت دیوارهای بلند / از کاخ تازندان (۷) ... / آذر آریانپور ۱۲-۱۳

احتمال از سرگیری جنگ: هشدار چین به شهروندانش برای خروج فوری از ایران ... / ۱۴

اظهارات ضد و نقیض درباره مذاکره جمهوری اسلامی و آمریکا ... / ۱۵

بلومبرگ: ظرفیت ذخیره سازی نفت در ایران تا ۲۲ روز دیگر تمام می‌شود ... / ۱۶

بی بی سی: استارمر طرح اختیارات تازه برای مقابله با گروه‌های تروریستی دولتی را بررسی می‌کند ... / ۱۶-۱۷

خطر اجرای حکم «اعدام» چهار شهروند بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴ ... / ۱۸

عرفان کیانی از بازداشت شدن دی ۴۰۴ در اصفهان اعدام شد ... / ۱۹

جمهوری اسلامی عامر رامش، زندانی سیاسی ۱۹ ساله، را اعدام کرد ... / ۲۰

آغاز تحقیقات پلیس لندن درباره آتش سوزی عمدی در «دیوار یادبود جاوید نامان» ... / ۲۰-۲۱

دوران نبرد با تاریکی: بوی وطن را حس می‌کنم (صدسال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴) ... / فرید خلیفی ۲۱

عراقچی به روسیه رفت؛ اختلاف درون حکومت بر سر توافق با آمریکا بالا گرفته است ... / ۲۲

تأیید احکام «اعدام» و «۲۵ سال زندان» پدر و دختر بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴ ... / ۲۳

گزارش ویژه: دو ماهه تحقیر و محرومیت ناشی از قطع اینترنت بار و روح و روان شهروندان ... / روشنگ آسترکی ۲۴-۲۵

تجمع مقابل سفارت اسرائیل در لندن همزمان با صدمین روز انقلاب شیرو خورشید ... / ۲۵

چرا حامیان جمهوری اسلامی در لندن آزادانه نفرت پراکنی می‌کنند؟ ... / ۲۶-۲۷

حمله با چاقو به دو شهروند یهودی نزدیک یک کنیسه در لندن ... / ۲۷

گفتگوی «کیهان لایف» با سیاوش اجلائی، برنده جایزه جهانی عکاسی سونی ... / اکتی بیگری ۲۸-۲۹

گفتگوی «کیهان لایف» با دکتر زبیرا اردلان: «توراندوت» در نمایشگاه بین‌المللی هنر ونیز ... / نازنین نوری ۳۰-۳۱

ادعای فرار اجلا: کشف یک «مرکز جاسوسی» در تهران؛ بازداشت ۹ نفر در کرمان به اتهام جاسوسی ... / ۳۲

افزایش فشارهای امنیتی و قضایی بر مولوی عبدالحمید بعد از تشبیه وضعیت کنونی ایران به «بن بست» ... / ۳۲-۳۳

نه تماشاگر، نه قربانی؛ ایران در لحظه تصمیم ... / اس. روزبه ۳۳-۳۴

نمایش شبانه حکومت و واقعیت‌های جامعه ایران ... / بهنام محمدی ۳۴

تایمز: آیا مجتبی خامنه‌ای واقعا ایران را رهبری می‌کند؟ ... / ۳۵

کاهش ۵۰ تا ۱۰۰ درصدی فروش کسب و کارهای اقتصاد دیجیتال به علت قطع اینترنت ... / ۳۶

فاجعه معیشتی در ایران: دولت طرح «خریدنسب» مواد غذایی با «اعتبار کالا برگ» را ابلاغ کرد ... / ۳۷

مرکز آمار ایران: تورم نقطه به نقطه فروردین ماه به ۷۳/۵ درصد افزایش یافت ... / ۳۸

پنججاه و هشت روز خاموشی اینترنت در ایران؛ سازمان نظام پرستاری اینترنت طبقاتی و تبعیض آمیز «پرو» ... / ۳۸-۳۹

افزایش پرسرعت قیمت کالاها و خدمات در ایران؛ هشدار رسانه‌های حکومتی به دولت ... / ۴۰-۴۱

تابستان ۱۴۰۵ از زودتر از موعد آغاز می‌شود؛ هشدار درباره کمبود منابع آب آشامیدنی و کشاورزی ... / ۴۱

بانک مرکزی: میانگین قیمت مواد غذایی در فروردین ۸/۹ درصد افزایش یافت و تورم ... / ۴۲

فساد در امنیتی: ترین لایه‌های جمهوری اسلامی؛ دستور رئیس قوه قضاییه برای بررسی بازار سیاه ... / ۴۳

قیمت اتومبیل در بازار ایران طی دو ماه تا ۴۵ درصد افزایش یافت ... / ۴۴

رکورد تکانه‌دهنده شاخص فلاکت در ایران ... / ۴۵

اخراج و بیکاری میلیون‌ها نفر در شرایط جنگ و قطع اینترنت ... / ۴۶-۴۷

اجرای نمایش «ناشناس ۱۷۸۰» به نویسندگی و کارگردانی از هیلا صدیقی در لندن ... / ۴۷

خبرهای کوتاه ... / ۴۸-۴۹

پشت جلد - عکس هفته / پرستوی نظام! ۵۰

بازنشر
بازنشر



جمهوری اسلامی، علیه ملت ایران در شرایط جنگی

پاشنه آشیل تاب‌آوری جمهوری اسلامی در برابر «خشم اقتصادی»

چهارم اردیبهشت و سالروز یکصدمین سال بنیانگذاری سلسله پادشاهی پهلوی، امسال در شرایطی فرا رسید که ایران با شرایط جنگ و محاصره نظامی روبروست و شهروندان ایران زیر شدیدترین فشارهای اقتصادی قرار دارند. مقایسه ایران دوران پهلوی با ایران زیر سلطه جمهوری اسلامی، آینه‌ای است در برابر جامعه‌ای که امروز با رجوع به حافظه تاریخی، در حسرت سالها امکان از دست‌رفته‌ی رفاه و توسعه، شاهد ویرانی این روزهای میهن است.

ساختار مدرن دولت-ملت که با انقلاب مشروطه بنانهاده شده بود با تلاش دو پادشاه فقید پهلوی تثبیت شد و در درون آن ساختار چشم‌انداز پیشرفت و توسعه ایران ترسیم شد. ایران از دل آشوب و ملوک‌الطوایفی و نامنی و عقب‌ماندگی به مسیر توسعه آموزشی، اقتصادی و اجتماعی وارد شد. نوسازی، گسترش زیرساخت‌ها، ارتقای جایگاه زنان، ایجاد ارتش ملی قدرتمند، نظام اداری متمرکز، شکل‌گیری طبقه متوسط شهری و ورود به اقتصاد جهانی از جمله نتایج آن روند بود که در کوتاه‌مدت میسر شد. اقتصاد ایران که در دوران پهلوی با رشد بیش از ۱۰ درصدی و میانگین تورم ۴٪ در صدی روبرو بود، امروز با تورم عمومی بیش از ۷۰ درصد و تورم بیش از ۱۰۰ درصدی مواد خوراکی روبروست و رشد اقتصادی به زیر صفر سقوط کرده و منفی شده است.

جمهوری اسلامی، ساختار توسعه‌گرای اقتصاد ایران پیش از انقلاب را به ساختاری رانته، امنیتی، ایدئولوژیک و فاسد تبدیل کرد. مافیاهای حکومت در تار و پود اقتصاد کشور ریشه دواندند، نبض اقتصاد را در دست گرفتند و در عمل حاکم بر اقتصاد و ساکنان اصلی مسیر سیاست داخلی و خارجی نظام شدند. در نتیجه عملکرد این ساختار است که امروز اقتصاد ایران، با وجود منابع سرشار، نیروی انسانی تحصیل‌کرده و موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز، در برابر هر تنش و تکانه بیرونی به‌شدت آسیب‌پذیر شده است.

در چنین شرایطی است که عملیات «خشم اقتصادی» و فشار بر شریان‌های تجارت خارجی جمهوری اسلامی با محاصره دریایی به تهدیدی جدی علیه حیات جمهوری اسلامی تبدیل شده است که می‌تواند بسترساز بروز «دولت شکست‌خورده» (failed state) شود.

برای کشوری با منابع و ظرفیت‌های اقتصادی ایران، پیامدهای ۴۰ روز جنگ نظامی و سه هفته محاصره دریایی نباید اینچنین عمیق و ویرانگر باشد اما زنگ خطر بروز ابرتورم در کوتاه‌مدت و کشیده شدن دولت به سمت فروپاشی به صدا درآمده است. اینهمه نشان می‌دهد شکنندگی امروز اقتصاد ایران محصول فرسودگی مزمنی است که طی چهل‌وهفت سال حکمرانی ناکارآمد و فاسد شکل گرفته است. اقتصادی که در آستانه انقلاب ۵۷ می‌توانست با ترکیب و کره جنوبی رقابت کند، اکنون از قافله توسعه جا مانده و شهروندانش با تورم، بیکاری، فقر، مهاجرت، ناامیدی و سقوط قدرت خرید دست‌وپنجه نرم می‌کنند. جمهوری اسلامی نه‌تنها فرصت تاریخی توسعه ایران را سوزاند، بلکه اقتصاد ایران که پیش از انقلاب ۵۷ در حال تثبیت جایگاه به‌عنوان یکی از قطب‌های آسیا بود را با بحران‌های پی‌درپی پیوند زده است.

شکنندگی اقتصاد ایران حالا به پاشنه آشیل جمهوری اسلامی تبدیل شده است. حکومت نه تنها در برابر فشارهای اقتصادی تاب‌آوری ندارد بلکه دیر یا زود با خشم عمومی ناشی از سفره خالی، ناامیدی و تحقیر ملی نیز روبرو خواهد شد.



● در شرایط خفقان‌آمیز و تحقیرکننده‌ای که جمهوری اسلامی بعد از جنگ برای شهروندان ایجاد کرده نشانه‌ای از همدلی و همبستگی مردم و حکومت وجود ندارد و ادعای مطرح شده در پیام منسوب به رهبر سوم جمهوری اسلامی رد می‌شود. این روند بدون شک بر نارضایتی انباشته ملت ایران از حکومت، که چند هفته پیش از جنگ در اعتراضات دی ۴۰۴ نشان داده شد، افزوده و فاصله میان مردم و حکومت را عمیق‌تر کرده است.

«قلوب مردم به هم نزدیک شد، یخ‌های فی‌مابین افشار مختلف با گرایش‌های متفاوت شروع به ذوب شدن کرد، همگان زیر پرچم وطن جمع شدند و روز به روز به عدد این جمع و به کیفیت آن افزوده می‌شود.» این جمله بخشی از پیام نوشتاری منسوب به مجتبی‌خامنه‌ای رهبر سوم جمهوری اسلامی است که در تاریخ ۲۰ فروردین ۱۴۰۵ منتشر شد. آنچه در این پیام ادعا شده از سوی نیروهای «خودی» حکومت، که طی دو ماه گذشته و با وجود قطع سراسری اینترنت جهانی در ایران با «سیم‌کارت سفید» در شبکه‌های اجتماعی حضور داشتند تا پروپاگاندای نظام را پیش ببرند، نیز به اشکال مختلف مطرح شده است.

رهبر جمهوری اسلامی در حالی مدعی همبستگی و نزدیک شدن نظام و مردم در شرایط جنگ شده که شواهد نه تنها چنین ادعایی را رد می‌کند بلکه نشان می‌دهد از آغاز جنگ تا کنون انواع سرکوب شهروندان با افزایش بی‌سابقه‌ای روبرو بوده و فاصله میان مردم و حکومت پررنگ‌تر شده است.

بازداشت‌های فله‌ای هزاران شهروند با اتهامات مرتبط با جنگ از نهم اسفندماه و همزمان با آغاز جنگ اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی هزاران شهروند با اتهامات امنیتی و سیاسی از جمله به بهانه «جاسوسی»، «حمایت از جنگ»، «همکاری با دشمن» و ارسال تصاویر محل اصابت در حملات به سرویس‌های جاسوسی یا رسانه‌های خارج از کشور بازداشت شده‌اند.

فرمانده کل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، ۳۰ فروردین در گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه خبر صدا و سیما جمهوری اسلامی از بازداشت ۲۷۰۰ شهروند توسط نیروی انتظامی با اتهاماتی مرتبط با جنگ خبر داد. احمدرضا رادان تأکید کرد وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) نیز در این حوزه افرادی را دستگیر کرده‌اند. با توجه به اینکه پرونده‌های امنیتی و سیاسی غالباً از سوی وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پیگیری می‌شوند، پیش‌بینی می‌شود این دو نهاد امنیتی تعداد شهروندان بیشتری را نسبت به نیروی انتظامی بازداشت کرده باشند و در نتیجه احتمالاً هزاران نفر از ابتدای جنگ بازداشت شده‌اند.

از سوی دیگر افراد بازداشت‌شده با اتهاماتی روبرو هستند که در قوانین قضایی و کیفری جمهوری اسلامی مجازات‌هایی سنگین، از حبس طولانی‌مدت تا اعدام، برای این اتهامات در نظر گرفته شده است. مقامات قضایی نیز بر لزوم اشد مجازات شهروندان بازداشت‌شده به

کشانده تا در خیابان‌های کشور مانور داده و وحشت‌آفرینی کنند.

نیروهای لباس شخصی و نیابتی‌ها شبها با موتور یا سوار بر ماشین‌های نظامی در خیابان‌های شهر جولان می‌دهند. با عربده‌کشی شعارهایی چون «حیدر حیدر» سر می‌دهند. تجمعاتی شبانه نیز از سوی حامیان سازمانیافته جمهوری اسلامی در میداين برخی شهرها برگزار می‌شود که غالب شرکت‌کنندگان نیروهای لباس شخصی و بسیجی و نیابتی‌ها هستند. جمهوری اسلامی با «مردمی» و «خودجوش» خواندن تجمعات شبانه، آنها را به عنوان ویتترین مشروعیت نزد ملت جا می‌زند!

سرکوب و تحقیر عمومی مردم با قطع اینترنت

دامنه سرکوب‌هایی که جمهوری اسلامی به اشکال مختلف در شرایط جنگی علیه مردم به‌کار گرفته تا قطع اینترنت جهانی کشیده شده است. از ساعتی پس از آغاز جنگ در بامداد نهم اسفند تا کنون اینترنت جهانی در ایران قطع شده و مردم از حق طبیعی دسترسی به جریان آزاد اطلاعات و بهره‌مندی از اینترنت محروم شده‌اند.

قطع اینترنت خسارت اقتصادی هنگفتی را در اقتصاد ایران ایجاد کرده و برآوردها نشان می‌دهد در طول دو ماه بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومان زیان ناشی از قطع اینترنت ثبت شده است. یکی از نتایج فاجعه‌بار قطع اینترنت اما اخراج نیروی کار به علت رکود و زیان انباشته در کسب‌وکارها بوده است. شمار اخراج‌شدگان از سوی دولت دو میلیون نفر و از سوی تحلیلگران مستقل و فعالان صنفی چهار میلیون نفر اعلام شده است. وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی نیز تاب‌آوری اقتصاد ایران در برابر قطع اینترنت را ۲۰ روز اعلام کرده و گفته اشتغال ۱۰ میلیون نفر در ایران به اینترنت پایدار وابسته است.

قطع اینترنت اما احساس تحقیرشدگی و اسارت به شهروندان داده و خشم و اعتراض عمومی ایجاد کرده است. اگر خسارت ناشی از قطع اینترنت با افزودن خسارت روانی به جامعه، خسارت ایجاد شده با اخراج نیروی کار، خروج سرمایه از کشور با سرعت گرفتن روند مهاجرت استارت‌آپ‌ها و متخصصان، و دیگر خسارت‌های غیرمستقیم محاسبه شود، رقم واقعی خسارت ناشی از قطع اینترنت به میلیاردها دلار افزایش خواهد یافت.

جمهوری اسلامی در شرایطی با عملکرد تباہ ۴۷ سال گذشته، از اشغال سفارت آمریکا در تهران پس از انقلاب تا نفرت‌پراکنی علیه اسرائیل و آتش‌افروزی در منطقه، سبب بروز جنگی نظامی شده که گویا با تشدید سرکوب‌های همه‌جانبه قرار است انتقام جنگی که مسبب آن بوده است را از مردم ایران بگیرد!

تشدید سرکوب‌ها علیه شهروندان، از بین بردن امنیت اجتماعی و بازی با آرامش روانی مردمی که در معرض جنگ و مپاران قرار داشته و زیر بار فشارهای اقتصادی و گرانی و بیکاری به سختی روزگار می‌گذرانند، نشان می‌دهد جمهوری اسلامی نه تنها با مردم همدلی ندارد بلکه مانند چهار دهه گذشته همچنان رودرروی آنها ایستاده است.

در شرایط خفقان‌آمیز و تحقیرکننده‌ای که جمهوری اسلامی بعد از جنگ برای شهروندان ایجاد کرده نشانه‌ای از همدلی و همبستگی مردم و حکومت وجود ندارد و ادعای مطرح شده در پیام منسوب به رهبر سوم جمهوری اسلامی رد می‌شود. این روند بدون شک بر ناراضی‌انباشته ملت ایران از حکومت، که چند هفته پیش از جنگ در اعتراضات دی ۴۰۴ نشان داده شد، افزوده و فاصله میان مردم و حکومت را عمیق‌تر کرده است.

در پرونده برای اثبات اتهام، و عدم دسترسی متهمان به وکیل انتخابی وجود داشته است که احکام صادره را حتی بر اساس قوانین جمهوری اسلامی زیر سوال می‌برد.

اعدام ۲۱ زندانی سیاسی در یک بازه زمانی هشت هفته‌ای رکوردی بی‌سابقه در سه دهه گذشته و پس از کشتار



زندانیان سیاسی در دهه شصت خورشیدی به شمار می‌رود. همچنین در دو ماه گذشته صدور احکام اعدام برای شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات دی ۴۰۴، و تأیید این احکام در دیوان عالی کشور، با سرعت ادامه دارد. اینهمه نشان می‌دهد دستگاه قضایی جمهوری اسلامی در حال بازگشت به روزهای سیاه دهه شصت است.

به‌علت قطع اینترنت در ایران و عدم دسترسی به آمار دقیق و راستی‌آزمایی شده، اطلاعی از آمار اعدام متهمان با پرونده‌های غیرسیاسی در دست نیست اما فعالان حقوق بشر نسبت به افزایش آمار در آن بخش هم هشدار می‌دهند.

ایست‌های بازرسی و سازماندهی «نیابتی‌ها» در خیابان‌های کشور

از ابتدای جنگ تا کنون در شهرهای مختلف ایران ایست‌های بازرسی به راه افتاده که نه تنها نیروهای نظامی و انتظامی بلکه بسیج و لباس شخصی‌ها در آنها مستقر هستند و با بازرسی اتومبیل و وسائل شهروندان آرامش اجتماعی را سلب، و فضایی خفقان‌آور ایجاد کرده است. گزارش‌ها حاکی از آنست که نیروهای حکومتی مستقر در ایست‌های بازرسی حتی پیام‌ها و تصاویر خصوصی در موبایل شهروندان را مورد بازرسی قرار می‌دهند. در صورت خودداری شهروندان از ارائه رمز گوشی یا مخالفت زنان با بازرسی کیف‌هایشان و ... مأموران با خشونت شهروند را بازداشت می‌کنند. همچنین گزارش‌هایی از ضرب و جرح و تهدید مسلحانه شهروندان در ایست‌های بازرسی به علت مخالفت یا اعتراض به بازرسی‌ها منتشر شده است.

جمهوری اسلامی برای «مهندسی فضای اجتماعی» نیروهای نیابتی و گروه‌های مسلح مورد حمایت خود در کشورهای منطقه را از «فاطمیون» تا «حشد شعبی» به ایران

اتهامات مرتبط با جنگ تأکید دارند. غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی، روز دوشنبه ۳۱ فروردین، برای چندمین بار طی دو ماه گذشته خواستار تسریع در برخورد قاطع قضایی با کسانی که او «همکار دشمن» خوانده، شد.

سخنان رئیس قوه قضاییه نشان می‌دهد کوچکترین واکنش و اظهارنظر شهروندان درباره جنگ که مخالف با چارچوب‌ها و ایدئولوژی حکومت باشد می‌تواند به صدور احکام سنگین منجر شود. او گفته «ترور، جاسوسی و ارسال توییت، همه در یک راستا است و کسانی که مبادرت به ترور و جاسوسی می‌کنند و چه آنکه برای دشمن تصویر و فیلم ارسال می‌کند یا توییت می‌فرستد یا سخنرانی می‌کند، همه در یک راستا قرار دارند و «همکار دشمن متجاوز» هستند.»

شکست رکورد اعدام متهمان سیاسی در سه دهه گذشته

سرکوب قضایی شهروندان در شرایط جنگ تنها به بازداشت و تشکیل پرونده قضایی ختم نمی‌شود. قوه قضاییه در اقدامی سازمانیافته و هدفمند اجرای احکام زندانیان سیاسی و بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ را سرعت بخشیده است.

بر اساس آمار اعلام شده از سوی حکومت از آغاز جنگ تا کنون ۲۱ زندانی سیاسی در زندان‌های کشور اعدام شدند. بخشی از اعدام‌شدگان در سالهای گذشته با اتهاماتی چون عضویت در گروه‌های سیاسی مخالف جمهوری اسلامی یا با ادعای اقدامات تروریستی بازداشت، و به اعدام محکوم شده بودند. با آغاز جنگ، پرونده آنها به دایره اجرای احکام قوه قضاییه ارسال، و حکم اعدام آنها اجرا شد.

شمار دیگری از اعدام‌شدگان اما شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات دی ۴۰۴ بودند که برخلاف روند معمول در قوه قضاییه جمهوری اسلامی پرونده‌های آنها به سرعت مراحل بازرسی، دادرسی، صدور و تأیید حکم را طی کرد و به دار آویخته شدند. بدون استثنا در همه این پرونده‌ها مواردی چون اعتراف‌گیری اجباری زیر شکنجه، نبود مستندات کافی

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «فاکس نیوز»: بازی نهایی این است که مردم ایران کشورشان را پس بگیرند



شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با شان هنتی در شبکه «فاکس نیوز»

«بازنگری در تمامی پروتکل‌های حفاظتی» از شاهزاده رضا پهلوی؛ ضرورت اجرای اقدامات تأمینی پیشگیرانه

● تعرض به امنیت شاهزاده رضا پهلوی در جریان سفر به برلین، با واکنش‌های مختلفی روبرو شده است. کامران خوانساری‌نیا مسئول دفتر شاهزاده رضا پهلوی، روز شنبه پنجم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵، در ویدئویی که در حساب «ایکس» این دفتر منتشر شد توضیحاتی درباره حادثه امنیتی رخ داده در برلین، ارائه داد. گفته می‌شود در پروتکل‌های حفاظتی از او بازنگری صورت خواهد گرفت.

● خوانساری‌نیا در یک پیام ویدئو توضیح داد، «در سفرهای خارجی به ویژه کشورهای اروپایی مسئولیت تأمین امنیت با نیروهای امنیتی و پلیس کشور میزبان است، در این مورد حفاظت از شاهزاده رضا پهلوی و محل حضورشان برعهده پلیس آلمان و پلیس برلین بود، با این حال اقدام اولیه در برخورد با فرد مهاجم توسط عضو تیم حفاظتی شاهزاده انجام شد.» او تأکید کرد تیم امنیتی شاهزاده در حال بازنگری در تمامی پروتکل‌های حفاظتی است.

● یک «منبع مطلع» در برلین که نخواست نامش منتشر شود، به کیهان لندن می‌گوید: در آلمان پروتکل‌های حفاظتی ویژه تأمین امنیت اشخاص در چهار سطح اجرا می‌شود، ۱) مهمانان خارجی شامل رهبران کشورهای مهمان یا رؤسای نهادهای بین‌المللی که جان‌شان در خطر است، ۲) مقامات ارشد داخلی شامل صدراعظم و وزرا و آنهایی که مهمان رسمی نهادها و ارگان‌های دولتی هستند، یا مهمانان مراسمی که مقامات ارشد آلمانی آنجا میزبان هستند ۳) اشخاصی که مقام رسمی نیستند، جان‌شان در ممکن است در خطر باشد اما مهمان رسمی نهادهای دولتی مثل وزارت خارجه نیستند. ۴) فعالان سیاسی و روزنامه‌نگاران که به دلیل تهدیدها پلیس از آنها مراقبت می‌کند. در سفر اخیر، برای تأمین امنیت شاهزاده رضا پهلوی سطح سوم در نظر گرفته شده بود.

تعرض به امنیت شاهزاده رضا پهلوی در جریان سفر به برلین، با واکنش‌های مختلفی روبرو شده است. کامران خوانساری‌نیا مسئول دفتر شاهزاده رضا پهلوی، روز شنبه پنجم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵، در ویدئویی که در حساب «ایکس» این دفتر منتشر شد توضیحاتی درباره حادثه امنیتی رخ داده در برلین، ارائه داد. گفته می‌شود در پروتکل‌های حفاظتی از او بازنگری صورت خواهد گرفت.

خوانساری‌نیا در یک پیام ویدئو توضیح داد، «در سفرهای خارجی به ویژه کشورهای اروپایی مسئولیت تأمین امنیت با نیروهای امنیتی و پلیس کشور میزبان است، در

یک ملت ادا می‌کنیم اما به کمک‌های بیرونی نیاز داریم. این کمک‌ها شروع شده اما نباید در نیمه راه متوقف شود. رژیم هرگز قصد مذاکره نداشته و احتمالا نخواهد داشت. دلیلش این است که در دی‌ان‌ای آنها، همزیستی با دنیای آزاد تعریف نشده است. آنها با هدف صدور یک ایدئولوژی در آنجا هستند.»

او افزود: «ژنرال کین کاملا درست می‌گوید؛ این رژیم اهمیتی به مردم ایران نمی‌دهد. اگر اهمیت می‌داد، ما را به دلیل جنگ‌طلبی و تروریسم به نقطه فروپاشی کامل و انزوا نمی‌کشاند. اما نیروهای میدانی همیشه بوده‌اند و باید خود مردم ایران باشند. آنها فقط به کمک بیشتری نیاز دارند.»

شاهزاده رضا پهلوی با اشاره به رویکرد دولت ترامپ در قبال جمهوری اسلامی گفت: «من کاملا موافقم که ادامه این مسیر بهترین راه حل است. فشار را بر آنها حفظ کنید، زیرساخت‌های رژیم را هدف قرار دهید و اطمینان حاصل کنید که مردم ایران اکنون فرصتی برای بازگشت به خیابان‌ها دارند. بیایید این کار را نیمه‌تمام رها نکنیم و تا انتها پیش برویم.»

او افزود: «البته تمام اقداماتی که برای اعمال فشار بیشتر بر رژیم انجام می‌شود در جریان است. اما مسئله عواقب ادامه بقای این رژیم است که در نهایت به کشور ما آسیب می‌زند؛ به این معنا که بازسازی پس از هرج و مرجی که به جا می‌ماند، مسیر بسیار سختی خواهد بود.»

شاهزاده رضا پهلوی توضیح داد: «با توجه به شرایط فعلی، این بهترین فرصت برای اتمام کار است. ماهیت این رژیم هرگز میانه‌رو نبوده و همیشه رادیکال بوده است. چیزی به نام میانه‌رو در این سیستم وجود ندارد. در واقع اگر به لفاظی‌های آنها گوش دهید، آنها واقعا به آنچه می‌گویند باور دارند. وقتی تهدید به تلافی و انتقام بابت کشته شدن رهبر خود می‌کنند، منظورشان مستقیما رئیس‌جمهوری ترامپ و البته تلافی علیه کشورهای منطقه است، فکر نمی‌کنم تا زمانی که این رژیم وجود دارد کسی بتواند نفس راحتی بکشد.»

● شاهزاده رضا پهلوی، شامگاه سه‌شنبه ۸ اردیبهشت در مصاحبه با شان هنتی در شبکه «فاکس نیوز» خواستار استمرار فشار بر جمهوری اسلامی، هدف قرار دادن زیرساخت‌های رژیم و اطمینان یافتن از اینکه مردم فرصتی برای بازگشت به خیابان بیابند، شد و گفت این کار را نباید نیمه‌تمام رها کرد و باید تا انتها پیش رفت.

● «بازی نهایی این است که مردم ایران کشورشان را پس بگیرند. برای انجام این کار، آنها نیاز به یک زمین بازی برابر دارند. آنچه در ۱۸ و ۱۹ دی امسال رخ داد، قتل‌عام حدود ۴۰ هزار نفر بود که در کمتر از ۲۴ ساعت کشته شدند. این می‌تواند میراث کشوری باشد که معتقد است مردم ایران باید آزاد شوند.»

شاهزاده رضا پهلوی، خواستار استمرار فشار بر جمهوری اسلامی، هدف قرار دادن زیرساخت‌های رژیم و اطمینان یافتن از اینکه مردم فرصتی برای بازگشت به خیابان بیابند، شد و گفت این کار را نباید نیمه‌تمام رها کرد و باید تا انتها پیش رفت.

شاهزاده رضا پهلوی شامگاه سه‌شنبه ۸ اردیبهشت در مصاحبه با شان هنتی در شبکه «فاکس نیوز» تأکید کرد: «ما سهم خود را به‌عنوان یک ملت ادا می‌کنیم اما به کمک‌های بیرونی نیاز داریم.»

او توضیح داد، «بازی نهایی این است که مردم ایران کشورشان را پس بگیرند. برای انجام این کار، آنها نیاز به یک زمین بازی برابر دارند. آنچه در ۱۸ و ۱۹ دی امسال رخ داد، قتل‌عام حدود ۴۰ هزار نفر بود که در کمتر از ۲۴ ساعت کشته شدند. این می‌تواند میراث کشوری باشد که معتقد است مردم ایران باید آزاد شوند.»

شاهزاده رضا پهلوی در بخش دیگری از این مصاحبه افزود: «رژیم ضعیف شده اما نه تا حد فروپاشی. هنوز بخش‌های خاصی از سیستم فعال هستند که باید مورد توجه و هدف قرار گیرند. زمانی که رژیم در آستانه فروپاشی باشد، مردم آماده به دست گرفتن امور خواهند بود. این باید یک کارزار هماهنگ باشد. ما سهم خود را به عنوان

اشاره او به پُردن ظرفیت مخازن و انبارهای نفتی ایران در شرایطی است که بنادر در محاصره قرار دارند و نفتکش‌ها نمی‌توانند محموله نفتی خود را به خریداران منتقل کنند. تکلیف مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا مشخص نیست و در آمریکا به این جمع‌بندی رسیده‌اند که محاصره دریایی اقتصاد ایران را ویران خواهد کرد.

دور دوم گفتگوهای اسلام‌آباد به دلیل عدم حضور نمایندگان جمهوری اسلامی برگزار نشد. منابع غیررسمی شروط سخت دونالد ترامپ و همچنین شکاف میان مقامات باقیمانده جمهوری اسلامی بر سر مذاکره کردن یا نکردن با آمریکا را دلیل لغو سفر نمایندگان رژیم ایران به پاکستان دانستند. هرچند عباس عراقچی طی ۴۸ ساعت دویار به اسلام‌آباد سفر کرد اما ادعا شد این سفرها ارتباطی به مذاکره با آمریکا ندارد. عراقچی علاوه بر دیدار با مقامات ارشد پاکستان، در عمان با هیثم بن طارق سلطان عمان نیز دیدار کرد.

کاظم جلالی سفیر جمهوری اسلامی در مسکو نیز ششم اردیبهشت ۱۴۰۵ خبر داد که عراقچی دوشنبه به مسکو می‌رود و با ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه دیدار خواهد کرد. او گفت: «عراقچی در ارتباط با آخرین وضعیت مذاکرات، آتش‌بس و تحولات پیرامونی با مقامات روسیه رایزنی و گزارشی از این مذاکرات به مقامات مسکو ارائه خواهند کرد.» مقامات نظام قویاً می‌گویند زیر بار شروط ترامپ نمی‌روند زیرا به اعتقاد آنها پذیرش این شروط به معنای تسلیم است. با این همه اما ترامپ در مصاحبه با «فاکس نیوز» ابراز

ترامپ: با ادامه محاصره دریایی زیرساخت‌های نفتی ایران از درون فرو می‌پاشد؛ عراقچی با پوتین دیدار می‌کند

● ترامپ می‌گوید جریان نفت در خطوط لوله ایران به دلیل محاصره دریایی دیگر قابل ذخیره شدن در نفتکش‌ها نیست و طی حدود «سه روز» زیرساخت‌های نفتی ایران «از درون منفجر خواهد شد.»

● دور دوم گفت‌وگوهای اسلام‌آباد به دلیل عدم حضور نمایندگان جمهوری اسلامی برگزار نشد. منابع غیررسمی، شروط سخت دونالد ترامپ و همچنین شکاف میان



دونالد ترامپ

امیدواری کرده است که جمهوری اسلامی «عاقلانه» رفتار کند. او افزود، اگر آنها بخواهند برای پایان جنگ مذاکره کنند، می‌توانند با آمریکا تماس بگیرند: «اگر بخواهند صحبت کنند، می‌توانند نزد ما بیایند یا با ما تماس بگیرند. می‌دانید که تلفن وجود دارد. ما خطوط امن و خوبی داریم.»

در ایران دولت و اصلاح‌طلبان عملاً از معادلات خارج شدند و آشکار گرداننده تمام امور سپاه پاسداران است. وضعیت مجتبی‌خامنه‌ای هم مشخص نیست، اختلاف قالیباف با سایر شخصیت‌های برجسته نظام هم آشکارتر شده است.

در چنین شرایطی احتمال شکست آتش‌بس و ازسرگیری درگیری‌ها بسیار بالاست. احمد نادی عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی، در شبکه خبر تلویزیون جمهوری اسلامی، در همین ارتباط گفت: «من چشم‌انداز نزدیک را تنش می‌بینم. نمی‌خواهم دل مردم را خالی کنم اما باید آماده باشیم که احتمال وقوع جنگ وجود دارد. احتمال تنش بالا است و ما هم از این موضوع کوتاه نمی‌آییم.»

مقامات باقیمانده جمهوری اسلامی بر سر مذاکره کردن یا نکردن با آمریکا را دلیل لغو سفر نمایندگان رژیم ایران به پاکستان دانستند. هرچند عباس عراقچی طی ۴۸ ساعت، دو بار به اسلام‌آباد سفر کرد، اما ادعا شد این سفرها ارتباطی به مذاکره با آمریکا ندارد.

● کاظم جلالی، سفیر جمهوری اسلامی در مسکو، نیز ششم اردیبهشت ۱۴۰۵ خبر داد که عراقچی دوشنبه به مسکو می‌رود و با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، دیدار خواهد کرد. او گفت: «عراقچی در ارتباط با آخرین وضعیت مذاکرات، آتش‌بس و تحولات پیرامونی با مقامات روسیه رایزنی و گزارشی از این مذاکرات به مقامات مسکو ارائه خواهد کرد.»

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا می‌گوید جریان نفت در خطوط لوله ایران به دلیل محاصره دریایی دیگر قابل ذخیره شدن در نفتکش‌ها نیست و طی حدود «سه روز» زیرساخت‌های نفتی ایران «از درون منفجر خواهد شد.»

این مورد حفاظت از شاهزاده رضا پهلوی و محل حضورشان برعهده پلیس آلمان و پلیس برلین بود، با این حال اقدام اولیه در برخورد با فرد مهاجم توسط عضو تیم حفاظتی شاهزاده انجام شد.» او تأکید کرد تیم امنیتی شاهزاده در حال بازنگری در تمامی پروتکل‌های حفاظتی است.

Reza Pahlavi Commu...
 @PahlaviComms · دنبال کردن

بیا بیا دفتر شاهزاده رضا پهلوی در رابطه با حوادث اخیر در برلین

۲:۲۵ · بعد از ظهر · ۲۵ آوریل ۲۰۲۶

۹٫۵ هزار · پاسخ · کپی ...

خواندن ۷۲۲ پاسخ

یک «منبع مطلع» در برلین که نخواست نامش منتشر شود، به کیهان لندن می‌گوید: در آلمان پروتکل‌های حفاظتی ویژه تأمین امنیت اشخاص در چهار سطح اجرا می‌شود، (۱) مهمانان خارجی شامل رهبران کشورهای مهمان یا رؤسای نهادهای بین‌المللی که جان‌شان در خطر است، (۲) مقامات ارشد داخلی شامل صدراعظم و وزرا و آنهایی که مهمان رسمی نهادها و ارگان‌های دولتی هستند، یا مهمانان مراسمی که مقامات ارشد آلمانی آنجا میزبان هستند (۳) اشخاصی که مقام رسمی نیستند، جان‌شان در ممکن است در خطر باشد اما مهمان رسمی نهادهای دولتی مثل وزارت خارجه نیستند. (۴) فعالان سیاسی و روزنامه‌نگاران که به دلیل تهدیدها پلیس از آنها مراقبت می‌کند.

براساس گفته این منبع، شاهزاده رضا پهلوی وقتی در کنفرانس امنیتی مونیخ شرکت کردند، با توجه به اینکه رهبر اپوزیسیون مقام رسمی ندارد، طبق پروتکل سطح دوم امنیتی برای او به اجرا گذاشته شد از جمله شامل ماشین ضدگلوله و اسکورت می‌شد.

در جریان سفر اخیر به برلین، سطح امنیتی سوم برای شاهزاده رضا پهلوی به اجرا گذاشته شد، یعنی احتمال دارد جان ایشان در خطر باشد اما نه به عنوان یک مقام رسمی دولتی. ضمن اینکه میزبان او وزارت خارجه یا وزارت داخلی دعوت نشده بود، پلیس امنیت ایشان را به «پلیس جنایی» (BKA) آلمان سپرد. به گفته یک منبع مطلع دوم «گاهی در این سطح امنیتی از نیروهایی استفاده می‌شود که تازه کار و کم تجربه هستند.»

اما آنچه در این رویداد اتفاق افتاد، نشان داد که اجرای اقدامات تأمینی پیشگیرانه از سوی تیم امنیتی شاهزاده رضا پهلوی و هماهنگی آنها با نهادهای امنیتی کشورهای میزبان ضروری است زیرا از یک سو جمهوری اسلامی و عوامل برون مرزی آن و از سوی دیگر گروه‌های عمدتاً چپ‌گرای «پهلوی ستیز» در حساس‌ترین شرایط ظرفیت انجام اقدامات تهدیدآمیز را دارا هستند. بویژه آنکه در برخی کشورها از جمله کشورهای اروپایی با توجه به فضای رسانه‌ای و تبلیغاتی زمینه این اقدام مهیاست.

ترامپ:

پادشاه چارلز هم نمی‌خواهد ایران سلاح اتمی داشته باشد



دیدار ترامپ و شاه چارلز در کاخ سفید

خارج [بریتانیا] هنگام بیان این نکته از سوی رئیس‌جمهور، سر تکان می‌داد.»

چارلز پیش‌تر در سخنرانی خود در کنگره آمریکا، مستقیماً به جنگ ایران اشاره نکرد، اما به انتقادهای ترامپ از ناتو، اهمیت ادامه کمک‌های آمریکا به اوکراین در جنگ با روسیه، و خطرات انزوای پراخت.

هر دو کشور بریتانیا و ایالات متحده طی سال‌ها تأکید کرده‌اند که تهران نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد.

تهران که سلاح هسته‌ای ندارد، تلاش برای دستیابی به آن را رد می‌کند، اما می‌گوید به‌عنوان عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، حق توسعه فناوری هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز، از جمله غنی‌سازی، را دارد.

ترامپ در این ضیافت که سه‌شنبه شب ۲۸ آوریل (بامداد نهم اردیبهشت) بوقت ایران برگزار شد گفت: «ما در حال حاضر کمی روی مسائل خاورمیانه کار می‌کنیم و بسیار خوب پیش می‌رویم.»

او افزود: «ما از نظر نظامی آن طرف خاص را شکست داده‌ایم و هرگز اجازه نخواهیم داد [رژیم ایران]، چارلز حتی بیشتر از من با این موضوع موافق است، هرگز نباید به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند.»

سخنگوی کاخ باکینگهام در پاسخ به پرسش خبرنگاران گفت: «پادشاه طبیعتاً از موضع دیرینه و شناخته‌شده دولت خود درباره جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای آگاه است.»

یک منبع آگاه نیز گفت برخی حاضران «متوجه شدند وزیر

● دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا می‌گوید، «شاه چارلز پادشاه بریتانیا، نمی‌خواهد ایران سلاح هسته‌ای داشته باشد» او این موضوع حساس مربوط به مناقشات خاورمیانه را در جریان سخنرانی خود در ضیافت رسمی کاخ سفید به افتخار این پادشاه مطرح کرد.

● این مراسم در دومین روز از سفر چهارروزه به ایالات متحده برگزار شد؛ سفری که در زمانی پرتنش در روابط دو کشور انجام می‌شود، زیرا ترامپ بارها از کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا به دلیل «فقدان همکاری در جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران» انتقاد کرده است.

● ترامپ در این ضیافت که سه‌شنبه شب ۲۸ آوریل (بامداد نهم اردیبهشت) بوقت ایران برگزار شد گفت: «ما در حال حاضر کمی روی مسائل خاورمیانه کار می‌کنیم و بسیار خوب پیش می‌رویم.»

● او افزود: «ما از نظر نظامی آن طرف خاص را شکست داده‌ایم و هرگز اجازه نخواهیم داد [رژیم ایران]، چارلز حتی بیشتر از من با این موضوع موافق است، هرگز نباید به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند.»

● پایگاه خبری آکسیوس پنجشنبه ۳۰ آوریل (۱۰ اردیبهشت) به نقل از دو منبع گزارش داد، برد کوپر فرمانده سنتکام قرار است دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا را در جریان گزینه‌های جدید برای انجام اقدامات نظامی علیه جمهوری اسلامی بگذارد.

● بررسی گزینه‌های جدید نشان می‌دهد که ترامپ به طور جدی در باره از سرگیری دوباره حملات تأمل می‌کند یا به خاطر اینکه ایران را به بازگشت به میز مذاکره و سازش در رابطه با مسئله هسته‌ای وادارد یا اینکه ضربه نهایی را به جمهوری اسلامی بزند.

● فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) طرح‌هایی در این رابطه آماده کرده که فرمانده این نهاد نظامی جزئیات آن را امروز پنجشنبه ۳۰ آوریل به ترامپ ارائه خواهد کرد. این طرح‌ها شامل مجموعه‌ای از حملات «کوتاه و قدرتمند» علیه اهدافی در داخل ایران است، از جمله اهداف زیرساختاری.

آکسیوس: ارائه طرح حملات «کوتاه و قدرتمند» علیه جمهوری اسلامی به ترامپ

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا می‌گوید، «شاه چارلز پادشاه بریتانیا، نمی‌خواهد ایران سلاح هسته‌ای داشته باشد» او این موضوع حساس مربوط به مناقشات خاورمیانه را در جریان سخنرانی خود در ضیافت رسمی کاخ سفید به افتخار این پادشاه مطرح کرد.

این مراسم در دومین روز از سفر چهارروزه به ایالات متحده برگزار شد؛ سفری که در زمانی پرتنش در روابط دو کشور انجام می‌شود، زیرا ترامپ بارها از کی‌یر استارمر نخست‌وزیر بریتانیا به دلیل «فقدان همکاری در جنگ علیه جمهوری اسلامی ایران» انتقاد کرده است.



آمریکا خود را برای «محاصره طولانی» بنادر ایران آماده می‌کند؛ کارشناسان: احتمال جنگ بیش از توافق است



دونالد ترامپ در کنار پیت هگست وزیر جنگ

اسلامی و آمریکا به توافق برسند. محمدرضا عارف معاون مسعود پزشکیان ادعا کرده است «ایران پاسانگ می‌تواند از کشور تحریم‌شده به کشور تحریم‌کننده تبدیل شود.» پزشکیان نیز در گفتگوی تلفی با شهباز شریف نخست وزیر پاکستان گفت، «ایران تحت فشار، تهدید و محاصره وارد مذاکره تحمیلی نخواهد شد.» اینها مواضع نشان می‌دهد دور جدیدی از درگیری‌ها در راه است. دیاکو حسینی تحلیلگر مسائل بین‌الملل در تهران گفته «به نظرم در چند هفته اخیر، آمریکا در حال خرید زمان است تا حملات بعدی را انجام دهد. بنابراین، من فکر می‌کنم در آینده بسیار نزدیک، احتمال ازسرگیری جنگ خیلی بالاتر از حصول توافق باشد.»

لندن به الجزیره می‌گوید: «ما دست‌کم فعلاً از مرحله جنگ فیزیکی عبور کرده‌ایم... اما همچنان در مرحله‌ای از رقابت شدید بین آمریکا و ایران هستیم که هر دو طرف اساساً تلاش می‌کنند به طرف مقابل نشان دهند که تاب‌آوری بیشتری دارند و زمان به نفع آنهاست.» او می‌گوید آمریکا در این مرحله پیشنهادات جمهوری اسلامی را نمی‌پذیرد زیرا آنها احساس می‌کنند اگر از اهرم‌هایی که دارند - یعنی اهرم قدرت نظامی - صرف‌نظر کنند، جنگ می‌تواند از سر گرفته شود. ایرانی‌ها هم می‌دانند که اگر از این اهرم صرف‌نظر کنند، در واقع بهترین برگ برنده خود را کنار گذاشته‌اند.» تقریباً اغلب تحلیلگران می‌گویند بعید است جمهوری

● روزنامه «والاستریت ژورنال» به نقل از مقام‌های آمریکایی گزارش داد که دونالد ترامپ به مشاوران خود گفته برای «ادامه محاصره طولانی‌مدت بنادر ایران» آماده شوند. بر اساس این گزارش، ترامپ در نشست‌های اخیر تأکید کرد که در شرایط بن‌بست مذاکرات و ادامه بسته ماندن تنگه هرمز از سوی جمهوری اسلامی، محاصره بنادر ایران را گزینه‌ای کم‌خطرتر برای افزایش فشار بر جمهوری اسلامی می‌داند.

● راب گایست پینفولد استاد امنیت بین‌الملل در کالج کینگ لندن به الجزیره می‌گوید: «ما دست‌کم فعلاً از مرحله جنگ فیزیکی عبور کرده‌ایم... اما همچنان در مرحله‌ای از رقابت شدید بین آمریکا و ایران هستیم که هر دو طرف اساساً تلاش می‌کنند به طرف مقابل نشان دهند که تاب‌آوری بیشتری دارند و زمان به نفع آنهاست.»

روزنامه «والاستریت ژورنال» به نقل از مقام‌های آمریکایی گزارش داد که دونالد ترامپ به مشاوران خود گفته برای «ادامه محاصره طولانی‌مدت بنادر ایران» آماده شوند. بر اساس این گزارش، ترامپ در نشست‌های اخیر تأکید کرد که در شرایط بن‌بست مذاکرات و ادامه بسته ماندن تنگه هرمز از سوی جمهوری اسلامی، محاصره بنادر ایران را گزینه‌ای کم‌خطرتر برای افزایش فشار بر جمهوری اسلامی می‌داند. والاستریت ژورنال نوشته ترامپ معتقد است گزینه‌هایی مانند ازسرگیری بمباران یا عقب‌نشینی از درگیری، ریسک بیشتری نسبت به حفظ محاصره دارند. همزمان ارتش توانایی‌های خود در منطقه را افزایش داده است و براساس گزارش منابع مختلف، حجم قابل توجهی تسلیحات و مهمات جدید به منطقه ارسال شده است. ترامپ می‌گوید حکومت ایران در «وضعیت فروپاشی» قرار دارد و از واشنگتن خواسته است «هرچه سریع‌تر» محاصره بنادر را لغو کند. از سوی دیگر الجزیره گزارش داد که رهبران کشورهای خلیج فارس در عربستان سعودی دیدار کرده‌اند و می‌گویند حکومت ایران با حملات خود به آنها «خیانت» کرده است و باید اعتمادسازی کند. راب گایست پینفولد استاد امنیت بین‌الملل در کالج کینگ



مانور تمرینی نیروهای سنکام

ترامپ ارائه خواهد شد، این است که آمریکا کنترل بخشی از تنگه هرمز را در دست گیرد تا این آبراه را برای تردد کشتی‌ها باز کند. یک منبع آگاه به آکسیوس گفته است که اجرای چنین گزینه‌ای می‌تواند عملیات نیروهای زمینی را نیز در بر گیرد. یک گزینه دیگر که در گذشته نیز بر سر آن بحث بوده و ممکن است در نشست ترامپ با فرمانده سنکام مطرح شود، عملیات واحدهای ویژه به منظور یافتن و منتقل کردن اورانیوم غنی‌سازی‌شده ایران است. البته هنوز مشخص نیست که گرایش ترامپ به گزینه نظامی تا چه اندازه بیشتر شده است. رئیس جمهور آمریکا روز چهارشنبه ۲۹ آوریل (۹ اردیبهشت) گفته بود، «محاصره تا حدی موثرتر از بمباران است.» ترامپ در حال حاضر محاصره را منبع اصلی فشار بر جمهوری اسلامی می‌داند، اما اگر تهران همچنان تسلیم نشود، اقدام نظامی را مدنظر قرار خواهد داد.

➔ پایگاه خبری آکسیوس پنجشنبه ۳۰ آوریل (۱۰ اردیبهشت) به نقل از دو منبع گزارش داد، برد کوپر فرمانده سنکام قرار است دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا را در جریان گزینه‌های جدید برای انجام اقدامات نظامی علیه جمهوری اسلامی بگذارد.

به نوشته آکسیوس بررسی گزینه‌های جدید نشان می‌دهد که ترامپ به طور جدی در باره از سرگیری دوباره حملات تأمل می‌کند یا به خاطر اینکه ایران را به بازگشت به میز مذاکره و سازش در رابطه با مسئله هسته‌ای وادارد یا اینکه ضربه نهایی را به جمهوری اسلامی بزند.

فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنکام) طرح‌هایی در این رابطه آماده کرده که فرمانده این نهاد نظامی جزئیات آن را امروز پنجشنبه ۳۰ آوریل به ترامپ ارائه خواهد کرد. این طرح‌ها شامل مجموعه‌ای از حملات «کوتاه و قدرتمند» علیه اهدافی در داخل ایران است، از جمله اهداف زیرساختاری. در بخشی از گزارش آمده یک برنامه که احتمالاً به

شورای امنیت سازمان ملل خواستار بازگشایی فوری و بدون محدودیت «تنگه هرمز» شد



نشست سازمان ملل / هفتم اردیبهشت ۱۴۰۵

محاكمه عاطف نجیب پسر خاله سرکوبگر بشار اسد به اتهام شکنجه و قتل عام معترضان سوری

● نخستین جلسه رسیدگی به اتهامات شماری از مقامات سابق رژیم سوریه، متهم به جنایت علیه شهروندان این کشور، روز ششم اردیبهشت ۱۴۰۵ در دمشق برگزار شد. نخستین فردی که رسماً در چارچوب روند «عدالت انتقالی» در دادگاه جنایی چهارم کاخ دادگستری دمشق محاکمه شد، عاطف نجیب بود؛ او متهم به شکنجه و قتل معترضان است.

● عاطف نجیب که بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ ریاست شاخه امنیت سیاسی در استان درعا را بر عهده داشت، به دلیل رفتارهای خشونت‌آمیز و تخلفات گسترده علیه مردم این منطقه، به‌ویژه در آغاز ناآرامی‌های سوریه، شناخته می‌شود.

● خبرگزاری دولتی سانا گزارش داده است که روز یکشنبه جمعیت زیادی در بیرون دادگاه تجمع کردند و برگزاری این محاکمه را جشن گرفتند. خانواده‌های قربانیان، از جمله شماری از ساکنان درعا، نیز در جلسه حضور داشتند.

نخستین جلسه رسیدگی به اتهامات شماری از مقامات سابق رژیم سوریه، متهم به جنایت علیه شهروندان این کشور، روز ششم اردیبهشت ۱۴۰۵ در دمشق برگزار شد. نخستین فردی که رسماً در چارچوب روند «عدالت انتقالی» در دادگاه جنایی چهارم کاخ دادگستری دمشق محاکمه شد، عاطف نجیب بود؛ او متهم به شکنجه و قتل معترضان است. این جلسه با تدابیر شدید امنیتی و با حضور دادستان کل، خانواده‌های قربانیان و نمایندگان رسانه‌ها برگزار شد. دادگاه به‌صورت زنده از تلویزیون پخش شد و نجیب در قفسی آهنی در داخل سالن حضور داشت.

عاطف نجیب که بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ ریاست شاخه امنیت سیاسی در استان درعا را بر عهده داشت، به دلیل رفتارهای خشونت‌آمیز و تخلفات گسترده علیه مردم این منطقه، به‌ویژه در آغاز ناآرامی‌های سوریه، شناخته می‌شود.

منظور از «محاکمات عدالت انتقالی»، دادگاه‌هایی است که در دوره گذار از یک نظام سرکوبگر یا شرایط جنگی به یک نظام جدید برگزار می‌شوند.

نجیب که در ژانویه ۲۰۲۵ و پس از فروپاشی رژیم اسد بازداشت شد، با لباس زندان راه‌راه در دادگاه حاضر شد. تصاویر ویدیویی منتشر شده نیز نشان می‌دهد که او در جریان محاکمه داخل قفس نشسته است.

او پس از فارغ‌التحصیلی از دانشکده نظامی به دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم اسد پیوست و در سمت‌های مختلفی، از جمله ریاست شاخه امنیت سیاسی در درعا، فعالیت کرد؛ شهری که قیام سال ۲۰۱۱ سوریه از آنجا آغاز شد.

نجیب به دلیل برخوردهای خشن، به «سرکوبگر» ←

گوترش افزود: «از طرف‌ها می‌خواهم: تنگه را باز کنید، اجازه دهید کشتی‌ها عبور کنند، عوارضی دریافت نشود، تبعیضی وجود نداشته باشد، تجارت از سر گرفته شود و اقتصاد جهانی نفس بکشد.»

گوترش گفت اختلال در کشتیرانی از طریق تنگه هرمز شوک اقتصادی فوری به همراه داشته و همه در حال پرداخت هزینه آن هستند؛ نوسانات شدید در بازارهای انرژی و کالا، افزایش چشمگیر هزینه‌های حمل‌ونقل و بیمه، و بدترین اختلال در زنجیره تأمین از زمان همه‌گیری کرونا و بحران اوکراین.

وی افزود: «این فشارها به مخازن سوخت خالی، قفسه‌های خالی و سفره‌های خالی منجر می‌شود. هزینه انسانی این بحران در حال افزایش است.»

او هشدار داد: «این بحران هم‌زمان با فصل‌های حیاتی کشت‌وکار رخ داده است. ادامه‌دار شدن این اختلال می‌تواند به یک بحران جهانی غذا منجر شود و میلیون‌ها نفر، به‌ویژه در آفریقا و جنوب آسیا، را به سمت گرسنگی و فقر سوق دهد.» به گفته او، سنگین‌ترین بار این وضعیت بر دوش کشورهای کمتر توسعه‌یافته و کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه است؛ کشورهایی که بیشترین وابستگی را به واردات دریایی دارند و کمترین توان را برای تحمل چنین شوکی دارند، در حالی که نقشی در ایجاد آن نداشته‌اند.

ایران باید «امتیازهای بزرگی» ارائه دهد

در همین جلسه وزیر خارجه فرانسه گفت حکومت ایران برای پایان دادن به بحران ناشی از حملات آمریکا و اسرائیل، باید «امتیازهای بزرگی» ارائه کند و در مواضع خود تغییر اساسی ایجاد کند.

ژان نوئل بارو، گفت: «هیچ راه حل پایداری برای این بحران وجود ندارد مگر این که ایران با امتیازهای بزرگ و تغییری رادیکال در رویکرد خود موافقت کند.» او همچنین تأکید کرد که تهران باید مسیری برای «همزیستی مسالمت‌آمیز در منطقه» نشان دهد تا مردم ایران بتوانند آینده خود را آزادانه بسازند.

● شورای امنیت سازمان ملل در بیانیه‌ای خواستار بازگشایی فوری و بدون محدودیت تنگه هرمز شد. در بخشی از این بیانیه که دوشنبه ۲۷ آوریل (هفتم اردیبهشت) منتشر شد آمده است: «بستن تنگه هرمز و ادامه حملات در آن، تهدیدی برای امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود. تنگه هرمز باید بازگشایی شود و آزادی کشتیرانی در آن نباید تهدید شود.»

● شورای امنیت سازمان ملل همچنین حملات جمهوری اسلامی به کشورهای همسایه در منطقه را محکوم کرد.

● آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد در جریان نشست علنی شورای امنیت درباره ایمنی و حفاظت از آبراه‌ها در حوزه دریایی، در مقر سازمان ملل در نیویورک گفت: «حقوق و آزادی‌های کشتیرانی از طریق تنگه هرمز باید محترم شمرده شود... این اصول باید به‌طور کامل و بدون تأخیر رعایت شوند.»

شورای امنیت سازمان ملل در بیانیه‌ای خواستار بازگشایی فوری و بدون محدودیت تنگه هرمز شد. در بخشی از این بیانیه که دوشنبه ۲۷ آوریل (هفتم اردیبهشت) منتشر شد آمده است: «بستن تنگه هرمز و ادامه حملات در آن، تهدیدی برای امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود. تنگه هرمز باید بازگشایی شود و آزادی کشتیرانی در آن نباید تهدید شود.»

شورای امنیت سازمان ملل همچنین حملات جمهوری اسلامی به کشورهای همسایه در منطقه را محکوم کرد.

این نشست به درخواست بحرین برگزار شد و در آن ده‌ها کشور خواستار بازگشایی کامل تنگه هرمز شدند؛ گذرگاهی راهبردی که حدود یک پنجم نفت جهان از آن عبور می‌کند. آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد در نطقی خواستار بازگشایی تنگه هرمز شد. وی در جریان نشست

علنی شورای امنیت درباره ایمنی و حفاظت از آبراه‌ها در حوزه دریایی، در مقر سازمان ملل در نیویورک گفت: «حقوق و آزادی‌های کشتیرانی از طریق تنگه هرمز باید محترم شمرده شود... این اصول باید به‌طور کامل و بدون تأخیر رعایت شوند.»



استراتژی جدید برای جنگ‌های جدید

خبراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۲۱۳) تیر ماه ۱۳۸۷



داوری شما تأثیر می‌گذارند. سندیکاها و احزاب شما را به تظاهرات خیابانی می‌کشاند. سخنرانان مزدبوتان می‌کنند و رأی شما را بر آراء خودشان در انتخابات می‌افزایند.

به همین دلیل است که امروزه در نقاط بحرانی جهان، جنگ و جدال از میدانهای جنگ به مراکز غیر نظامی انتقال یافته است، به کوچه و بازار، به محلات مسکونی و تعداد افراد غیر نظامی که قربانی جنگ می‌شوند به مراتب فزونی دارد بر تعداد نظامیان.

سابقاً سربازان مسلح فقط در جاهایی که حکومت نظامی برقرار می‌شد در کوچه و خیابان گشت می‌زدند. امروزه، در امن‌ترین شهرها، قدم به قدم با جوخه‌های چند نفری از سربازان مسلسل به دست برمی‌خورید که به حراست مشغولند. جنگی در کار نیست. اما هر عابری ممکن است یک پمپگذار یا یک «کامیکاز» باشد و با یک انفجار، دیگران را درگیر جنگی کند که به آنها مربوط نمی‌شود.

«کتاب سفید» حاوی استراتژی جدید دفاعی ارائه شده از سوی رئیس جمهوری فرانسه بر سه خطر بزرگ تأکید دارد: تروریسم، حکومت‌های شرور و عملیات اینترنتی (Cyberattaques).

در تحلیل و تفسیر این استراتژی، مطبوعات فرانسه نوشته‌اند کشورشان، مثل سایر ممالک اروپایی، هر لحظه در خطر تهاجم تروریست‌ها، شرارت برخی حکومت‌ها و عملیاتی که از طریق اینترنت هدایت می‌شود، قرار دارد. برای مقابله با چنین خطر و دفع چنین دشمنانی تنها نمی‌توان به نیروی نظامی و زرادخانه و سلاحهای سنتی، حتی سلاح اتمی متکی بود. باید راههای تازه‌ای برگزید و به وسایل دفاعی دیگری مجهز شد.

باعث شرمندگی است اگر عرض کنم همانطور که «القاعده» به عنوان نمونه سازمانهای تروریستی و خطر تروریسم شناخته می‌شود، هر جا می‌خواهند از یک کشور شریر مجهز به انواع سلاحها و مهیا برای شرارت نمونه بدهند، بی‌رودریاستی «ایران» را نام می‌برند.

ببین به برکت انقلاب شکوهمند و در سایه نظام ولایی به چه مقام و منزلتی در جهان و نزد جهانیان دست یافته‌ایم!

رئیس جمهوری فرانسه - نیکولا سارکوزی - طرحی برای تجدید نظر در ساختار ارتش این کشور پیشنهاد کرده است که ضوابط تازه‌ای را جایگزین ساخت و سازهای سنتی می‌کند.

صرف نظر از مواردی که به فرانسه و فرانسوی‌ها مربوط می‌شود، این طرح بیانگر دگرگونیهای جنگ و روش جنگیدن در عصر ارتباطات انفورماتیک است. امری که به زندگی من و شما، و همه ساکنان این کره خاکی، ارتباط پیدا می‌کند.

اساس طرح سارکوزی به‌طور کلی بر این واقعیت متکی است که جنگ، حالا دیگر در میدانهای جنگ صورت نمی‌گیرد. فراموش کنید لشکر آراست و سرنوشت جنگ را با دلاوری سربازان در میدان نبرد تعیین کردن. حالا دیگر به جای توپ و تانک، باید به «انفورماتیک» تکیه کرد. به جای جنگ میدانی باید از جنگ روانی بهره گرفت. دشمن را باید از دورترین فاصله، در کوچه‌پس‌کوچه‌ها، در بازار و بازارچه به مبارزه طلبید یا از میدان مبارزه بیرون راند.

میدان جنگ، حالا دیگر در خانه شماست. شما، بی آن که خودتان خواسته باشید، در تمام جنگها شرکت دارید. وسایل خبری، بخصوص رسانه‌های تصویری، جنگی را که در آن سوی دنیا جریان دارد به خانه شما می‌آورند و شما را درگیر می‌کنند. روزگاری بود که غرش توپ و تانک فقط در میدان جنگ شنیده می‌شد. سربازها بودند که به جبهه اعزام می‌شدند و خبری از دور به گوش شما می‌رسید که در فلان جبهه فلان اتفاق افتاد، فلان لشکر شکست خورد یا فلان سپاه پیروز شد. حالا اما، شما نشست‌اید پای تلویزیون، جنگی را که در آن سوی دنیا جریان دارد، اعم از جنگهای سنتی یا جنگهای چریکی، به چشم می‌بینید. خون و خونریزی، کشت و کشتار، مادری که فریادکشان و اشکریزان جسد فرزندش را از میان ویرانه‌ها بیرون می‌کشد، خانه‌هایی که بر سر ساکنانشان فرو می‌ریزند، همه و همه پیش چشم شماست. گزارش لحظه به لحظه جنگها، شما را خواه ناخواه درگیر می‌کند. بر اعصابتان اثر می‌گذارد، مجبورتان می‌کند طرفگیری کنید. آن وقت گزارشگران، تحلیلگران، سیاستمداران با تفسیرها و تحلیلها و اظهار نظرهایشان بر

در «درعا» شهرت داشت و جمله‌ای از او نقل شده است: «من در درعا خدا هستم.»

در همان سال، او گروهی از نوجوانان را که شعارهای ضدحکومتی بر دیوار یک مدرسه در درعا نوشته بودند، بازداشت و شکنجه کرد. اعتراض به این اقدام، جرقه آغاز اعتراضهای گسترده علیه سیاستهای سرکوبگرانه رژیم اسد شد. این اعتراضها با سرکوب شدید مواجه شد و در نهایت به جنگ داخلی ۱۴ ساله‌ای انجامید که تا دسامبر ۲۰۲۴ و برکناری بشار اسد، در پی حمله‌ای برق‌آسا به



عاطف نجیب پسرخاله جنایتکار بشار اسد

رهبری نیروهای مخالف مسلح، ادامه داشت. اسد به روسیه گریخت و بسیاری از اعضای حلقه نزدیک او نیز کشور را ترک کردند.

جنگ داخلی سوریه بیش از نیم میلیون کشته برجای گذاشت و میلیون‌ها نفر را آواره کرد. در این دوره، نیروهای اسد مناطق تحت کنترل مخالفان را هدف حملات سنگین، از جمله حملات هوایی، قرار دادند. همچنین ده‌ها هزار نفر ناپدید شدند و شماری از آنان به شبکه زندان‌های خشن این کشور منتقل شدند.

قاضی در جلسه روز یکشنبه از نجیب بازجویی نکرد و اعلام کرد که این جلسه به «اقدام‌های اداری و حقوقی مقدماتی» اختصاص دارد. به گفته او، جلسه دوم در دهم ماه مه برگزار خواهد شد. در این محاکمات، اتهامات افرادی چون وسیم اسد، احمد بدرالدین حسون و همچنین شماری از مقام‌های نظامی و امنیتی که در ماه‌های اخیر بازداشت شده‌اند، نیز بررسی خواهد شد.

مقام‌های جدید سوریه بارها وعده داده‌اند که درباره جنایت‌های دوران بشار اسد عدالت را اجرا کرده و عاملان آن را پاسخگو خواهند کرد. با این حال، به دلیل تأخیر در آغاز روند عدالت انتقالی، با انتقادهایی روبه‌رو شده‌اند.

در همین حال، مقام‌های سوری روز جمعه امجد یوسف، افسر پیشین اطلاعاتی، را بازداشت کردند. در ویدیویی که چهار سال پیش و در جریان جنگ داخلی سوریه منتشر شد، او در حال اعدام ده‌ها زندانی با چشمان و دستان بسته در منطقه «تضامن»، در حومه دمشق، دیده می‌شود.

خبرگزاری دولتی سانا گزارش داده است که روز یکشنبه جمعیت زیادی در بیرون دادگاه تجمع کردند و برگزاری این محاکمه را جشن گرفتند. خانواده‌های قربانیان، از جمله شماری از ساکنان درعا، نیز در جلسه حضور داشتند.

برگزاری دادگاه جنایتکاران وابسته به رژیم اسد و بازداشت آنها، با واکنش مخالفان جمهوری اسلامی مواجه شد. بویژه آنکه اصلی‌ترین حامی حکومت بشار اسد، فرماندهان و نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بودند که مستقیم در قتل‌عام مردم ایران مشارکت دارند.



شیخ الاسلام زاده مفسد فی الارض شناخته شد

در دادگاه انقلاب علاوه بر جرایم سیاسی اتهام ناموسی هم به شوهرم بستند مردی که مدعی بود پسرش در دهات دامغان بر اثر مار گزیدگی مرده است می‌خواست انتقام او را از وزیر پیشین بهداشتی و بهزیستی بگیرد

(تاریخ نشر در کیهان لندن: مهر تا آذر ماه ۱۳۸۱ - شماره‌های ۹۲۴ تا ۹۳۳)



پشت دیوارهای بلند از کاخ تا زندان (۷) آذر آریانپور

محبس است. مراجعه کردم او هم به نفع من کاری صورت نداد حالا که الحمدالله حکومت ظلم و ظالم از میان رفته آمده‌ام تا حقم را بگیرم. آخر دهاتی هم آدم است! حاضران برای پدر داغ‌دیده هورا کشیدند. یکی از آنها به خودش جرأت داد و گفت:

-اما شما که دهاتی نیستید و لهجه تهرانی دارید. شاکي از جا در رفت:

-اصل و نسب من به شما چه مربوط است؟ من آمده‌ام که برای آرامش روح فرزند بی‌گناهم انتقام بگیرم. شیخ الاسلام زاده باید اعدام بشود!

بار دیگر تماشاگران بیکاره دست زدند و هورا کشیدند.

تا زندان» حکایت کرده است. حکایتی به گفته فردوسی «پر آب چشم».

آذر آریان‌پور که با فرزندانش (روشنک و رامین و بابک) در آمریکا بسر می‌برد از خاندان معروف آریانپور کاشانی و خواهر شادروان دکتر امیرحسین آریانپور استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران است. او پس از پایان تحصیلات دبیرستانی با شجاع الدین شیخ الاسلام زاده - پزشکی جوان - ازدواج کرد و به همراه وی برای ادامه تحصیلات روانه آمریکا شد.

در آمریکا، شیخ الاسلام زاده دوره تخصصی را در رشته جراحی استخوان گذراند و همسرش در رشته ادبیات انگلیسی و آموزش و پرورش لیسانس گرفت. زندگی مشترک این دو، پس از آزادی شیخ الاسلام زاده از زندان، پایان گرفت، زیرا «شیخ» می‌خواست در ایران بماند و «آذر» در آمریکا ماندنی شده بود.

بخشی از کتاب «پشت دیوارهای بلند» را که به اوایل انقلاب - ششماهه اول سال ۱۳۵۸ - مربوط می‌شود برای مطالعه شما برگزیده‌ایم.

دکتر شجاع‌الدین شیخ‌الاسلام زاده، وزیر بهداشتی و بهزیستی در کابینه هویدا، از جمله دولتمردان رژیم گذشته بود که در سال ۱۳۵۷ هنگامی که اغتشاشات اوج می‌گرفت، به امید آرام کردن اوضاع، از طرف دولت وقت و به موجب مقررات حکومت نظامی بازداشت شدند.

در غوغای ۲۲ بهمن، تعدادی از آنان موفق به فرار شدند و جان خود را از خطر رهنمیدند. دکتر شیخ الاسلام زاده به طوری که شاهدان عینی گواهی می‌دهند، شانس فرار را به دلیل پرداختن به یک سر باز زخمی از دست داد و سپس خود را به انقلابیون تسلیم کرد.

او خطر اعدام را بدین سبب که در زندان به خدمات پزشکی پرداخته و وجودش مورد نیاز بود، از سر گذرانید و در دادگاه انقلاب به حبس ابد محکوم شد. حکم صادره ابتدا به پانزده سال و سپس به پنج سال تخفیف یافت و وزیر پیشین، پس از ۵ سال از زندان آزاد شد.

همسر دکتر شیخ الاسلام زاده، آذر آریانپور، این سالهای رنج را در کتابی با عنوان «پشت دیوارهای بلند... از کاخ

شنبه ۲۳ تیر

ساعت چهار بعد از ظهر در حالی که سر و صورت‌م را با روسری و عینک بزرگ تیره رنگی پوشانده بودم با اضطراب در برابر ساختمان دادگاه واقع در ضلع شرقی زندان قصر حاضر شدم. قبل از من عده کثیری در آن محل گردآمد بودند. گروهی متعلق به دستگاه‌های خبری و گروهی شامل افراد کنجکاو و بیکاره‌ای بودند که دنبال ماجرا می‌گشتند. یکی از حاضران که مرد مفلوک میان‌سالی بود و پرونده‌ای زیر بغل داشت جلو آمد و خطاب به نگهبان گفت:

-برادر من شاکي هستم. این هم مدارک من است. بگذار داخل شوم. نگهبان توضیح داد که تا ساعت پنج بعد از ظهر کسی را به دادگاه راه نمی‌دهند.

مرد شاکي غرولند کتان به میان جمعیت بازگشت و با لحنی تصنعی شروع به شکایت کرد:

-سه سال آرزگار در انتظار این لحظه بودم که انتقام مرگ پسر ناکامم را از این وزیر بی‌وجدان بگیرم. حالا هم مرا سر می‌دانند!

دو تن از حاضران که ظاهراً خبرنگار و عکاس روزنامه اطلاعات بودند با کنجکاو خودشان را به آن مرد رساندند و ضمن برداشتن عکس از او خواستند که ماجرا را به تفصیل شرح بدهد. مرد شاکي که از توجه ناگهانی سرمست شده بود. با آب و تاب شروع به شرح داستان مرگ فرزند خود کرد. گفت:

-سه سال قبل در دهی در اطراف دامغان یک مار سمی پای پسر خردسالم را نیش زد چون جاده اتومبیل رو نبود. چند ساعت طول کشید تا با الاغ خودمان را به اولین درمانگاه برسانیم شب شده بود و دکتر درمانگاه تعطیل کرده و به خانه اش رفته بود. این طرف و آن طرف زدیم تا



دکتر شجاع‌الدین شیخ الاسلام زاده و همسرش آذر آریانپور (سال ۱۳۵۵)

من با وحشت و نفرت از آن گروه فاصله گرفتم به تدریج جمعیت بیشتر و تعدادشان زیادتر می‌شد. دو زن معروفه که ظاهر زننده و رفتار جلفی داشتند اصرار می‌کردند که به عنوان شاکي وارد دادگاه بشوند. یکی از آنها با خنده کریهی که دندانهای طلایش را نمایان ساخت بی‌شرمانه ادعا کرد که وزیر سابق بهداشتی را از او و عده‌ای دیگر هتک ناموس کرده است! ادعای او به قدری بی‌اعتبار بود که نگهبان را به غضب انداخت و به زنها دستور داد که گورشان را ←

او را پیدا کردیم. نگاهی به پسر بی‌هوشم کرد و گفت که کار از کار گذشته و پسر بی‌گناهم مرده.... آقایان کودک من قربانی سیستم فاسد شاه شد. اگر دهات ما جاده‌ی حساسی و درمانگاه داشت پسر بدبخت من حالا زنده بود.

هنوز خاک قبرش گرم بود که روانه تهران شدم تا از نظام پزشکی با دادگستری احقاق حق بکنم به هر کس که شکایت بردم اعتنایی نکرد.

به وزیر بهداشتی وقت یعنی همین شیخ الاسلام زاده که در

- برای اینکه جرأت کردم که اعتراض بکنم. قضیه این بود که یک خبرنگار زن ارمنی بلند شد و در مقابل حملات مکرر بازپرس از شجاع دفاع کرد. او گفت که اهل رضائیه است و برخلاف تصور دادگاه دوران شیوع بیماری وبا وزارت بهداشتی با تمام قوا از گسترش آن جلوگیری کرد و وزیر بهداشتی وقت شخصا از آن ناحیه بازدید به عمل آورد. بازپرس که از شهادت زن خوشش نیامده بود، به طعنه پرسید: خانم حالا برای دادگاه توضیح بدهید، که با متهم چه نسبتی دارید؟!

خبرنگار با شهامت پاسخ داد که هیچ نسبتی با وزیر بهداشتی ندارد و فقط روی وظیفه انسانی اش شهادت می‌دهد. او داوطلب شد که در تأیید گفتار خود به کتاب انجیل قسم بخورد. بازپرس به طرف حاکم شرع نظر انداخت و گفت: همان طور که مستحضرید، شهادت یک زن غیر مسلمان در یک دادگاه اسلامی فاقد ارزش است!

آریان خاموش شد، تا نفس تازه بکند. من با بی صبری پرسیدم: بعد چی شد؟ -شجاع از یک فرصت کوتاه استفاده کرد و در مورد شیوع بیماری وبا در ایران توضیح داد. به قول او در مملکتی که آب آشامیدنی سالم و بهداشت اولیه در روستاها وجود نداشت، مبارزه با بیماری بومی وبا امر آسانی نبود. او در مقام وزیر بهداشتی آنچه از دستش بر می آمد برای جلوگیری از گسترش وبا انجام داد و تا حد زیادی به نتیجه رسید. بازپرس که از نحوه دفاع خرسند نبود، اتهام جدیدی را پیش کشید. من طاققت نیاوردم و از میان جمعیت فریاد زدم این چه دادگاهی است؟ چرا به حقایق توجه نمی‌کنید؟ دادستان دستور داد که مرا از دادگاه اخراج بکنند. آریان ساکت شد. من سؤال کردم تعداد شرکت کنندگان در دادگاه چند نفر بود.

شده بودیم یکی از جراحان با وجدان بیمارستان پارس که او را به نام اولش «رضا» میخوانم. تصمیم گرفت که به یاری ما بشتابد. رضا از جریان عمل بیماری به نام بلقیس ابراهیم پور باخبر بود.

بیمار بانویی شصت ساله و مستمند و مبتلا به سرطان رحم بود که توسط پسرش برای درمان به شجاع متوسل شده بود. شجاع هم او را به همکارانش در بیمارستان پارس معرفی کرده بود.

در آن جا بلقیس تحت عمل جراحی قرار گرفته و از مرگ نجات پیدا کرده بود. هزینه بیمارستانش را هم وزارت بهداشتی متقبل شده بود. حالا دادستان انقلاب این عمل انسانی شجاع را خلاف دین و آئین جلوه میداد و او را مفسد فی الارض می‌نامید.

از رضا استعفا کردم که رونوشت پرونده بیمار فوق را به سرعت به من برساند. با بزرگواری پذیرفت به شرطی که اسم او را به میان نیاورم. چند ساعت بعد پرونده مزبور به دستم رسید. نامه مستدلی خطاب به ریاست دادگاه انقلاب نوشتم و ضمیمه آن کردم و سراسیمه روانه دفتر روزنامه‌های معتبر شهر شدم. دو روزنامه کیهان و اطلاعات از چاپ مطالب امتناع ورزیدند. روزنامه بامداد در مقابل بیست و سه هزار تومان حاضر به نشر مدارک شد. من که تمام روز در حرکت و هیجان به سر برده بودم، خسته و کوفته ولی امیدوار به خانه برگشتم. بیچاره مادرم متحمل هزینه چاپ مقاله شده بود.

روز چهارم محاکمه، خواهرم با سرهم کردن قصه‌ای توانست به عنوان شاکی به دادگاه راه بیاید. من بی‌صبرانه در انتظار او در اتومبیل ماندم. آریان ساعتی بعد با حال آشفته بازگشت و نفس زنان به من گفت:

«آذر، خدا را شکر بکن که آنجا نبود. نمی‌دانی چه

گم بکنند. زنهای معروفه در میان شلیکی از قهقهه و سوت پی کار خود رفتند. من از فرط خشم لبم را گزیدم در پشت پرده چه دستهایی در کار بود که ما را نابود بکند؟ رأس ساعت پنج در دادگاه به روی هیات مطبوعات و شاکیان گشوده شد. من با احتیاط جلو رفتم و آهسته خودم را به نگهبان معرفی کردم و اجازه خواستم که راهم بدهد. امتناع کرد.

- همشیره شما فقط با اجازه دادستان انقلاب یا حاکم شرع یا یک مقام مسئول دیگر می‌توانید در جلسه محاکمه شوهرتان شرکت بکنید.

از صدای نسبتا بلند او چند نفر متوجه من شدند و بطرفم آمدند. سرم را پائین انداختم و با سرعت دور شدم. هنوز به اتومبیلم نرسیده بودم که یک نفر مرا به نام صدا زد. سرم را برگرداندم و مرد را با دوربین عکاسی مقابل خود یافتم. دستم را حایل صورتم کردم که نتواند عکسم را بردارد. شروع به فحاشی کرد. با عجله به درون اتومبیلم گریختم و موتور را روشن کردم و به راه افتادم تا به خانه مادرم برسم. اشکم بند نمی آمد. از دنیا و هرچه که در آن بود بیزار شده بودم. برادرم امیر حسین که وضع آشفته مرا دید ناراحت شد و قول داد که توسط دکتر مفتاح برایم نامه سفارشی تهیه بکند تا بتوانم روز بعد به دادگاه بروم و شاهد محاکمه شوهرم باشم.

آخر شب سعید حمیدی محافظ شرع آمد و نواری را که از جلسه دادگاه مخفیانه تهیه کرده بود به من داد. می‌گفت که شجاع بدون وکیل مدافع از خود خوب دفاع کرده است. من و بابک قدرت گوش دادن به نوار را در خودمان نیافتیم.

روز بعد با نامه سفارش دکتر مفتاح عازم دادگاه شدم جمعیت تماشاگر از روز گذشته افزایش یافته بود. مردم تفریح بهتری نداشتند. در حالی که خدا خدا می‌کردم که کسی مرا نشناسد به نگهبان نزدیک شدم و نامه سفارشی را نشانش دادم. در حالی که آن را پاره می‌کرد اعلام داشت: -«بر طبق دستور دادگاه اقوام متهم اکیدا حق شرکت در جلسه محاکمه را ندارند!»

تکلیف خودم را دانستم و قبل از اینکه کسی مزاحمم بشود به اتومبیل برگشتم. مدتی بدون هدف در خیابانهای شلوغ تهران راندم. از بازگشت به خانه و رفتار ترحم آمیز خویشانم گریزان بودم. کاش می‌توانستم به سرزمین دور افتاده‌ای پناه ببرم و خودم و مشکلاتم را فراموش بکنم. با مداد روز سوم محاکمه بابک با یک نسخه از روزنامه به اتاقم آمد و با وحشت گفت:

- پدرم را محکوم کرده‌اند. موقع ادای این کلمات عضلات صورتم منقبض شد و چشمهایم به تیک افتاد. به عنوان مقاله نگاه کردم این طور نوشته بود:

- شیخ الاسلام‌زاده، مفسد فی الارض شناخته شد. زیر این عنوان شرحی درباره محاکمه روز قبل نوشته شده بود.

دادستان علاوه بر اتهامات مخوف سابق، اتهام موخش دیگری بر کيفر خواست خود اضافه کرده بود. شجاع متهم شده بود که با زنی به نام بلقیس ابراهیم‌پور رابطه نامشروع برقرار کرده و به هزینه وزارت بهداشتی او را برای سقط جنین در بیمارستان پارس بستری کرده است. همین یک اتهام کافی بود که در دادگاه انقلاب اسلامی شجاع را به مرگ محکوم بکنند.

خودم را نیشگون گرفتم که خواب نمی‌بینم. حال بابک از من خراب‌تر بود. مادرم می‌ترسید که مبادا زیر فشار روحی بلایی بر سرش بیاید. در آن موقع که کاملا از همه جا نومید



دکتر شجاع در دادگاه انقلاب

فکری کرد و جواب داد: -غیر از نراقی عضو حقوقدان دادگاه، آیت الله محمدی گیلانی حاکم شرع، شاملو نماینده دادستان و میرمهدی بازپرس، در حدود سی یا چهل پاسدار مسلح و دهها خبرنگار و شاکی وجود داشتند. بیچاره شجاع که از همه طرف با دشمن احاطه شده بود، با این وصف امیدی به نجاتش نمی‌بینم!

دنباله دارد

نمایش رقت‌انگیزی بود. نماینده دادستان و بازپرس فعال مایشاء بودند. اتهامی نبود که به شجاع نسبت ندهند. حتی او را مسئول شیوع بیماری وبا معرفی کردند!

پرسیدم:

-چرا زود برگشتی مگر جلسه دادگاه تعطیل شد؟

آریان مویش را کنار زد و جواب داد:

-نه مرا بیرون کردند.

ترا بیرون کردند؟ به چه دلیل؟

احتمال ازسری جنگ؛ هشدار چین به شهروندانش برای خروج فوری از ایران



گشت دریایی آمریکا در حال کنترل محاصره بندر ایران

پیش‌تر به شهروندان این کشور توصیه کرده بود از سفر به ایران خودداری کنند.

بر اساس این بیانیه، شهروندان چینی که اکنون در ایران هستند باید تدابیر امنیتی خود را تقویت کنند، از مراجعه به مناطق حساس از جمله نهادهای نظامی و دولتی خودداری کنند و در اسرع وقت از راه‌های مناسب ایران را ترک کنند یا به مناطق نسبتاً امن منتقل شوند.

«جنگ قطعی است»

علی‌خضریان عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، گفت که از سرگیری جنگ را قطعی می‌داند و جمهوری اسلامی تصمیم گرفته است هرگونه تبادل پیام با آمریکا را متوقف کند. او گفت: «جنگ قطعی است و جمهوری اسلامی تصمیم گرفته است که هرگونه تبادل پیام با آمریکا متوقف شود.» خضریان افزود: «وقتی می‌گوییم مذاکره نه، انواع ارسال پیام باید متوقف شود و الان هم متوقف شده و این تصمیم کلان جمهوری اسلامی است.»

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس همچنین گفت: «ما باید بایستیم و میدان را کمک کنیم، با تسهیل بودجه و قوانین کمک بکنیم که نیروهای مسلح ما با کمترین حاشیه بتوانند در این میدان نبرد که قطعی است اقدام کنند.» از ایران گزارش می‌شود التهاب سیاسی بر اقتصاد و بازارهای مالی اثر گذاشته و گرانی‌ها چندین برابر شده است.

او گفت آمریکا «به‌ندرت» از تنگه هرمز استفاده می‌کند و این وضعیت «بیشتر مشکل آنها است تا ما».

هگست در نشست خبری پنتاگون گفت: «ما روی اروپا حساب نمی‌کنیم، اما آنها خیلی بیشتر از ما به تنگه هرمز نیاز دارند و شاید بهتر باشد کمتر حرف بزنند، کمتر در اروپا کنفرانس‌های پرزرق‌وبرق برگزار کنند و سوار قایق شوند. این خیلی بیشتر مسئله آنها است تا ما.»

دولتمردان آمریکا در هفته‌های گذشته بارها متحدان آمریکا، به‌ویژه شرکای این کشور در ناتو را، به دلیل عدم حمایت از اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی زیر انتقاد قرار دادند.

ترامپ گفته بود، در واقع به هیچ کمکی نیاز ندارد، آن هم پس از آنکه پیش‌تر تأکید کرده بود کشورهای دیگر باید برای همراهی نفتکش‌هایی که از تنگه هرمز عبور می‌کنند، تجهیزات و نیروهای دریایی اعزام کنند.

هشدار چین به شهروندانش برای خروج از ایران

از سویی دیگر سفارت چین در تهران با انتشار بیانیه‌ای هشدار داده است که با وجود باز شدن بخشی از حریم هوایی ایران، وضعیت منطقه همچنان با سطح بالایی از بی‌ثباتی همراه است و شرایط امنیتی در ایران پیچیده و متغیر باقی مانده است. در این بیانیه تأکید شده است که وزارت امور خارجه چین

احتمال ازسری جنگ میان جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل بسیار زیاد است. آمریکا سومین ناو هواپیمابر خود را به منطقه اعزام کرده است و حلقه محاصره دریایی جمهوری اسلامی را تنگ‌تر کرده است. همزمان تعداد زیادی هواپیمای جنگنده و سوخت‌رسان آمریکایی نیز به منطقه اعزام شده است. چین به شهروندان خود هشدار داده است تا فرصت هست ایران را ترک کنید. پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا روز جمعه ۴ اردیبهشت، گفت محاصره دریایی بندر ایران از سوی ایالات متحده در حال گسترش است و ابعادی جهانی پیدا می‌کند.

سفارت چین در تهران با انتشار بیانیه‌ای هشدار داده است که با وجود باز شدن بخشی از حریم هوایی ایران، وضعیت منطقه همچنان با سطح بالایی از بی‌ثباتی همراه است و شرایط امنیتی در ایران پیچیده و متغیر باقی مانده است.

علی‌خضریان عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، گفت که از سرگیری جنگ را قطعی می‌داند و جمهوری اسلامی تصمیم گرفته است هرگونه تبادل پیام با آمریکا را متوقف کند.

احتمال ازسری جنگ میان جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل بسیار زیاد است. آمریکا سومین ناو هواپیمابر خود را به منطقه اعزام کرده است و حلقه محاصره دریایی جمهوری اسلامی را تنگ‌تر کرده است. همزمان تعداد زیادی هواپیمای جنگنده و سوخت‌رسان آمریکایی نیز به منطقه اعزام شده است. چین به شهروندان خود هشدار داده است تا فرصت هست ایران را ترک کنید.

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در «تروث سوشیال» تهدید کرد که ارتش هر قایقی را که در تنگه هرمز اقدام به مین‌گذاری کند، منهدم خواهد کرد. آمریکا تاکنون چند کشتی مرتبط با جمهوری اسلامی را توقیف کرده است. سپاه پاسداران نیز تعدادی کشتی را توقیف کرده است. طرفین به سمت کشتی‌ها شلیک می‌کنند و روی عرشه بعضی از آنها نیروی پیاده کردند. دونالد ترامپ از یک سو و مقامات تهران از سوی دیگر ادعا می‌کنند «کنترل تنگه هرمز» دست آنهاست.

پیت هگست، وزیر دفاع آمریکا روز جمعه ۴ اردیبهشت، گفت محاصره دریایی بندر ایران از سوی ایالات متحده در حال گسترش است و ابعادی جهانی پیدا می‌کند.

او در یک نشست خبری در پنتاگون گفت: «هیچ کشتی‌ای بدون اجازه نیروی دریایی آمریکا از تنگه هرمز به هیچ نقطه‌ای در جهان حرکت نخواهد کرد.»

هگست عنوان کرد، در روزهای آینده یک ناو هواپیمابر دیگر نیز به این محاصره خواهد پیوست.

او همچنین از متحدان اروپایی واشنگتن انتقاد کرد و گفت آنها در جنگ آمریکا علیه جمهوری اسلامی به اندازه کافی به ایالات متحده کمک نکرده‌اند.

اظهارات ضدونقیض درباره مذاکره جمهوری اسلامی و آمریکا؛ توقیف کشتی‌های خارجی توسط سپاه پاسداران ادامه دارد



توقیف کشتی FRANCESCA که گفته شد متعلق به اسرائیل است

در این شرایط، استفاده آن‌ها از عملیات روانی و گسترش ادعاهای دروغ در جامعه و دنباله‌روی برخی افراد در داخل برای ایجاد اختلاف در جبهه منسجم داخلی است.

در مقابل مقامات آمریکایی تهدید کردند اگر جمهوری اسلامی تن به توافق ندهد حملات نظامی از سر گرفته می‌شود.

سناتور راجر ویکر رئیس کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا خواستار حمله به باقیمانده توانایی‌های متعارف نظامی جمهوری اسلامی شد. او با انتشار بیانیه‌ای در روز جمعه ۴ اردیبهشت، تأکید کرد که «زمان مذاکره با رژیم ایران به پایان رسیده است.»

ویکر گفت «به هیچ وجه به جانشینان افراطی [علی] خامنه‌ای نمی‌توان اعتماد کرد که به هیچ وعده یا توافقی پایبند بمانند.»

او از دونالد ترامپ به عنوان «فرمانده کل قوا» خواست که «به فرماندهان نظامی کارآموده خود دستور دهد تا قابلیت‌های نظامی متعارف» جمهوری اسلامی را «کاملاً» نابود کنند.

ویکر گفت نیروهای مسلح آمریکا همچنین هر چیزی را که از برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی باقیمانده است باید از بین ببرند.

او تأکید کرد «این تنها راه برای تضمین ثبات پایدار در منطقه» است.

پاسداران در تنگه هرمز چند کشتی خارجی را متوقف کرده است. یکی از آنها EPAMINONDAS است که گفته شد مرتبط با آمریکا است و دیگری FRANCESCA که گفته شد متعلق به اسرائیل است.

هرچند عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ۴ اردیبهشت ۱۴۰۵ به آمریکا سفر کرد و گفته شد که دور دوم مذاکرات میان نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا برگزار خواهد شد اما در تهران قویاً ادعا می‌کنند سفر عراقچی ربطی به مذاکرات نداشته است.

محمد مرندی از اعضای جمهوری اسلامی در مذاکرات اول اسلام آباد، در توثیقی نوشت: عراقچی «هیچ مذاکره‌ای با رژیم ترامپ در اسلام آباد برگزار نخواهد کرد و صرفاً ملاحظات و دیدگاه‌های ایران در خصوص پایان جنگ را به طرف پاکستانی منتقل خواهد نمود» در مقابل گروهی دیگر می‌گویند مذاکره در حال برنامه‌ریزی است.

حسینعلی حاجی‌دلگانی نماینده شاهین‌شهر در مجلس شورای اسلامی هشدار داد، «احتمال اینکه دشمن بخواهد از تهدید آتش‌بس به‌عنوان عملیات فریب برای ایجاد خلأ آمادگی در کشورمان استفاده کند و با تهاجم جدیدی به اهداف شوم خود برسد وجود دارد.» او تأکید کرد، «مستولان مربوطه و نیروهای مسلح ما کاملاً شرایط را رصد کرده و در آمادگی کامل هستند.»

حاجی‌دلگانی افزود: «احتمال دیگری از عملکرد دشمن

محسن رضایی فرمانده پیشین سپاه پاسداران، با اشاره به توقیف چند کشتی خارجی در تنگه هرمز، ادعا کرده است «صدای استخوان‌های شکسته شده قدرت آمریکا از خلیج فارس به گوش جهانیان خواهد رسید.» نیروی دریایی سپاه پاسداران در تنگه هرمز چند کشتی خارجی را متوقف کرده است. یکی از آنها EPAMINONDAS است که گفته شد مرتبط با آمریکا است و دیگری FRANCESCA که گفته شد متعلق به اسرائیل است.

هرچند عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ۴ اردیبهشت ۱۴۰۵ به آمریکا سفر کرد و گفته شد که دور دوم مذاکرات میان نمایندگان جمهوری اسلامی و آمریکا برگزار خواهد شد اما در تهران قویاً ادعا می‌کنند سفر عراقچی ربطی به مذاکرات نداشته است.

سناتور راجر ویکر رئیس کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا خواستار حمله به باقیمانده توانایی‌های متعارف نظامی جمهوری اسلامی شد. او با انتشار بیانیه‌ای در روز جمعه ۴ اردیبهشت، تأکید کرد که «زمان مذاکره با رژیم ایران به پایان رسیده است.»

محسن رضایی فرمانده پیشین سپاه پاسداران، با اشاره به توقیف چند کشتی خارجی در تنگه هرمز، ادعا کرده است «صدای استخوان‌های شکسته شده قدرت آمریکا از خلیج فارس به گوش جهانیان خواهد رسید.» نیروی دریایی سپاه

بلومبرگ: ظرفیت ذخیره‌سازی نفت در ایران تا ۲۲ روز دیگر تمام می‌شود



بارگیری نفتکش در جزیره خارک

مراکز نفتی جنوب، از جمله اهواز و عسلویه، استفاده می‌کند.

حمید حسینی سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی در ایران، جمهوری اسلامی در تلاش است نفت را از طریق راه‌آهن به چین ارسال کند.

این درحالی است که بیشتر صادرکنندگان معمولاً از صادرات ریلی پرهیز می‌کنند، زیرا این روش در مقایسه با حمل‌ونقل دریایی سودآوری و کارایی بسیار کمتری دارد.

منابع داخلی گزارش دادند حدود ۱۷ نفتکش در نزدیکی جزیره خارک قرار دارند و براساس برآوردها صرفاً همین ۱۷ نفتکش ظرفیتی بین ۵ تا ۸ میلیون بشکه ظرفیت ذخیره‌سازی دارند و همچنین ظرفیت فعلی ذخیره‌سازی شناور ۳۲ میلیون بشکه برآورد می‌شود، البته نکته‌ای که باید مدنظر قرار بگیرد آن است که بسیاری از نفتکش‌های سایه با تغییر پرچم با ایران همکاری می‌کنند که از همین جهت برآورد دقیقی از میزان نفتکش‌هایی که با ایران همکاری می‌کنند چندان مشخص نیست.



● با ادامه محاصره دریایی ایران، انتقال نفت برای جمهوری اسلامی بسیار دشوار شده است و ظرفیت مخازن و انبارهای نفتی برای ذخیره‌سازی نفت استخراج شده رو به اتمام است.

● تحلیلگران شرکت کلپر برآورد کرده‌اند، جمهوری اسلامی ظرفیت ذخیره‌سازی استفاده‌نشده برای ۱۲ تا ۲۲ روز دیگر دارد. آن‌ها اشاره کرده‌اند جمهوری اسلامی فشار اقتصادی را احساس خواهد کرد.

● حمید حسینی سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی در ایران، جمهوری اسلامی در تلاش است نفت را از طریق راه‌آهن به چین ارسال کند.

با ادامه محاصره دریایی ایران، انتقال نفت برای جمهوری اسلامی بسیار دشوار شده است و ظرفیت مخازن و انبارهای نفتی برای ذخیره‌سازی نفت استخراج شده رو به اتمام است. بر اساس گزارش بومبرگ، ظرفیت ذخیره‌سازی نفت خام جمهوری اسلامی ایران به‌سرعت در حال اتمام است؛ موضوعی که می‌تواند به کاهش تولید و بسته شدن چاه‌های نفت منجر شود.

بلومبرگ دوشنبه ۲۷ آوریل (هفتم اردیبهشت) گزارش داد تا ۲۲ روز دیگر ظرفیت ذخیره‌سازی نفت جمهوری اسلامی تمام می‌شود.

تحلیلگران شرکت کلپر برآورد کرده‌اند، جمهوری اسلامی ظرفیت ذخیره‌سازی استفاده‌نشده برای ۱۲ تا ۲۲ روز دیگر دارد. آن‌ها اشاره کرده‌اند جمهوری اسلامی فشار اقتصادی را احساس خواهد کرد.

روزنامه وال‌استریت ژورنال هم در گزارش دیگری به روش‌های غیرمعمول و از روی ناچاری جمهوری اسلامی برای ذخیره‌سازی نفت اشاره کرده است. یکی از این روش‌ها استفاده از مخازن نفتکش‌های از رده خارج است.

به گفته این مقام‌ها، حکومت از کانتینرها و «ذخیره‌سازی فرسوده» -مخازن ازکارافتاده و در وضعیت نامناسب- در

بی‌بی‌سی: استارمر طرح اختیارات تازه برای مقابله با گروه‌های تروریستی دولتی را بررسی می‌کند

● دولت بریتانیا قصد دارد با اصلاح قوانین موجود، اختیار تازه‌ای ایجاد کند که به نهادهای امنیتی اجازه می‌دهد نه تنها گروه‌های غیردولتی، بلکه ساختارهای وابسته به دولت‌های خارجی را نیز در فهرست سازمان‌های ممنوعه قرار دهند.

● بی‌بی‌سی گزارش داده است که این اختیارات جدید بخشی از بسته‌ی قانونگذاری دولت خواهد بود که قرار است در «سخنرانی پادشاه» در ۱۳ مه تشریح شود. سخنرانی‌ای که اولویت‌های قانونگذاری دولت برای دوری پیش رو را ترسیم می‌کند.

● شماری از نمایندگان حزب کارگر در پارلمان بریتانیا، در پی مجموعه‌ای از حملات یهودستیزانه از زمان آغاز جنگ ایران، از دولت خواسته‌اند که سپاه پاسداران را در فهرست سازمان‌های ممنوعه قرار دهد.

● یک گروه اسلام‌گرا، «حرکت اسلامی ال‌پین» که گمان می‌رود با ایران ارتباط داشته باشد، مسئولیت حمله‌ی اخیر به آمبولانس‌های جامعه‌ی یهودیان منطقه گولدرزگرین در شمال لندن را بر عهده گرفته و همچنین خود را عامل شماری دیگر از حوادث در بریتانیا و اروپا معرفی کرده است.

● روزنامه جوئیش کرونیکیال نیز به نقل از استارمر نوشت که او نسبت به افزایش استفاده‌ی دولت ایران از نیروهای نیابتی «بسیار نگران» است.

● در سال‌های گذشته، حفظ روابط دیپلماتیک با ایران از جمله دلایلی عنوان شده بود که دولت‌های بریتانیا از ممنوع اعلام‌کردن سپاه پاسداران خودداری کنند. رویکردی که همواره محل مناقشه در محافل سیاسی و امنیتی بوده است.

● ایوت کوپر که در سال گذشته سمت وزارت کشور را بر عهده داشت؛ دولت در حال تدوین مجموعه‌ای از اختیارات تازه است که با الگوبرداری از قوانین ضدتروریسم، بطور مشخص برای مقابله با «تهدیدهای دولتی» طراحی شده‌اند. تهدیدهایی که به گفته‌ی مقامات، ماهیتی پیچیده‌تر و سازمان‌یافته‌تر از شبکه‌های تروریستی سنتی دارند.

دولت بریتانیا در آستانه‌ی رای‌های بسته‌ای تازه از اختیارات ضدتروریسم قرار دارد که می‌تواند دامنه‌ی ممنوعیت‌ها را از گروه‌های غیردولتی فراتر برده و نهادهای وابسته به دولت‌ها، از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، را نیز هدف قرار دهد؛ اقدامی که به گفته‌ی مقام‌های

مستقل قوانین ضد تروریسم دولت بریتانیا، تأکید کرد که برای مقابله مؤثر با نهادهای وابسته به دولت‌ها، به اختیارات تازه‌ای نیاز است. حال، در گزارشی توصیه کرد که قانون به گونه‌ای اصلاح شود که به دولت اختیاراتی هم تراز با ممنوع‌سازی تحت «قانون تروریسم ۲۰۰۰» اعطا کند.



او تصریح کرد: «بعنوان نمونه، این اختیار قدرتمند می‌تواند علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بکار گرفته شود.»

ایوت کوپر که در سال گذشته سمت وزارت کشور را بر عهده داشت، نیز اعلام کرد: «دولت بریتانیا توصیه‌های جاناتان هال را پذیرفته است و در مسیر تقویت چارچوب حقوقی مقابله با تهدیدهای وابسته به دولت‌ها گام بر می‌دارد.»

او در ماه مه نیز گفته بود: دولت در حال تدوین مجموعه‌ای از اختیارات تازه است که با الگوبرداری از قوانین ضد تروریسم، بطور مشخص برای مقابله با «تهدیدهای دولتی» طراحی شده‌اند. تهدیدهایی که به گفته مقامات، ماهیتی پیچیده‌تر و سازمان‌یافته‌تر از شبکه‌های تروریستی سنتی دارند.

کوپر با لحنی قاطع در پارلمان افزود: «نکته‌ی اساسی این است که ما یک اختیار جدید برای ممنوع‌سازی ایجاد خواهیم کرد که بطور خاص تهدیدهای وابسته به دولت‌ها را در بر گیرد. اختیاری که از ظرفیت‌های کنونی در چارچوب قوانین امنیت ملی فراتر می‌رود و به ما امکان می‌دهد فعالیت‌ها و عملیات سازمان‌های وابسته به دولت‌های خارجی را در خاک بریتانیا بطور مؤثر محدود کنیم.»

این اظهارات نشان‌دهنده‌ی چرخشی معنادار در رویکرد امنیتی لندن است. چرخشی که هدف آن مسدود کردن خلأهای قانونی و فراهم کردن ابزارهایی هم‌تراز با قوانین سختگیرانه ضد تروریسم برای مهار شبکه‌های نیابتی و ساختارهای وابسته به دولت‌های خارجی عنوان می‌شود.

منبع: بی‌بی‌سی

به قلم جاشوا نوت، خبرنگار سیاسی، و دیمین گراماتی‌کاس، تحلیلگر سیاسی

ترجمه: کیهان لندن

گفت: «در ارتباط با بازیگران مخرب دولتی بطور کلی، ما به قانونگذاری نیاز داریم تا بتوانیم اقدامات لازم را انجام دهیم، و این همان قانونی است که در سریع‌ترین زمان ممکن ارائه خواهیم کرد.»

او افزود: «چند هفته‌ی دیگر وارد دوره‌ی جدید پارلمان می‌شویم و این قانون را در همان مقطع به مجلس ارائه

خواهیم داد.»

دولت محافظه‌کار پیشین، با وجود آنکه در سال ۲۰۲۳ از احتمال قرارداد سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی سخن گفته بود، در نهایت چنین اقدامی را عملی نکرد.

در سال‌های گذشته، حفظ روابط دیپلماتیک با ایران از جمله دلایلی عنوان شده بود که دولت‌های بریتانیا از ممنوع‌اعلام کردن سپاه پاسداران خودداری کنند. رویکردی که همواره محل مناقشه در محافل سیاسی و امنیتی بوده است.

در همین حال، پرتی پاتل، وزیر خارجه‌ی در سایه از حزب محافظه‌کار، با انتقاد از عملکرد دولت کارگر گفت: «حزب کارگر وعده‌ی اقدام دربارهی ممنوعیت سپاه پاسداران را داده بود، اما با وجود بررسی‌ها و افزایش تهدیدها، در تحقق آن ناکام مانده است.»

او افزود: «متحدها، ما، از اروپا تا کانادا و کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس، پیش از این اقدام کرده‌اند و بریتانیا از این روند عقب مانده است.»

حزب کارگر پیش از انتخابات سراسری سال ۲۰۲۴ وعده داده بود که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بعنوان یک سازمان تروریستی در فهرست ممنوعه قرار دهد.

با این حال، پس از به‌دست‌گرفتن قدرت، دولت کارگر از اجرای فوری این وعده عقب نشست و هم‌زمان با بازیابی گزینه‌های موجود برای برخورد با نهادهای وابسته به دولت‌ها، رویکردی محتاطانه‌تر در پیش گرفت.

این در حالی است که دولت بریتانیا هم اکنون نیز بر اساس «قانون مبارزه با تروریسم سال ۲۰۰۰» از اختیارات لازم برای ممنوع‌اعلام کردن سازمان‌ها برخوردار است.

بر اساس همین قانون، پیش از این گروه‌هایی مانند حزب‌الله که از حمایت ایران برخوردارند، در بریتانیا ممنوع اعلام شده‌اند.

گفتنی است سال گذشته، جاناتان هال کی سی، ناظر

لندن، پاسخی به تهدیدهای پیچیده و رو به‌گسترش امنیتی در سطح بین‌المللی است.

وزیران دولت بریتانیا در نظر دارند در نشست آینده‌ی پارلمان، اختیارات تازه‌ای در حوزه‌ی مقابله با تروریسم ارایه کنند که به آنان امکان می‌دهد تهدیدهای وابسته به دولت‌ها، از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، را ممنوع اعلام کنند.

تحت اختیارات جدید، دولت بریتانیا قادر خواهد بود گروه‌هایی را که از سوی دولت‌ها تأمین مالی، تجهیز یا هدایت می‌شوند، در فهرست سازمان‌های ممنوعه قرار دهد. اقدامی که می‌تواند دامنه‌ی اقدامات قانونی علیه چنین شبکه‌هایی را بطور قابل توجهی گسترش دهد.

بر اساس این قانون، دولت قادر خواهد بود با استفاده از ابزارهای حقوقی جدید، نهادهایی را که بعنوان بازوی امنیتی یا نظامی دولت‌های خارجی عمل می‌کنند و در فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده یا خشونت‌آمیز دخیل هستند، در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد.

بی‌بی‌سی گزارش داده است که این اختیارات جدید بخشی از بسته‌ی قانونگذاری دولت خواهد بود که قرار است در «سخنرانی پادشاه» در ۱۳ مه تشریح شود. سخنرانی‌ای که اولویت‌های قانونگذاری دولت برای دوره‌ی پیش رو را ترسیم می‌کند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که با هدف پاسداری از نظام جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ تأسیس شد، در طول دهه‌های گذشته به یکی از مهمترین بازیگران نظامی، سیاسی و اقتصادی در این کشور تبدیل شده است.

برآورد می‌شود این نهاد، ده‌ها هزار نیروی فعال در اختیار داشته باشد و دولت‌های غربی بطور مداوم آن را به حمایت از فعالیت‌های تروریستی در خارج از مرزهای ایران متهم کرده‌اند.

در همین حال، شماری از نمایندگان حزب کارگر در پارلمان بریتانیا، در پی مجموعه‌ای از حملات یهودستیزانه از زمان آغاز جنگ ایران، از دولت خواسته‌اند که سپاه پاسداران را در فهرست سازمان‌های ممنوعه قرار دهد.

یک گروه اسلام‌گرا، «حرکت اسلامی ال‌یمین» که گمان می‌رود با ایران ارتباط داشته باشد، مسئولیت حمله‌ی اخیر به آمبولانس‌های جامعه‌ی یهودیان منطقه گولدرزگرین در شمال لندن را بر عهده گرفته و همچنین خود را عامل شماری دیگر از حوادث در بریتانیا و اروپا معرفی کرده است.

در همین حال، برخی کشورهای اروپایی و نیز اتحادیه اروپا بیشتر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی خود قرار داده‌اند.

کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا، نیز این هفته تأکید کرد که کشورش باید با «بازیگران مخرب دولتی» مقابله کند و تصریح کرد دولت او قصد دارد قوانین لازم را «در سریع‌ترین زمان ممکن» به پارلمان ارائه دهد.

او در نظر دارد با اعطای اختیاراتی جدید به نهادهای امنیتی و قضایی، امکان ممنوعیت گروه‌های تروریستی مورد حمایت دولت‌ها را فراهم کند. این طرح در چارچوب تلاش‌های دولت برای مقابله با تهدیدهای فزاینده امنیتی و شبکه‌های پیچیده‌ای مطرح می‌شود که با پشتیبانی مستقیم یا غیرمستقیم دولت‌های خارجی فعالیت می‌کنند.

روزنامه جوئیش کرونی‌کال نیز به نقل از استارمر نوشت که او نسبت به افزایش استفاده‌ی دولت ایران از نیروهای نیابتی «بسیار نگران» است.

استارمر در ویدئویی که این نشریه منتشر کرده است،

خطر اجرای حکم «اعدام» چهار شهروند بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴



تصاویری که گفته می‌شود مربوط به دوربین‌های مدار بسته محل بوده، تهیه شده است.

یک منبع آگاه نزدیک به خانواده این افراد، در خصوص آخرین وضعیت حقوقی سه تن از متهمان پرونده به «هرانا» گفته «اخیرا احکام احسان حسینی‌پور حصارلو، متین محمدی، عرفان امیری پس از تأیید در دیوان عالی کشور، به شعبه اجرای احکام ارجاع شده است.»

جمهوری اسلامی با تشدید فضای سرکوب در کشور از آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا اجرای احکام اعدام علیه زندانیان سیاسی را نیز سرعت داده بطوریکه در این مدت دست‌کم ۲۱ زندانی سیاسی اعدام شده‌اند که آمار بالایی در این بازه زمانی، و در مقایسه با آمار اعدام زندانیان سیاسی در سالهای گذشته، است.

اکنون بر اساس گزارش‌ها حکم اعدام ناصر بکرزاده که در سال ۱۴۰۳ به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» بازداشت و به اعدام محکوم شده بود، در دیوان عالی کشور تأیید شده است.

ناصر بکرزاده، زندانی ۲۶ ساله، پیش‌تر از سوی شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی ارومیه به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» صادر شده بود. به گزارش منابع حقوق بشری این زندانی روز شنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۵ به دفتر اجرای احکام زندان مرکزی ارومیه احضار و تأیید حکم اعدام به‌طور رسمی به او ابلاغ شده است.

منابع آگاه گزارش دادند که یکی از مسئولان اجرای احکام زندان مرکزی ارومیه هنگام ابلاغ حکم، او را به اجرای قریب‌الوقوع اعدام تهدید کرده است.

همچنین تأیید حکم اعدام علیه ناصر بکرزاده تنها ۱۰ روز پس از ارجاع پرونده به دیوان عالی کشور انجام شده است. از سوی دیگر حکم اعدام این زندانی پیش‌تر دو بار از سوی دیوان عالی نقض شده بود. این موضوع بیانگر تلاش جمهوری اسلامی برای اجرای هر چه بیشتر احکام اعدام زندانیان سیاسی است.

سرکوب با آغاز جنگ در دستور کار جمهوری اسلامی قرار گرفته فعالان حقوق بشر درباره افزایش آمار اعدام در ایران هشدار می‌دهند.

در ادامه صدور احکام «اعدام» برای بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴، مریم هداوند، شهروند زندانی در بند زنان زندان اوین، به «اعدام» محکوم شده است. مریم هداوند در ارتباط با پرونده آتش‌سوزی «مسجد سیدالشهدا» در پاکدشت در جریان اعتراضات دی‌ماه ۴۰۴ بازداشت شد.

به گزارش منابع حقوق بشری، مریم هداوند ۴۵ ساله و مادر دو فرزند است و در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری به اعدام محکوم شده است. منابع حقوق بشری تأکید کردند این شهروند در جریان دادرسی از حق دسترسی به وکیل انتخابی محروم بوده و روند رسیدگی به پرونده‌اش در فضایی کاملاً امنیتی و غیرشفاف انجام شده است.

در ارتباط با همین پرونده پیش‌تر نیز احسان حسینی‌پور حصارلو، متین محمدی و عرفان امیری، سه شهروند دیگر بازداشت‌شده در اعتراضات دی‌ماه ۴۰۴ به اعدام محکوم شدند.

خبرگزاری «هرانا» گزارش داده احکام اعدام علیه این چهار شهروند در ارتباط با اتهاماتی از جمله «مشارکت در قتل دو نیروی بسیج» به نام‌های «علی‌اکبر و طاهای»، «تحریق عمدی یک مکان مذهبی»، «تخریب اموال عمومی» و «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» صادر شده است.

بر اساس گزارش خبرگزاری «هرانا» در شرح مصادیق اتهامی این شهروندان به مواردی از جمله حضور در تجمعات اعتراضی ۱۸ دی‌ماه در پاکدشت و پرتاب کوکتل مولوتف به داخل مسجد، اشاره شده است.

«هرانا» تأکید کرده که بخش قابل توجهی از مستندات پرونده‌بر پایه اعترافات منتسب به متهمان، که شرایط اخذ آن‌ها مشخص نیست، گزارش‌های ضابطان پرونده و

● مریم هداوند ۴۵ ساله و مادر دو فرزند و از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه ۴۰۴ در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری به اعدام محکوم شده است.

● مریم هداوند در ارتباط با پرونده آتش‌سوزی «مسجد سیدالشهدا» در پاکدشت در جریان اعتراضات دی‌ماه ۴۰۴ بازداشت شد.

● احسان حسینی‌پور حصارلو، متین محمدی و عرفان امیری در همین پرونده با مریم هداوند به اعدام محکوم شدند و احکام اعدام آنها در دیوان عالی کشور تأیید شده است.

● در شرح مصادیق اتهامی این شهروندان به مواردی از جمله حضور در تجمعات اعتراضی ۱۸ دی‌ماه در پاکدشت و پرتاب کوکتل مولوتف به داخل مسجد، اشاره شده است.

● همچنین بر اساس گزارش‌ها حکم اعدام ناصر بکرزاده که در سال ۱۴۰۳ به اتهام «جاسوسی برای اسرائیل» بازداشت و به اعدام محکوم شده بود، در دیوان عالی کشور تأیید شده است.

● جمهوری اسلامی با تشدید فضای سرکوب در کشور از آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا اجرای احکام اعدام علیه زندانیان سیاسی را نیز سرعت داده بطوریکه در این مدت دست‌کم ۲۱ زندانی سیاسی اعدام شده‌اند.

صدور و تأیید احکام «اعدام» علیه چهار شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات دی‌ماه خطر اجرای این احکام را افزایش داده است. مریم هداوند، احسان حسینی‌پور حصارلو، متین محمدی و عرفان امیری چهار شهروندی هستند که احتمال اجرای احکام اعدام آنها در روزهای آینده وجود دارد.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی با سرعت در حال صدور و تأیید احکام «اعدام» علیه شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات دی‌ماه ۴۰۴ است. با توجه به اینکه سیاست تشدید

عرفان کیانی از بازداشت‌شدگان دی ۴۰۴ در اصفهان اعدام شد

همزمان با خبر اجرای حکم اعدام عرفان کیانی، در خبر دیگری اعلام شد قوه قضاییه برای سه شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات دی ۴۰۴ حکم اعدام صادر کرده است.

جمهوری اسلامی از زمان آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا روند اجرای احکام اعدام زندانیان سیاسی از جمله شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات سراسری دی ۴۰۴ را سرعت داده است به‌طوری‌که در این مدت دست‌کم ۲۰ زندانی سیاسی اعدام شده‌اند.

از سوی دیگر صدور و تأیید احکام اعدام در دادگاه‌های انقلاب و دیوان عالی کشور نیز با سرعت بیشتری نسبت به گذشته در حال انجام است. این روند هشدار فعالان حقوق بشر درباره افزایش آمار اعدام در هفته‌ها و ماه‌های پیش‌رو را افزایش داده است.

برای نمونه پس از تعطیلات نوروز گزارش شد که محمدرضا مجیدی اصل، بیتا علی‌همتی، بهروز زمانی‌نژاد و کوروش زمانی‌نژاد، چهار نفر از بازداشت‌شدگان در ارتباط با اعتراضات دی‌ماه گذشته در تهران به اعدام محکوم شده‌اند. در این پرونده محمدرضا مجیدی اصل و بیتا علی‌همتی زن و شوهر هستند و متهم ردیف پنجم امیرمحمد علی‌همتی برادر بیتا است. همچنین بهروز و کوروش زمانی‌نژاد نیز برادر و همسایه سه متهم دیگر هستند. همچنین متهم ردیف پنجم این پرونده امیرمحمد علی‌همتی و برادر بیتا علی‌همتی نیز به ۵ سال و ۸ ماه زندان محکوم شده است. همه متهمان همچنین به مصادره کامل اموال نیز محکوم شده‌اند.

«اقدام عملیاتی برای دولت متخاصم آمریکا و گروه‌های تروریستی (ضدانقلاب و سلطنت‌طلب)» از اتهامات این پنج شهروند است و از مصادیق این اتهام «سر دادن شعارهای ساختارشکن، استفاده از مواد منفجره، مواد آتش‌زا و سلاح سرد، مجروح کردن صدها شهروند بی‌گناه و مدافعان امنیت، تخریب و به آتش کشیدن اموال عمومی و پرتاب سیمان، بلوک‌های بتنی و بطری‌های شیشه‌ای خالی از پشت‌بام به سر مدافعان امنیت که منجر به مجروح شدن یک بسیجی مستقر شد» ذکر شده است.

اکنون سازمان حقوق بشر ایران گزارش داده صدور آرای اعدام علیه این چهار شهروند بر اساس قانونی که مجلس شورای اسلامی به‌منظور تشدید مجازات جاسوسی در مهرماه ۱۴۰۴ تصویب کرد صادر شده است.

بر اساس این قانون، هرگونه «اقدام عملیاتی» که به‌عنوان اقدام به نفع دولت‌های متخاصم -که صراحتاً شامل ایالات متحده نیز می‌شود- تلقی گردد، مجازات اعدام و مصادره کامل اموال را در پی دارد.

تبصره ۳ ماده ۱ این قانون، «اقدام عملیاتی» را هر اقدامی تعریف می‌کند که «قابلیت کشتار، تخریب اماکن یا اموال عمومی یا خصوصی، ایجاد رعب و وحشت عمومی، اخلال در شبکه‌های ارتباطی، سامانه‌های اطلاعاتی یا زیرساخت‌های کشور» را داشته باشد. دادگاه با استناد به این تعریف گسترده، اقدامات متناسب به متهمان در جریان اعتراضات را مشمول مجازات اعدام دانسته و حکم حداکثری را صادر کرده است.

بر اساس گزارش سازمان حقوق بشر ایران دست‌کم ۳۰ نفر از معترضان دی‌ماه به اعدام محکوم شده‌اند و احتمال دارد صدها نفر دیگر نیز با اتهاماتی روبه‌رو باشند که مجازات اعدام در پی دارد.

به سمت مأموران، مسدود کردن خیابان‌ها و حمل سلاح سرد» ذکر شده است.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی همچنین مدعی شده که اجرای حکم اعدام عرفان کیانی پس از تأیید این حکم در دیوان عالی کشور صورت گرفته است.

با این‌همه هیچ عکسی از عرفان کیانی در رسانه‌ها یا از سوی فعالان حقوق بشر منتشر نشده است. همچنین از دی‌ماه گذشته تا کنون خبری درباره پرونده این شهروند، اتهامات و نحوه برگزاری دادگاه و روند دادرسی او منتشر نشده است.



در همین رابطه «کانون حقوق بشر ایران» نوشته «نبود شفافیت در روند دادرسی، به‌ویژه در پرونده‌هایی که با مجازات اعدام همراه است، پرسش‌های جدی درباره رعایت اصول دادرسی عادلانه ایجاد می‌کند. در چنین پرونده‌هایی، انتشار صرف ادعاهای دستگاه قضایی بدون ارائه مستندات مستقل، امکان ارزیابی صحت روند رسیدگی را از بین می‌برد.»

«کانون حقوق بشر ایران» تأکید کرده اجرای حکم اعدام عرفان کیانی در شرایطی صورت می‌گیرد که طی ماه‌های اخیر روند صدور و اجرای احکام اعدام برای بازداشت‌شدگان اعتراضات و متهمان پرونده‌های امنیتی افزایش یافته است. ناظران معتقدند قوه قضاییه با تشدید اعدام‌ها در تلاش است از مجازات مرگ به‌عنوان ابزاری برای ارعاب عمومی استفاده کند؛ رویکردی که هدف آن افزایش هزینه اعتراض و جلوگیری از شکل‌گیری اعتراضات گسترده در آینده ارزیابی می‌شود.»

● خبرگزاری «میزان»، مرکز رسانه‌های قوه قضاییه، گزارش داده که عرفان کیانی شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات دی ۴۰۴ سحرگاه روز شنبه پنجم اردیبهشت ۱۴۰۵ اعدام شده است.

● بر اساس ادعای قوه قضاییه اتهامات عرفان کیانی مواردی مانند «اقدام به تخریب و تحریک اموال عمومی و خصوصی، ایجاد رعب و وحشت در سطح شهر» بوده است.

● در گزارش منتشر شده از سوی قوه قضاییه عرفان کیانی به‌عنوان «عناصر اصلی دشمن در اغتشاشات دی‌ماه ۱۴۰۴ در اصفهان» معرفی شده که با «مأموریت موساد اقدام به تخریب و تحریک اموال عمومی و خصوصی، ایجاد رعب و وحشت در سطح شهر و قداره‌کشی» کرده بود.

● هیچ عکسی از عرفان کیانی در رسانه‌ها یا از سوی فعالان حقوق بشر منتشر نشده است. همچنین از دی‌ماه گذشته تا کنون خبری درباره پرونده این شهروند، اتهامات و نحوه برگزاری دادگاه و روند دادرسی او منتشر نشده است.

● جمهوری اسلامی از زمان آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا روند اجرای احکام اعدام زندانیان سیاسی از جمله شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات سراسری دی ۴۰۴ را سرعت داده است به‌طوری‌که در این مدت دست‌کم ۲۰ زندانی سیاسی اعدام شده‌اند.

● در این مدت صدور و تأیید احکام اعدام در دادگاه‌های انقلاب و دیوان عالی کشور نیز با سرعت بیشتری نسبت به گذشته در حال انجام است. این روند هشدار فعالان حقوق بشر درباره افزایش آمار اعدام در هفته‌ها و ماه‌های پیش‌رو را افزایش داده است.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی روز شنبه پنجم اردیبهشت ۱۴۰۵ از اجرای حکم اعدام عرفان کیانی از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ در شهر اصفهان خبر داد. با گذشت چهار ماه از اعتراضات دی‌ماه هیچ خبر یا تصویری بیشتر از عرفان کیانی منتشر نشده بود.

خبرگزاری «میزان»، مرکز رسانه‌های قوه قضاییه، گزارش داده که عرفان کیانی شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات دی ۴۰۴ سحرگاه روز شنبه پنجم اردیبهشت ۱۴۰۵ اعدام شده است.

بر اساس ادعای قوه قضاییه اتهامات عرفان کیانی مواردی مانند «اقدام به تخریب و تحریک اموال عمومی و خصوصی، ایجاد رعب و وحشت در سطح شهر» بوده است.

در گزارش منتشر شده از سوی قوه قضاییه عرفان کیانی به‌عنوان «عناصر اصلی دشمن در اغتشاشات دی‌ماه ۱۴۰۴ در اصفهان» معرفی شده که با «مأموریت موساد اقدام به تخریب و تحریک اموال عمومی و خصوصی، ایجاد رعب و وحشت در سطح شهر و قداره‌کشی» کرده بود.

در ادامه ادعاهای قوه قضاییه آمده که «عرفان کیانی به همراه چند نفر دیگر که لیدری آن‌ها را برعهده داشت، در ۱۸ دی‌ماه حوالی ساعت ۲۰ در چهارراه پیروزی، همزمان با شکل‌گیری تجمع، اقدام به تخریب اموال عمومی کرده و با حمل تخته چوب و لاستیک از پیش تهیه شده، زمینه ایجاد آتش در خیابان را فراهم کرده است.»

در گزارش قوه قضاییه مصادیقی از اتهامات عرفان کیانی «حضور در تجمعات اعتراضی، تخریب اموال عمومی و خصوصی، ایجاد آتش‌سوزی، پرتاب سنگ و کوکتل مولوتف

جمهوری اسلامی عامر رامش، زندانی سیاسی ۱۹ ساله، را اعدام کرد



کیهان

● سحرگاه روز یکشنبه ۶ اردیبهشت ماه ۱۴۰۵، حکم اعدام عامر رامش زندانی سیاسی بلوچ در زندان مرکزی زاهدان اجرا شد.

● قوه قضاییه جمهوری اسلامی مدعی شده که این نوجوان با عناوین اتهامی «بغی از طریق هم‌گذاری و اجرای کمین در مسیر نیروهای نظامی»، «عضویت در گروه باغی جیش العدل» و «عضویت در گروه معاند وابسته به شرور متواری عبدالغفار نقشبندی» به دادگاه انقلاب معرفی شده است.

● جمهوری اسلامی از ابتدای جنگ با اسرائیل و آمریکا اجرای احکام اعدام علیه زندانیان سیاسی را سرعت داده بطوریکه در این مدت دست‌کم ۲۱ زندانی سیاسی اعدام شده‌اند که آمار بالایی در این بازه زمانی، و در مقایسه با آمار اعدام زندانیان سیاسی در سالهای گذشته، است.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی از اجرای حکم اعدام عامر رامش جوان ۱۹ ساله در زندان زاهدان خبر داده است. حکم اعدام این زندانی بلوچ در حالی اجرا شده که ابهامات زیادی درباره بازداشت و شیوه دادرسی در پرونده او وجود دارد.

سحرگاه امروز یکشنبه ۶ اردیبهشت ماه ۱۴۰۵، حکم اعدام عامر رامش زندانی سیاسی بلوچ در زندان مرکزی زاهدان اجرا شد. خبرگزاری «میزان»، مرکز اطلاع‌رسانی قوه قضاییه جمهوری اسلامی، اعلام کرده عامر رامش در یک عملیات ضد تروریستی در بخش پیرسهراب شهرستان چابهار بازداشت شده است.

در ادامه ادعای قوه قضاییه آمده که این نوجوان با عناوین اتهامی «بغی از طریق هم‌گذاری و اجرای کمین در مسیر نیروهای نظامی»، «عضویت در گروه باغی جیش العدل» و «عضویت در گروه معاند وابسته به شرور متواری عبدالغفار نقشبندی» به دادگاه انقلاب معرفی شده است.

در گزارش منتشر شده از سوی قوه قضاییه هیچ اشاره‌ای به زمان بازداشت و شیوه طی شدن مراحل بازرسی و صدور حکم عامر رامش نشده است.

قوه قضاییه ادعا کرده رامش و سه تن دیگر «هنگام

دستگیری مقاومت مسلحانه کرده و در نتیجه درگیری شدیدی که به وجود می‌آید یکی از مأموران حافظ امنیت به شهادت می‌رسد» و «در نتیجه آتش رد و بدل شده بین تروریست‌ها و مأموران امنیتی» سه نفر کشته و عامر رامش بازداشت می‌شود. وبسایت «حال‌وش» که اخبار سیستان و بلوچستان را منتشر می‌کند گزارش داده «رئیس کل دادگستری استان سیستان و بلوچستان عامر رامش را متهم به عضویت در گروه «جیش‌العدل» عنوان کرده است. این در حالی است که پیش‌تر رسانه‌های حکومتی ویدئویی از «اعترافات» این زندانی منتشر کرده بودند که به گفته منابع، تحت فشار و شکنجه اخذ شده و آثار جراحت و کبودی در ناحیه صورت وی در آن مشهود بوده است.»

به گزارش «حال‌وش» عامر رامش در زمان بازداشت ۱۸ سال سن داشته است. او فرزند اللهین‌بخش، اهل و ساکن روستای بلینگی از توابع بخش پیرسهراب شهرستان چابهار، در تاریخ ۱۱ مهرماه ۱۴۰۳ در جریان یورش نیروهای نظامی و امنیتی به یک مغازه عطاری در این روستا هدف تیراندازی قرار گرفت. در حالی‌که در همان زمان نیروهای امنیتی به خانواده وی اعلام کرده بودند که او کشته شده، بعدها مشخص شد که وی زنده و در بازداشت بوده است.

بر اساس گزارش «حال‌وش» نیروهای امنیتی در این یورش با استفاده از سلاح‌های سبک و نیمه‌سنگین از جمله آرپی‌جی و خمپاره، محل را هدف قرار داده بودند که منجر به کشته شدن دست‌کم سه تن و مجروح شدن دو شهروند دیگر شد. همچنین اجساد برخی از کشته‌شدگان توسط نیروها از محل منتقل شده بود.

این گزارش بر اساس اطلاعات دریافتی از منابع آگاه افزوده روند رسیدگی به پرونده عامر رامش در شرایطی انجام شده که وی به مدت حدود شش ماه از حق ملاقات با خانواده محروم بوده و جلسات دادگاه نیز در همین بازه برگزار شده است. نخستین ملاقات خانواده با وی در ماه هشتم بازداشت صورت گرفته و پس از اعتراض به حکم صادره، پرونده به دیوان عالی کشور ارجاع شده، اما این مرجع پس از حدود چهار ماه اعتراض را رد کرده است.

منابع «حال‌وش» همچنین گزارش داده‌اند که در جریان پیگیری‌های خانواده برای آزادی وی، از آنان خواسته شده در ازای آزادی این جوان با نهادهای امنیتی همکاری کنند. به گفته این منابع، حتی نام سه نفر از مخالفان مطرح شده و پیشنهاد شده که خانواده برای ترور آنها اقدام کنند.

این منابع افزوده‌اند که در روزهای اخیر و هم‌زمان با انتقال وی به قرظینه، فشارها بر خانواده افزایش یافته و از آنان خواسته شده تا برادر «عامر رامش» که از فعالان سیاسی مخالف در خارج از کشور است، با نهادهای امنیتی تماس گرفته و همکاری کند یا خود را تسلیم نماید؛ در غیر این صورت، تهدید شده‌اند که حکم اعدام اجرا خواهد شد. در گزارش «حال‌وش» آمده حکم اعدام این زندانی سحرگاه امروز در حالی به اجرا درآمد که تا لحظه اجرای حکم نیز هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی شفاف و مستقلی درباره روند دادرسی، جزئیات پرونده و مستندات اتهامات مطرح‌شده علیه وی منتشر نشده است.

«حال‌وش» به نقل از منابع آگاه نوشته وی پیش از اجرای حکم از حق آخرین ملاقات با خانواده خود محروم بوده است. جمهوری اسلامی از ابتدای جنگ با اسرائیل و آمریکا اجرای احکام اعدام علیه زندانیان سیاسی را سرعت داده بطوریکه در این مدت دست‌کم ۲۱ زندانی سیاسی اعدام شده‌اند که آمار بالایی در این بازه زمانی، و در مقایسه با آمار اعدام زندانیان سیاسی در سالهای گذشته، است.

آغاز تحقیقات پلیس لندن درباره آتش‌سوزی عمدی در «دیوار یادبود جاویدنامان»

● پلیس لندن از آغاز تحقیقات درباره‌ی یک حمله‌ی مشکوک به آتش‌سوزی عمدی، در دیوار یادبودی در خیابان لایمز، واقع در منطقه گولدرز گرین، خبر داد.

● این دیوار یادبود بعنوان فضایی برای نمایش تصاویر معترضان کشته شده به دست جمهوری اسلامی در جریان سرکوب اعتراضات ضدحکومتی در ماه ژانویه مورد استفاده قرار گرفته است.

● تحقیقات این پرونده توسط واحد «مبارزه با تروریسم لندن» با پشتیبانی نیروهای حوزه‌ی فرماندهی شمال‌غرب انجام می‌شود.

● تا این لحظه هیچ‌گونه بازداشتی در ارتباط با این پرونده صورت نگرفته است.

● احد قنبری، کنشگر حقوقی جامعه‌ی ایرانی، در شبکه‌ی ایکس نوشت: «حمله به دیوار یادبود، حمله به جامعه‌ی ماست.»

● دیوار یادبود، مکانی آرام برای پاسداشت یاد قربانیان است. جایی که زندگی‌های از دست رفته ثبت می‌شود تا از یادها نروند.

تلاش برای آتش‌سوزی عمدی در «دیوار یادبود جاویدنامان» در گولدرز گرین، که به نمادی از همبستگی با قربانیان سرکوب در ایران و دیگر خشونت‌های سیاسی بدل شده، زنگ خطر تازه‌ای درباره‌ی تشدید حملات هدفمند در لندن را به صدا درآورده است؛ رخدادی که در امتداد مجموعه‌ای از اقدامات مشکوک علیه مراکز مرتبط با جوامع ایرانی و یهودی، اکنون پای واحد مبارزه با تروریسم را نیز به پرونده باز کرده است.

پلیس لندن از آغاز تحقیقات درباره‌ی یک حمله‌ی مشکوک به آتش‌سوزی عمدی، در دیوار یادبودی در خیابان لایمز، واقع در منطقه گولدرز گرین، خبر داد. این حادثه در ساعت ۰۰:۱۵ بامداد دوشنبه ۲۷ آوریل رخ داده است.

این دیوار یادبود بعنوان فضایی برای نمایش تصاویر معترضان کشته شده به دست جمهوری اسلامی در جریان سرکوب اعتراضات ضدحکومتی در ماه ژانویه مورد استفاده قرار گرفته است.

بخشی از این دیوار همچنین به یاد قربانیان حمله سال ۲۰۲۳ حماس به جشنواره موسیقی «نوا» در اسرائیل اختصاص دارد. در کنار آن، پیام تازه‌ای در ابراز همبستگی با جامعه‌ی یهودیان بر روی درختی نزدیک نصب شده است.

پلیس در ساعت ۱۹:۲۸ همان‌روز گزارشی از وقوع آتش‌سوزی دریافت کرد و تحقیقات اکنون تحت هدایت واحد مبارزه با تروریسم ادامه دارد. با این حال، خود دیوار یادبود آسیبی ندیده است.

تحقیقات این پرونده توسط واحد «مبارزه با

دوران نبرد با تاریکی؛ بوی وطن را حس می‌کنم

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



مسئله اصلی از نظر من برقراری دموکراسی در ایران است و این هدف را محتوای نظام آینده تأمین می‌کند نه شکل آن». شاهزاده رضا پهلوی؛ در نخستین کتاب خود با عنوان «گذشته و آینده» از انتشارات کیهان لندن که گفتگویی است میان او و احمد احرار روزنامه‌نگار پیشکسوت.

«بوی وطن را همچنان حس می‌کنم. هیچ معلوم نیست یک پادشاه زن لیاقتش از یک پادشاه مرد کمتر باشد. اساس هویت ما را ایرانی بودنمان تشکیل می‌دهد؛ هر ایرانی قبل از هر چیز باید خود را ایرانی بداند و بعد مسلمان، یهودی یا مسیحی یا کرد یا بلوچ. نقش من، رهبری یک گروه خاص نیست؛



موجود در چارچوب بررسی‌ها جمع‌آوری شود. این رخداد که در پی مجموعه‌ای از حملات آتش‌سوزی اخیر در گستره منطقه‌ی گولدرز گرین روی داده، بطور قابل درکی موجب افزایش نگرانی در میان ساکنان و اعضای جامعه‌ی محلی خواهد شد. دیوار یادبود، مکانی آرام برای پاسداشت یاد قربانیان است. جایی که زندگی‌های از دست رفته ثبت می‌شود تا از یادها نروند. هرگونه تلاش برای آسیب رساندن یا هتک حرمت چنین مکانی، عمیقاً نگران‌کننده و حمله‌ای به ارزش‌های یادبود، کرامت انسانی و همبستگی اجتماعی است. ما امیدواریم عامل یا عاملان این اقدام شناسایی شده و در برابر قانون پاسخگو شوند.

محل یافت شد. این محل آخرین بار حدود ساعت ۱:۰۰ بامداد توسط یکی از داوطلبان شبانه در وضعیت سالم مشاهده شده بود. همچنین شواهدی در دست است که نشان می‌دهد رهگذری متوجه آتش‌سوزی شده و با مداخله به موقع، پیش از آنکه خسارت گسترده‌تری وارد شود، موفق به مهار آن شده است. ما عمیقاً از اقدام سریع این فرد قدردانی می‌کنیم. مأموران پلیس متروپولیت و نیروهای آتش‌نشانی لندن پس از اطلاع از حادثه، به سرعت در محل حاضر شدند. این واقعه گزارش شده و تحقیقات در جریان است. انتظار می‌رود تمامی تصاویر دوربین‌های مداربسته و دیگر شواهد

تورریسم لندن» با پشتیبانی نیروهای حوزه‌ی فرماندهی شمال‌غرب انجام می‌شود. این حادثه در حال حاضر بعنوان یک اقدام تروریستی طبقه‌بندی نشده و مأموران با حفظ رویکردی باز، تمامی احتمالات درباره‌ی انگیزه‌ی عامل یا عاملان را بررسی می‌کنند. تا این لحظه هیچ‌گونه بازداشتی در ارتباط با این پرونده صورت نگرفته است.

لوک ویلیامز، رئیس ارشد پلیس در شمال‌غرب لندن، در این باره گفت: «ما می‌دانیم که این حادثه می‌تواند نگرانی‌ها را در منطقه گولدرز گرین افزایش دهد. جایی که ساکنان آن پیش از این نیز با مجموعه‌ای از حملات مواجه بوده‌اند.» او افزود: «ما با همکاری نزدیک با سازمان‌ها و رهبران محلی در حال اقدام هستیم و می‌خواهیم به آنان اطمینان دهیم که عملیات تأمین امنیت حفاظتی همچنان ادامه دارد. نیروهای محلی ما نیز در هماهنگی کامل با واحد مبارزه با تروریسم از روند تحقیقات پشتیبانی می‌کنند.» به گفته‌ی وی، از زمان حمله‌ی ماه گذشته در گولدرز گرین، اقدامات پلیس برای ایجاد اطمینان در میان شهروندان تشدید شده است. از جمله گشت‌های مسلحانه پلیس و استقرار نیروهای پروژ «سرواتور» که برای شناسایی افراد مظنون به برنامه‌ریزی یا تدارک اقدامات مجرمانه آموزش دیده‌اند.

گروهی با نام «حرکت اصحاب الیمین الاسلامیه» که خود را «اصحاب الیمین» نیز می‌نامند، مسئولیت شماری از حملات در لندن را بر عهده گرفته‌اند. گفته می‌شود این گروه پوششی برای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (IRGC) است.

از دیگر اهداف این حملات می‌توان به دو کنیسه، یک مؤسسه خیریه‌ی یهودی سابق و شبکه‌ی تلویزیونی «ایران اینترنشنال» اشاره کرد. در یکی از موارد نیز، پهبادی در نزدیکی سفارت اسرائیل به پرواز درآمده است.

پلیس متروپولیت اعلام کرد که از زمان نخستین حمله به آمبولانس‌های «هاتسولا» در گولدرز گرین در تاریخ ۲۳ مارس، در مجموع ۲۶ نفر بازداشت شده‌اند.

از دیگر حوادث می‌توان به پرتاب یک ظرف آتش‌زا بسوی یک رسانه‌ی فارسی زبان و نیز کشف شیشه‌هایی حاوی مواد غیرخطرناک در پارک «کنزینگتون گاردنز» اشاره کرد.

پلیس لندن از هر کس که اطلاعاتی در این مورد در اختیار دارد، خواسته با شماره ۱۰۱ تماس بگیرد و با اشاره به شماره CAD۳۰۸/۲۷ آوریل، اطلاعات خود را ارائه دهد. یا بصورت ناشناس با بنیاد خیریه‌ی مستقل Crimestoppers از طریق شماره ۰۸۰۰۵۵۵۱۱۱ تماس بگیرد.

از سوی دیگر، احد قنبری، کنشگر حقوقی جامعه‌ی ایرانی، در شبکه‌ی ایکس نوشت: «حمله به دیوار یادبود، حمله به جامعه‌ی ماست.»

پلیس متروپولیت بیانه‌ای منتشر کرده است که در زیر می‌خوانید:

ما تأیید می‌کنیم که در ساعات شب ۲۷ آوریل ۲۰۲۶، تلاش برای آتش‌سوزی عمدی در «دیوار یادبود» واقع در گولدرز گرین رخ داده است. مکانی که به دست اعضای «رالی میگا لندن» ایجاد و نگهداری می‌شود و بعنوان فضایی برای یادبود و تأمل، به بزرگداشت قربانیان سرکوب مرگبار جمهوری اسلامی وقف شده است.

آثار این اقدام حدود ساعت ۷:۰۰ صبح توسط یکی از داوطلبانی که به محل مراجعه کرده بود، کشف شد. یکی از واحدهای نمایش دچار سوختگی و آثار زغال شده و شماری از تصاویر و مواد چاپی نیز در اثر آتش آسیب دیده بودند. بخشی از اقلام سوخته‌ی بعدتر در سطل زباله‌ای در نزدیکی

عراقچی به روسیه رفت؛ اختلاف درون حکومت بر سر توافق با آمریکا بالا گرفته است



سفر عراقچی به روسیه / ششم اردیبهشت ۱۴۰۵

وضعیت» درباره ایران با تیم ارشد امنیت ملی و سیاست خارجی خود جلسه دارد. یک منبع گفت تیم ترامپ درباره بن‌بست در مذاکرات و گام‌های احتمالی بعدی بحث خواهد کرد.

ترامپ در مصاحبه‌ای با فاکس‌نیوز در روز یکشنبه اشاره کرد که می‌خواهد محاصره دریایی که صادرات نفت ایران را مختل کرده ادامه دهد، به این امید که تهران طی چند هفته آینده عقب‌نشینی کند.

او گفت: «وقتی مقادیر عظیمی نفت در سیستم شما جریان دارد... اگر به هر دلیلی این مسیر بسته شود چون نمی‌توانید آن را وارد مخازن یا کشتی‌ها کنید... اتفاقی که می‌افتد این است که آن خط از درون منفرج می‌شود... آن‌ها می‌گویند فقط حدود سه روز تا وقوع این اتفاق زمان دارند.»

یکی از منابع به آکسیوس گفت، «عراقچی به میانجیگران پاکستانی، مصری، ترک و قطری اعلام کرد که در داخل رهبری ایران درباره نحوه پاسخ به خواسته‌های آمریکا اجماع وجود ندارد.» آمریکا می‌خواهد ایران دست‌کم برای یک دهه غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کرده و ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود را از کشور خارج کند. پیشنهاد جدید از طریق میانجیگران پاکستانی به آمریکا ارائه شده، ابتدا بر حل بحران تنگه و محاصره آمریکا تمرکز دارد.

منابع غیررسمی گزارش داده‌اند بین محمدباقر قالیباف و سعید جلیلی اختلاف زیاد شده است. جلیلی از مخالفان سرسخت مذاکره با آمریکا است. علی مطهری نایب رئیس پیشین مجلس شورای اسلامی هشدار داده است «جنگ یا مذاکره نباید موجب اختلاف سیاسیون شود.»

در چنین شرایطی آمریکا در حال تقویت سامانه‌های نظامی و قوای خود در منطقه است و اغلب تحلیلگران می‌گویند با ادامه این شرایط جنگ مجدد حتمی است.

سفر عراقچی به روسیه

عباس عراقچی پس از دو سفر به اسلام‌آباد و مسقط به روسیه رفت. قرار است او با ولادیمیر پوتین دیدار کند. ویر خارجه جمهوری اسلامی در بدو ورود به سن‌پترزبورگ گفت ایران همواره با روسیه درباره موضوعات گسترده، به‌ویژه مسائل منطقه‌ای، مشورت‌های نزدیک و مستمر داشته است. او گفت به دلیل «جنگ تحمیلی رمضان» وقفه‌ای در دیدارها ایجاد شده بود، اما در ادامه سفرهایش به پاکستان و عمان، سفر به روسیه نیز تنظیم شد تا درباره تحولات جنگ و وضعیت فعلی با مقام‌های روس رایزنی و هماهنگی‌های لازم انجام شود.

عراقچی می‌گوید، «رویکردهای نادرست و زیاده‌خواهی‌های آمریکا» مانع دستیابی به اهداف در دور قبلی مذاکرات شده است.

پیشنهاد تازه جمهوری اسلامی

یک مقام آمریکایی و دو منبع آگاه به پایگاه خبری آکسیوس گفته‌اند، ایران یک پیشنهاد جدید به ایالات متحده ارائه داده است تا تنگه هرمز را دوباره بازگشایی کند و به جنگ پایان دهد. در این پیشنهاد مذاکرات هسته‌ای به مرحله‌ای بعد موکول شده است.

در ایران بر سر اینکه چه پیشنهادی به آمریکا ارائه داده شود اختلاف زیاد است. آکسیوس نوشته پیشنهاد جمهوری اسلامی این مسئله را دور می‌زند تا به توافقی سریع‌تر برسد. اما رفع محاصره و پایان دادن به جنگ، اهرم فشار دونالد ترامپ را در هرگونه مذاکرات آینده برای حذف ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران و متقاعد کردن تهران به تعلیق غنی‌سازی از بین می‌برد، که دو هدف اصلی جنگ برای ترامپ محسوب می‌شوند. گفته می‌شود ترامپ روز دوشنبه جلسه‌ای در «اتاق

منابع دولتی پاکستان اعلام کردند که نیروهای آمریکایی تجهیزات امنیتی را از اسلام‌آباد، خارج کردند؛ اقدامی که نشان می‌دهد احتمال بازگشت هیأت آمریکایی برای مذاکرات در آینده نزدیک کم است.

ابراهیم رضایی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، در «ایکس» نوشت: «پاکستان واسطه مناسبی جهت مذاکرات نیست و اعتبار لازم را برای واسطه‌گری ندارد. آنها همیشه مصلحت ترامپ را در نظر می‌گیرند و برخلاف میل آمریکایی‌ها حرفی نمی‌زنند. میانجی باید بی‌طرف باشد نه اینکه همیشه به یک سمت غش کند.»

یک مقام آمریکایی و دو منبع آگاه به پایگاه خبری آکسیوس گفته‌اند، ایران یک پیشنهاد جدید به ایالات متحده ارائه داده است تا تنگه هرمز را دوباره بازگشایی کند و به جنگ پایان دهد. در این پیشنهاد مذاکرات هسته‌ای به مرحله‌ای بعد موکول شده است.

یکی از منابع به آکسیوس گفت، «عراقچی به میانجیگران پاکستانی، مصری، ترک و قطری اعلام کرد که در داخل رهبری ایران درباره نحوه پاسخ به خواسته‌های آمریکا اجماع وجود ندارد.»

منابع غیررسمی گزارش داده‌اند بین محمدباقر قالیباف و سعید جلیلی اختلاف زیاد شده است. جلیلی از مخالفان سرسخت مذاکره با آمریکا است. علی مطهری نایب رئیس پیشین مجلس شورای اسلامی هشدار داده است «جنگ یا مذاکره نباید موجب اختلاف سیاسیون شود.»

مذاکرات اسلام‌آباد برای توافق با جمهوری اسلامی بدون نتیجه متوقف شد. یکشنبه شب ۲۶ آوریل (ششم اردیبهشت) منابع دولتی پاکستان اعلام کردند که نیروهای آمریکایی تجهیزات امنیتی را از اسلام‌آباد، خارج کردند؛ اقدامی که نشان می‌دهد احتمال بازگشت هیأت آمریکایی برای مذاکرات در آینده نزدیک کم است. همزمان عباس عراقچی برای دیدار با ولادیمیر پوتین به روسیه رفت. درباره میانجیگری پاکستان، بین مقام‌های جمهوری اسلامی اختلاف افتاده است. در تهران برخی نسبت به آنچه پشت صحنه می‌گذرد مشکوک شده‌اند. آنها می‌گویند مقام‌های پاکستانی جانب آمریکا را می‌گیرند.

ابراهیم رضایی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، در «ایکس» نوشت: «پاکستان واسطه مناسبی جهت مذاکرات نیست و اعتبار لازم را برای واسطه‌گری ندارد. آنها همیشه مصلحت ترامپ را در نظر می‌گیرند و برخلاف میل آمریکایی‌ها حرفی نمی‌زنند. میانجی باید بی‌طرف باشد نه اینکه همیشه به یک سمت غش کند.» به گفته این نماینده مجلس: «به‌طور مثال حاضر نیستند به دنیا بگویند که آمریکا ابتدا پیشنهاد پاکستان را پذیرفت اما بعد زیر حرفش زد. نمی‌گویند که آمریکایی‌ها در موضوع لبنان یا اموال بلوکه‌شده تعهداتی داشتند اما به آن عمل نکردند.»

تا پیش از لغو دو دور مذاکرات، در صداوسیما تلویحاً از مذاکرات حمایت می‌شد اما اکنون این خط تغییر پیدا کرده است و اساس مذاکره رد می‌شود. همچنان که در شبکه افق مطرح شد، «مذاکره در این مرحله یعنی میز تسلیم».

تأیید احکام «اعدام» و «۲۵ سال زندان» پدر و دختر بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴



محمد عباسی در دادگاه

مادر دو فرزند است و در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری به اعدام محکوم شده است. منابع حقوق بشری تأکید کردند این شهروند در جریان دادرسی از حق دسترسی به وکیل انتخابی محروم بوده و روند رسیدگی به پرونده‌اش در فضایی کاملاً امنیتی و غیرشفاف انجام شده است.

در ارتباط با همین پرونده پیش‌تر نیز احسان حسینی‌پور حصارلو، متین محمدی و عرفان امیری، سه شهروند دیگر بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴ به اعدام محکوم شدند.

خبرگزاری «هرانا» گزارش داده احکام اعدام علیه این چهار شهروند در ارتباط با اتهاماتی از جمله «مشارکت در قتل دو نیروی بسیج» به نام‌های «علی‌اکبر و طاهّا»، «تخریب عمدی یک مکان مذهبی»، «تخریب اموال عمومی» و «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» صادر شده است.

بر اساس گزارش خبرگزاری «هرانا» در شرح مصادیق اتهامی این شهروندان به مواردی از جمله حضور در تجمعات اعتراضی ۱۸ دی‌ماه در پاکدشت و پرتاب کوکتل مولوتف به داخل مسجد، اشاره شده است.

«هرانا» تأکید کرده که بخش قابل توجهی از مستندات پرونده، بر پایه اعترافات منتسب به متهمان، که شرایط اخذ آن‌ها مشخص نیست، گزارش‌های ضابطان پرونده و تصاویری که گفته می‌شود مربوط به دوربین‌های مداربسته محل بوده، تهیه شده است.

یک منبع آگاه نزدیک به خانواده این افراد، در خصوص آخرین وضعیت حقوقی سه تن از متهمان پرونده به «هرانا» گفته «اخیراً احکام احسان حسینی‌پور حصارلو، متین محمدی، عرفان امیری پس از تأیید در دیوان عالی کشور، به شعبه اجرای احکام ارجاع شده است.»

او را از طریق تهدید جنسی نسبت به دخترش و اعمال شکنجه‌های جسمی وادار به اعتراف اجباری کرده‌اند.

منابع حقوق بشری پیش‌تر گزارش داده بودند که این پدر و دختر، در مرگ مأمور نیروی انتظامی مورد اشاره هیچ نقشی نداشته‌اند و حتی در ویدیوی منتشرشده در دادگاه نیز از این پدر و دختر در صحنه هیچ اثری وجود ندارد.

علی شریف‌زاده اردکانی، وکیل دادگستری نیز چهارم اسفندماه ۱۴۰۴ به وبسایت «امتداد» گفته بود: «روز شنبه، همکار وی برای اعلام وکالت در پرونده در مرحله فرجام‌خواهی به شعبه ۳۹ مراجعه داشته که به وی گفته شده که به استناد تبصره ماده ۴۸ آئین دادرسی کیفری، امکان اعلام وکالت در پرونده را ندارید!»

این وکیل دادگستری با اعلام وجود شبهات فراوان در این پرونده گفته بود شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور با استناد به تبصره ماده ۴۸ آئین دادرسی کیفری از پذیرش وکالت او و یکی دیگر از همکارانش در پیگیری این پرونده جلوگیری کرده است.

صدور احکام اعدام علیه بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴ و تأیید این احکام در دیوان عالی کشور در روزهای گذشته سرعت گرفته است. تأیید احکام در دیوان عالی کشور به معنای ارجاع پرونده به دایره اجرای احکام قوه قضاییه، و آغاز روند اداری اجرای حکم اعدام متهم است.

امروز و همزمان با انتشار خبر تأیید احکام اعدام محمد عباسی و ۲۵ سال زندان دخترش، خبر صدور حکم اعدام علیه مریم هداوند، شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات دی ۴۰۴ در پاکدشت هم منتشر شد. مریم هداوند در ارتباط با پرونده آتش‌سوزی «مسجد سیدالشهدا» در پاکدشت در جریان اعتراضات دی ۴۰۴ بازداشت شد.

به گزارش منابع حقوق بشری، مریم هداوند ۴۵ ساله و

حکم اعدام محمد عباسی از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ که در زندان قزلحصار محبوس است، توسط شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور تأیید شد. همچنین دیوان عالی کشور حکم ۲۵ سال حبس فاطمه عباسی، دختر این شهروند که همراه با پدرش بازداشت و در بند زنان زندان اوین محبوس است را نیز تأیید کرده است.

محمد عباسی ۵۵ ساله به اتهام «مباشرت و همکاری با اسرائیل، آمریکا و قتل یک مأمور نیروی انتظامی» در جریان اعتراضات سراسری دی ماه ۱۴۰۴ در ملارد بازداشت شد. فاطمه عباسی، ۳۴ ساله و مادر یک دختر ۱۳ ساله، به‌عنوان متهم ردیف دوم به اتهام معاونت در قتل محاکمه شد.

این دو شهروند در جریان تحقیقات مقدماتی و برگزاری دادگاه از دسترسی به وکیل محروم بودند و شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران اجازه ورود وکیل انتخابی خانواده عباسی به پرونده را نداد.

مأموران برای اخذ اعترافات اجباری از محمد عباسی او را از طریق تهدید جنسی نسبت به دخترش و اعمال شکنجه‌های جسمی وادار به اعتراف اجباری کرده‌اند.

منابع حقوق بشری پیش‌تر گزارش داده بودند که این پدر و دختر، در مرگ مأمور نیروی انتظامی مورد اشاره هیچ نقشی نداشته‌اند و حتی در ویدیوی منتشرشده در دادگاه نیز از این پدر و دختر در صحنه هیچ اثری وجود ندارد.

حکم اعدام محمد عباسی شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات دی ۴۰۴ در دیوان عالی کشور تأیید شد. همچنین حکم ۲۵ سال حبس دخترش، فاطمه عباسی، هم در دیوان عالی کشور تأیید شده است.

حکم اعدام محمد عباسی از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ که در زندان قزلحصار محبوس است، توسط شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور تأیید شد. همچنین دیوان عالی کشور حکم ۲۵ سال حبس فاطمه عباسی، دختر این شهروند که همراه با پدرش بازداشت و در بند زنان زندان اوین محبوس است را نیز تأیید کرده است.

محمد عباسی ۵۵ ساله به اتهام «مباشرت و همکاری با اسرائیل، آمریکا و قتل یک مأمور نیروی انتظامی» در جریان اعتراضات سراسری دی ماه ۱۴۰۴ در ملارد بازداشت شد. فاطمه عباسی، ۳۴ ساله و مادر یک دختر ۱۳ ساله، به همراه پدرش بازداشت و به‌عنوان متهم ردیف دوم به اتهام معاونت در قتل محاکمه شد.

محمد عباسی و دخترش در نتیجه یک پرونده‌سازی و سناریونویسی محض از سوی دادستانی متهم شده‌اند که در تاریخ ۱۷ دی ماه ۱۴۰۴ و در جریان اعتراضات در ملارد به یک سرهنگ نیروی انتظامی به نام شاهین دهقانی کاکاوندی حمله کرده و او را به قتل رسانده‌اند.

این دو شهروند در جریان تحقیقات مقدماتی و برگزاری دادگاه از دسترسی به وکیل محروم بودند و شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران اجازه ورود وکیل انتخابی خانواده عباسی به پرونده را نداد.

مأموران برای اخذ اعترافات اجباری از محمد عباسی

گزارش ویژه؛ دو ماه تحقیر و محرومیت ناشی از قطع اینترنت با روح و روان شهروندان ایران چه کرد؟



● «کیهان لندن» در گفتگو با تعدادی از شهروندان آثار و مشکلاتی که قطع اینترنت بر روند زندگی و احساسات آنها گذاشته را به‌عنوان یکی از پیامدهای قطع جهانی اینترنت در ایران مورد بررسی قرار داده است.

● فرشته ۷۲ ساله که تنها زندگی می‌کند در توصیف روزهایی که در دو ماه گذشته با قطع اینترنت گذارنده به «کیهان لندن» می‌گوید «انگار ته یک چاه افتاده‌ام که صدایم به کسی نمی‌رسد و دنیایم خاموش و بی‌صدا شده است و مضطرب هستم.»

● سیامک می‌گوید «قطع اینترنت به شدت احساس تحقیرشدگی به من داد. چون نمی‌فهمیدم چرا باید من شهروند مجازات شوم و از یک حق کاملاً طبیعی یا به قول خودشان «مسلم» محروم باشم؟»

● نگار می‌گوید «از وقتی خبر توزیع اینترنت پرو را شنیدم احسان ناامیدی و بیچارگی بیشتری را تجربه می‌کنم چون فکر می‌کنم اینترنت حالا حالاها وصل نخواهد شد» و یادآوری می‌کند که وصل اینترنتی که می‌گوید منظور همان اینترنت فیلتر شده و بی‌کیفیتی است که در گذشته هم برای دسترسی به آن باید هزینه زیادی می‌کرد.

● نگار می‌گوید مشغله‌های زندگی امروزی و البته هزینه‌بر بودن ارتباطات حضوری باعث شده بخشی از روابط دوستانه و فامیلی در ایران طی سالهای گذشته و به‌خصوص بعد از کرونا به فضای مجازی کشیده شود و مهمترین بُعد آزار روحی ناشی از قطع اینترنت را قطع شدن روابطش با دوستانش می‌داند.

● رضا می‌گوید تنها دلخوشی خواهرش که به سرطان مبتلاست و چند ماه است در بستر بیماری است اینترنت بود و همه روزهایی که با حال نزار روی تخت خوابیده و توان بلند شدن ندارد را به خواندن کتاب و دیدن یوتیوب و سرگرم شدن با اینستاگرام می‌گذراند و دو ماه قطع اینترنت وضعیت روحی‌اش را بدتر و درماتش را متأثر کرده است.

روشنک آسترکی - یک شهروند در گفتگو با «کیهان لندن» درباره رویارویی‌اش با دو ماه قطع اینترنت جهانی در ایران می‌گوید «قطع اینترنت به شدت احساس تحقیرشدگی به من داد. چون نمی‌فهمیدم چرا باید من شهروند مجازات شوم و از یک حق کاملاً طبیعی یا به قول خودشان «مسلم» محروم باشم؟» و شهروند دیگری می‌گوید «انگار ته یک چاه افتاده‌ام که صدایم به کسی نمی‌رسد و دنیایم خاموش و بی‌صدا شده است.»

دو ماه از قطع اینترنت جهانی بر روی شهروندان ایران می‌گذرد. جمهوری اسلامی نهم اسفندماه و ساعتی پس از آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا اینترنت جهانی را قطع کرد. در بیش از ۱۴۰۰ ساعتی که صدای مردم ایران با قطع جهانی اینترنت خاموش شده است همچنان «خودی»‌های حکومت با سازوکاری معروف به «سیم کارت سفید» به اینترنت جهانی دسترسی داشته‌اند.

در آنسو با پایان تعطیلات نوروز اینترنت دیگری با عنوان «اینترنت پرو» در اختیار اعضای برخی اصناف قرار گرفته است که بیانگر اجرای رسمی و علنی اینترنت طبقاتی در کشور است. طری‌که که اینترنت را از یک «حق عمومی برای دسترسی به اینترنت» به یک کالای ویژه تبدیل می‌کند که در

با انواع ناکارآمدی و سرکوب‌های حکومت روبرو هستند. «کیهان لندن» در گفتگو با تعدادی از شهروندان آثار و مشکلاتی که قطع اینترنت بر روند زندگی و احساسات آنها گذاشته را به‌عنوان یکی از پیامدهای قطع جهانی اینترنت در ایران مورد بررسی قرار داده است.

نگار، حسابدار ۳۲ ساله ساکن شیراز، در گفتگو با «کیهان لندن» تجربه دو ماه قطع جهانی اینترنت را همچون تجربه «برزخ» عنوان می‌کند و می‌گوید «قطع اینترنت را در اعتراضات ۹۸ و ۴۰۱ و دی ۴۰۴ و جنگ ۱۲ روزه تجربه کرده بودم اما از یکطرف مدت زمان قطع اینترنت کوتاه بود از طرف دیگر در جریان اعتراضات هیجان ناشی از تحولات اجتماعی آنچنان ابعاد قطع اینترنت را برایم جدی نکرده بود. اینبار اما وحشت از جنگ برای من شرایط را دشوار کرد و به شکلی که وصل مجدد اینترنت به روشن تکلیف روابط جمهوری اسلامی و آمریکا گره خورد، با در نظر گرفتن اینکه من و بقیه مردم بیست سال تنش‌های هسته‌ای و روشن نشدن تکلیف این روابط را زندگی کرده‌ایم وضعیت را ترسان‌کننده است. از وقتی هم خبر توزیع اینترنت پرو را شنیدم احسان ناامیدی و بیچارگی بیشتری را تجربه می‌کنم چون فکر می‌کنم اینترنت حالا حالاها وصل نخواهد شد.»

نگار یادآوری می‌کند که وصل اینترنتی که می‌گوید منظور همان اینترنت فیلتر شده و بی‌کیفیتی است که در گذشته هم برای دسترسی به آن باید هزینه زیادی می‌کرد. او مهمترین بُعد آزار روحی ناشی از قطع اینترنت را قطع شدن روابطش با دوستانش می‌داند: «ارتباطات مجازی از طریق اینستاگرام و واتساپ با دوستانم و گروه‌های فامیلی خیلی برایم مهم بود. مشغله‌های زندگی امروزی و البته هزینه‌بر بودن ارتباطات حضوری باعث شده بخشی از روابط دوستانه و فامیلی در ایران طی سالهای گذشته و به‌خصوص بعد از کرونا به فضای مجازی کشیده شود. حالا قطع یکباره همه آن روابط فشار سنگینی بود. از طرف دیگر هزینه‌های من که کارمندی هستم که همه تلاشم ←

یک روند گزینشی از سوی حکومت و تحت نظارت نهادهای امنیتی در اختیار برخی شهروندان قرار می‌گیرد و هر چه شهروندان کم‌برخوردارتر و و از اقشار محروم‌تر باشند در روند گزینشی حکومت نادیده‌تر گرفته می‌شوند.

اگر چه در روزهای گذشته برخی اصناف از جمله کانون وکلای دادگستری استان سمنان، سازمان نظام پرستاری و انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران دریافت «اینترنت پرو» را به علت تبعیض آمیز بودن نپذیرفته‌اند اما شمار زیادی از اصناف و مشاغل نیز از دریافت «اینترنت پرو» استقبال کرده و به طبقاتی کردن جامعه در برخورداری از حق طبیعی دسترسی به اینترنت دامن زده‌اند.

اکنون در شصتین روز قطع اینترنت جهانی در ایران گزارش‌های زیادی درباره خسارت‌های اقتصادی ناشی از این اقدام سرکوبگرانه جمهوری اسلامی منتشر شده است. وزیر ارتباطات در سی‌امین روز قطع اینترنت هشدار داده بود درآمد ۱۰ میلیون نفر در ایران به‌طور مستقیم و غیرمستقیم وابسته به اینترنت است و آستانه تحمل اقتصاد ایران برای قطع سراسری اینترنت ۲۰ روز بود؛ با اینهمه قطع اینترنت جهانی ادامه دارد.

برآوردها نشان می‌دهد قطع اینترنت طی هشت هفته خسارتی بیش از ۲/۵ میلیارد دلار به اقتصاد ایران وارد کرده است. مقامات دولتی بیکاری دو میلیون نفر را در پی قطع اینترنت تأیید کرده‌اند اما تحلیلگران اقتصادی این رقم را ۴ میلیون نفر برآورد کرده و معتقدند شمار بیکارشدگان در هفته‌های آینده افزایش نیز خواهد یافت.

در این میان اما آنچه کمتر در گزارش‌ها در رابطه با پیامدهای قطع اینترنت مورد توجه قرار گرفته اثرات روانی و روحی آن بر شهروندان است. قطع ناگهانی ارتباطات و دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و ایجاد مشکلاتی در روند زندگی روزمره‌ای که وابستگی قابل توجهی به اینترنت دارد به فشاری مضاعف بر شهروندانی تبدیل شده که در شرایط جنگی با فقر و عدم امنیت شغلی دست‌وپنجه نرم می‌کنند

خانه‌نشین شدن به قطع اینترنت ارتباط دارد: «در کرونا ما مدت خیلی طولانی‌تری را در خانه بودیم اما خیلی هم با این خانه ماندن حال کردیم. کلی فیلم دیدیم. اتاق کارمان را رنگ کردیم و روزهای خوبی را گذرانیم اما قطع اینترنت در یک سازوکار عجیبی ما را خشمگین و بی‌طاقت کرده بود.» بهار می‌گوید از هفته سوم جنگ متوجه شد افسرده شده است و بعد از تماس با یکی از دوستانش که روانپزشک است و توضیح حالات و وضعیتش برای او سرتراپین تجویز شده و همچنان در حال مصرف این داروی ضد افسردگی است. بهار و امیر می‌گویند همسایه آنها هم دچار آسیب شده و روزهای پی‌درپی آنها از خانه همسایه‌ای که در طول سه سال صدایی از مشاخره آنها نشنیده بودند، صدای جر و بحث می‌شنیدند.

روایت این چند شهروند به روشنی نشان می‌دهد سرکوب عمومی جامعه به محرومیت آنها از حق دسترسی به اینترنت چطور روح و روان و امید را میان اعضای مختلف جامعه به بازی می‌گیرد. موضوعی که از سوی کارشناسان نیز تأیید می‌شود و توضیح می‌دهند که عدم دسترسی به اینترنت، سرخوردگی و تحقیر ناشی از قطع اینترنت به‌عنوان اقدامی سرکوبگرانه از سوی حکومت، بی‌خبری و احساس ناکامل بودن و انزوا، از جمله مواردی هستند که سبب افزایش شدید اضطراب در فرد، اختلال در خواب، افزایش تحریک‌پذیری عصبی می‌شوند. برخی کارشناسان این عوارض را مشابه عوارض روانی ناشی از تحمل زندان برای زندانیان می‌دانند.

دیدن یوتیوب و سرگرم شدن با اینستاگرام می‌گرداند. رضا می‌گوید: «وضعیت روحی ریحانه در این دو ماه که اینترنت قطع بود بدتر شده و به طور مشخص ناامیدی وجودش را فرا گرفته طوریکه حتی روزهای اولی که از ابتلایش به سرطان خون مطلع شده بود اینقدر ناامید نبود که حال است و در آخرین ویزیتی که با پدر و مادرم دکترش را دیده بود دکترش از کند شدن روند بهبود ریحانه خبر داده بود.»

بهار و امیر زوج جوانی هستند که در گفتگو با «کیهان لندن» می‌گویند قطع اینترنت در روزهای خانه‌نشین شدن اجباری در شرایط جنگ برای بهار که گرافیست و امیر که مدیر داخلی یک کافی‌شاپ بوده آنها را به مرز فروپاشی روانی کشانده است.

این زوج ساکن تهران می‌گویند توان مالی برای رفتن به محلی امن را نداشتند و ناچار در آپارتمان ۵۰ متری‌شان در شرق تهران مانده بودند؛ منطقه‌ای که به گفته آنها حملات زیادی را در جریان جنگ تجربه کرد و شیشه‌های پنجره خانه کوچک آنها هم از موج حملات در امان مانده است و در هفته دوم جنگ پس از یک انفجار در کوچه پشت خانه‌شان شکسته است.

بهار می‌گوید ما معمولاً رابطه سازنده و آرامی با هم داشتیم و امیر برای من آدم امنی بود اما در خانه ماندن و قطع اینترنت من را به شدت عصبی کرده بود و چندین بار با هم مشاخره داشتیم. امیر معتقد است موضوع اختلاف میان آنها بیش از

اینست از نظر مالی به والدینم وابسته نباشم هم به شدت در این مدت افزایش پیدا کرد. برای چند بار اتصال حدود نیم ساعته به اینترنت بیش از ۷ میلیون تومان هزینه کرده‌ام. از طرف دیگه بعد از سبک شدن حملات برای دیدار با دوستانم چند بار کافی‌شاپ رفتیم که حُب همین هم چند میلیون تومان به هزینه‌های من اضافه کرد.»

قطع ارتباطات برای بسیاری از شهروندان به‌عنوان یکی از پررنگ‌ترین آثار قطع اینترنت به تجربه تلخی تبدیل شده است. فرشته ۷۲ ساله که تنها زندگی می‌کند هم در توصیف روزهایی که در دو ماه گذشته با قطع اینترنت گذرانده به «کیهان لندن» می‌گوید «انگار ته یک چاه افتاده‌ام که صدایم به کسی نمی‌رسد و دنیایم خاموش و بی‌صدا شده است.» او می‌گوید مانند بخش زیادی از مردم برنامه‌های صداوسیما را نمی‌بیند. شبکه‌های ماهواره‌ای هم به علت شیوه پوشش اخبار اضطراب‌زا بوده و مدت کمی در طول روز را کانال‌های ماهواره‌ای تماشا می‌کرده است. «همه دلخوشی من ارتباط با فرزندانم و نوه‌هایم در خارج از ایران بود که نه تنها دلخوشی‌ام از من گرفته شد بلکه قطع ارتباط با بچه‌ها به شدت مضطربم کرد و دچار حملات پنیک می‌شدم.»

او به‌عنوان سالمندی که تنها زندگی می‌کند با گروه دیگری از سالمندان در پارک محل جمع می‌شدند و یک دوره مهمانی داشتند و می‌گویند شرایط جنگی همین سرگرمی‌های کوچک را هم از او و دوستانش گرفته و حتی به علت شرایط در روزهای قطع اینترنت که همزمان با مباران بوده ناچار بوده در خانه بماند و حتی برای خرید مایحتاج روزانه هم از خانه خارج نمی‌شد و از طریق پیک سوپرمارکت و میوه‌فروشی خریدهایش را دریافت می‌کرده است و در ۴۰ روز جنگ فقط دو بار برای خرید دارو از خانه خارج شده است.

برای سیامک ۴۰ ساله و متأهل اما آنطور که توضیح می‌دهد تحقیر ناشی از قطع اینترنت به خشمی انباشته در وجودش تبدیل شده است. او مهندس عمران است و در یک پروژه انبوه‌سازی مشغول فعالیت بوده که از ابتدای جنگ تا کنون پروژه تعطیل و او در حالت تعلیق کاری به سر می‌برد. سیامک به «کیهان لندن» می‌گوید: «قطع اینترنت به شدت احساس تحقیرشدگی به من داد. چون نمی‌فهمیدم چرا باید من شهروند مجازات شوم و از یک حق کاملاً طبیعی یا به قول خودشان «مسلم» محروم باشم؟ چون جنگ است؟ چرا هزینه جنگ را من باید همه جوره پرداخت کنم؟ چون بخش امنیتی حکومت سوراخ بوده و حالا می‌ترسد اینترنت را وصل کند؟ به من چه؟ مگر اینترنت اسرائیل و دبی و حتی لبنان در همین جنگ قطع شده بود؟»

سیامک و نگار هر دو می‌گویند از اینترنت ملی و پیام‌رسان‌های داخلی استفاده نمی‌کرده و نخواهند کرد. آنها بی‌اعتمادی به جمهوری اسلامی و عدم کارایی درست و با کیفیت این شبکه‌ها را از دلایل عدم استفاده از این شبکه‌ها بیان می‌کنند. سیامک می‌گوید «همین برنامه‌های جمهوری اسلامی هم تمسخر ما شهروندان است و جمهوری اسلامی ما را در جغرافیای ایران اسیر کرده است. نه فقط برای نداشتن اینترنت. کار و شغل و درآمد و زندگی و روابطمان و همه چیزمان را مثل اسرای جنگی در اردوگاه تحت نظر و اراده خودش قرار می‌دهد.»

ابعاد دشواری و فشار وارد شده به شهروندان با قطع اینترنت گسترده است. رضا ۳۷ ساله و مجرد می‌گوید خواهرش ۳۹ ساله و دچار سرطان است و ماه‌هاست در «رختخواب‌نشین» شده است. رضا می‌گوید تنها دلخوشی خواهرم اینترنت بود و همه روزهایی که با حال نزار روی تخت خوابیده و توان بلند شدن ندارد را به خواندن کتاب و

تجمع مقابل سفارت اسرائیل در لندن همزمان با صدمین روز انقلاب شیروخورشید



تجمع در برابر سفارت اسرائیل و راهپیمایی بسوی سفارت جمهوری اسلامی

اینترنت صدایشان خاموش شده است. شرکت‌کنندگان همچنین با سر دادن شعار تلاش کردند مقامات دولت‌های اروپایی و بریتانیا و آمریکا را آگاه کنند که حق دسترسی مردم ایران به اینترنت جهانی به اندازه اثرات اقتصادی ناشی از بستن تنگه هرمز اهمیت دارد و دولت‌های غربی باید برای ایجاد دسترسی اینترنت به مردم ایران اقدام کنند.

تجمع‌کنندگان تأکید کردند ممنوعیت صدای ایرانیان مخالف رژیم در داخل باعث شده تا عده‌ای دست‌چین شده که با «سیم کارت سفید» به اینترنت جهانی دسترسی دارند نظرات خود را به جای نظرات مردم ایران به جهان القا کنند.

در پانزدهمین هفته‌ی انقلاب ملی شیروخورشید، ایرانیان ساکن لندن روز شنبه ۱۸ آوریل ۲۰۲۶، برابر با ۲۹ فروردین ۱۴۰۵، برای ششمین بار در طول سه ماه گذشته در مقابل سفارت اسرائیل تجمع کردند. این تجمع در حالی برگزار شد که شاهزاده رضا پهلوی در بیانیه‌ای درباره صدمین روز بعد از فاجعه کشتار خیابانی دی ماه ۱۴۰۴ تأکید کرد «امیدوارم جهان در کنار ما باشد؛ اما چه باشد و چه نباشد، مبارزه ما ادامه خواهد یافت و ما ایران را آزاد خواهیم کرد.» شرکت‌کنندگان در این تجمع تلاش کردند صدای مردم درون ایران باشند که از نهم اسفندماه و با قطع سراسری

چرا حامیان جمهوری اسلامی در لندن آزادانه نفرت پراکنی می‌کنند؟



برخورد می‌کند. چهارشنبه گذشته، در خیابان‌های لندن، گروهی از ایرانیان حامی این رژیم با سر دادن شعارهای «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» تجمع کردند. آنها تصویری از سید علی خامنه‌ای، مردی که دستور کشتار ده‌ها هزار ایرانی را صادر کرد، در دست داشتند.

این گروه، هرچند در مقایسه با معترضان که شعار حمایت از سقوط رژیم اسلامی را سر می‌دادند کوچک‌تر بود، اما حامل پیامی روشن و صریح بود؛ سیاستی برای نابودی دو کشور: اسرائیل و ایالات متحده. رژیم اسلامی دهه‌هاست که این هدف را دنبال می‌کند. به یاد دارم که کودکان در مدارس ایران مجبور به سر دادن این شعار بودند؛ و ما آن را به صورت علنی در لندن شنیدیم. همین سیاست بود که باعث شد ایران از حماس حمایت مالی کند؛ گروهی که حمله ۷ اکتبر را انجام داد. ایران همچنین از بسیاری از حملات علیه جوامع یهودی و ایرانی در بریتانیا و فراتر از آن حمایت کرده است. با این حال، افسران پلیس متروپولیت تنها نظاره‌گر بودند، در حالی که این افراد در حمایت از رژیم اسلامی شادی می‌کردند.

ممکن است پلیس متروپولیت بر این باور باشد که طبق قانون حقوق بشر ۱۹۹۸، حق اقدام به گونه‌ای که آزادی بیان این گروه را محدود کند، ندارد. اگر چنین است، باید از آنها خواسته شود که بقیه این قانون را مطالعه کنند، که به‌وضوح مرزهای آزادی بیان را تعیین می‌کند:

«اعمال این آزادی‌ها، از آنجا که با وظایف و مسئولیت‌هایی همراه است، ممکن است تابع تشریفات، شرایط،

کرده‌اند؛ برخی احتمالاً شهروند بریتانیایی هستند؛ آنها شبکه‌ای از باندهای مجرمانه در بریتانیا دارند و تهدیدی برای امنیت ملی بریتانیا محسوب می‌شوند. نخست‌وزیر باید با ممنوع اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (IRGC) مسئولیت‌پذیری نشان دهد.

زمانی که سپاه در فهرست گروه‌های تروریستی قرار بگیرد، هرگونه اقدامی در انگلستان که بخواهد از سپاه حمایت کند، ولو فقط در دست‌گرفتن یک عکس باشد، می‌تواند جرم جنایی محسوب شود. بسیار مهم است که ایرانیان مقیم انگلستان به دولت برای شناسایی افراد وابسته به سپاه و عملکردهایشان در انگلستان کمک کنند.

برای سال‌ها، بریتانیا یکی از مدافعان اصلی آزادی بیان بوده است. من نیز که در کشوری چون ایران رشد کرده‌ام، جایی که پدرم تنها به دلیل انتقاد از یکی از سیاست‌های دولت زندانی شد، همواره از این اصل ارزشمند حمایت کرده‌ام. با این حال، دفاع از آزادی بیان به این معنا نیست که به ایدئولوژی‌های فاشیستی اجازه دهیم از همین آزادی برای تهدید آن استفاده کنند. از همین رو، جامعه‌ی بریتانیا همواره به‌درستی مانع از آن شده است که چنین جریان‌هایی مجال رشد یا تریبون عمومی پیدا کنند. برای نمونه، هواداران نازی هرگز اجازه‌ی برگزاری تجمع در لندن را نداشته‌اند.

اما هنگامی که پای جمهوری اسلامی ایران به میان می‌آید، به نظر می‌رسد دولت بریتانیا با تساهل و سهل‌انگاری

دفاع از آزادی بیان به این معنا نیست که به ایدئولوژی‌های فاشیستی اجازه دهیم از همین آزادی برای تهدید آن استفاده کنند. از همین رو، جامعه‌ی بریتانیا همواره به‌درستی مانع از آن شده است که چنین جریان‌هایی مجال رشد یا تریبون عمومی پیدا کنند.

چهارشنبه گذشته، در خیابان‌های لندن، گروهی از ایرانیان حامی این رژیم با سر دادن شعارهای «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» تجمع کردند. آنها تصویری از سید علی خامنه‌ای، مردی که دستور کشتار ده‌ها هزار ایرانی را صادر کرد، در دست داشتند.

سر دادن شعار مرگ علیه متحدان بریتانیا، مسئله‌ای مرتبط با امنیت ملی است. همچنین اعتبار و امنیت شهروندان آمریکایی و اسرائیلی را به خطر می‌اندازد؛ با این حال اجازه‌ی ادامه یافت.

شاید پلیس متروپولیت متوجه منظور این شعارها نشده باشد، زیرا به زبان فارسی بیان می‌شد. این موضوع پرسش جدی‌تری را مطرح می‌کند؛ هنگام صدور مجوز برای چنین تجمع‌هایی چه اقدامات و رویه‌هایی بکار گرفته می‌شود و چگونه بر آنها نظارت می‌شود؟

پلیس متروپولیت از پول عمومی برای دفاع از امنیت و تمامیت سفارت ایران و کارکنان آن استفاده کرده است. با این حال، در متوقف کردن اقداماتی که موجودیت دو ملت را روابط نزدیک با بریتانیا را تهدید می‌کند، ناکام مانده است.

حامیان جمهوری اسلامی آزادانه به بریتانیا مهاجرت

حمله با چاقو به دو شهروند یهودی نزدیک یک کنیسه در لندن



ثبت لحظه حمله ضارب به عابر در لندن با چاقو

مدار بسته لحظه حمله ضارب به دو عابر را ثبت کردند. ضارب ۴۵ ساله که به ظن اقدام به قتل دستگیر شده، همچنین قصد چاقو زدن به ماموران پلیس را داشت که با شوکر برقی ماموران بازداشت شد.

پلیس متروپولیتن گفت اعلام کرد مظنون حمله با چاقو به عابران در محله یهودی‌نشین شمال این شهر سابقه خشونت و مشکلات سلامت روانی داشته و این اقدام را هولناک و علیه جامعه یهودی خواند.

سخنگوی کاخ باکینگهام به نقل از پادشاه بریتانیا چارلز سوم در واکنش به این حمله تروریستی اعلام کرد «اعلیحضرت به‌طور کامل در جریان امور قرار دارد و طبیعتاً عمیقاً نگران است، به‌ویژه درباره تأثیر این موضوع بر جامعه یهودیان. افکار و دعاهای او با دو فردی است که مجروح شده‌اند و از صمیم قلب از کسانی که با از خودگذشتگی برای کمک به آن‌ها شتافتند، قدردانی می‌کند.» پادشاه بریتانیا برای سفر چهار روزه به آمریکا رفته است.

در هفته‌های اخیر تهدیدات فیزیکی علیه یهودیان در بریتانیا به شدت افزایش پیدا کرد. پیش‌تر نزدیک همین محل چهار آمبولانس یک سازمان خیریه یهودیان در لندن به آتش کشیده شدند.

از اصلی‌ترین مظنونین این حملات اوپاش و عناصر بدسابقه‌ای هستند که در ازای پول از هوامل حکومت ایران مرتکب این اقدامات می‌شوند. منابع امنیتی بریتانیا به شهروندان یهودی و همچنین مخالفان حکومت درباره افزایش اقدامات تروریستی هشدار داده‌اند.

● منابع بریتانیایی چهارشنبه ۲۹ آوریل (۹ اردیبهشت) گزارش دادند در پی حمله یک مرد با چاقو به عابران در محله «گولدرز گرین» در شمال لندن، دو مرد یهودی زخمی شدند.

● ضارب ۴۵ ساله که به ظن اقدام به قتل دستگیر شده، همچنین قصد چاقو زدن به ماموران پلیس را داشت که با شوکر برقی ماموران بازداشت شد.

● سخنگوی کاخ باکینگهام به نقل از پادشاه بریتانیا چارلز سوم در واکنش به این حمله تروریستی اعلام کرد «اعلیحضرت به‌طور کامل در جریان امور قرار دارد و طبیعتاً عمیقاً نگران است، به‌ویژه درباره تأثیر این موضوع بر جامعه یهودیان. افکار و دعاهای او با دو فردی است که مجروح شده‌اند و از صمیم قلب از کسانی که با از خودگذشتگی برای کمک به آن‌ها شتافتند، قدردانی می‌کند.» پادشاه بریتانیا برای سفر چهار روزه به آمریکا رفته است.

منابع بریتانیایی چهارشنبه ۲۹ آوریل (۹ اردیبهشت) گزارش دادند در پی حمله یک مرد با چاقو به عابران در محله «گولدرز گرین» در شمال لندن، دو مرد یهودی زخمی شدند. به گفته شاهدان عینی، مردی در خیابان اصلی منطقه در حال دویدن بود و سعی داشت به یهودیان این منطقه چاقو بزند.

یکی از ساکنان محل گفت که به یک مرد در بیرون مغازه‌ها و دیگری در مقابل یک کنیسه با چاقو حمله شد. دوربین‌های

محدودیت‌ها یا مجازات‌هایی باشد که به موجب قانون مقرر شده و در یک جامعه دموکراتیک ضروری است؛ در راستای منافع امنیت ملی، تمامیت ارضی یا امنیت عمومی، برای جلوگیری از بی‌نظمی یا جرم، برای حفاظت از سلامت یا اخلاق، برای حفاظت از حیثیت یا حقوق دیگران، برای جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه، یا برای حفظ اقتدار و بی‌طرفی دستگاه قضایی.»

سر دادن شعار مرگ علیه متحدان بریتانیا، مسئله‌ای مرتبط با امنیت ملی است. همچنین اعتبار و امنیت شهروندان آمریکایی و اسرائیلی را به خطر می‌اندازد؛ با این حال اجازه‌ی ادامه یافت.

شاید پلیس متروپولیتن متوجه منظور این شعارها نشده باشد، زیرا به زبان فارسی بیان می‌شد. این موضوع پرسش جدی‌تری را مطرح می‌کند؛ هنگام صدور مجوز برای چنین تجمع‌هایی چه اقدامات و رویه‌هایی بکار گرفته می‌شود و چگونه بر آنها نظارت می‌شود؟

پلیس متروپولیتن از پول عمومی برای دفاع از امنیت و تمامیت سفارت ایران و کارکنان آن استفاده کرده است. با این حال، در متوقف کردن اقداماتی که موجودیت دو ملت با روابط نزدیک با بریتانیا را تهدید می‌کند، ناکام مانده است.

شاید پلیس از اقدام قضایی دیگری نگران باشد. در ماه فوریه، دادگاه عالی حکم داد که ممنوعیت گروه اقدام برای فلسطین، «Palestine Action» غیرقانونی بوده و دولت مجبور شده است علیه آن تصمیم درخواست تجدیدنظر بدهد. هر دلیلی که برای این ناکامی پلیس متروپولیتن وجود داشته باشد، گروه‌هایی که از طریق اقدامات و وابستگی‌های خود امنیت ملی و سیاست عمومی بریتانیا را تهدید می‌کنند، باید ممنوع شوند.

حامیان جمهوری اسلامی آزادانه به بریتانیا مهاجرت کرده‌اند؛ برخی احتمالاً شهروند بریتانیایی هستند؛ آنها شبکه‌ای از باندهای مجرمانه در بریتانیا دارند و تهدیدی برای امنیت ملی بریتانیا محسوب می‌شوند. نخست‌وزیر باید با ممنوع اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (IRGC) مسئولیت‌پذیری نشان دهد. اگر سپاه پاسداران از پیش ممنوع اعلام شده بود، افرادی که تصویر خامنه‌ای را در لندن حمل می‌کردند، شاید نمی‌توانستند به راحتی چنین کاری انجام دهند. نخست‌وزیر بالاخره اعلام کرده که در نشست بعدی مجلس این کار را خواهد کرد. این اقدام پس از آن انجام شد که برخی از کارمندان وزارت خارجه تغییر کردند.

اما کار ایرانیان آزادیخواه در لندن بسیار مهم است. از آنجایی که پلیس انگلستان فارسی بلد نیست، هرگونه شعاری که نفرت‌پراکنی کند را ایرانیان می‌توانند به پلیس گزارش بدهند. بسیار مهم است که همان‌جا برای افسران پلیس ترجمه‌ی درست این شعارها انجام شود و سپس گزارشی رسمی درباره‌ی آن به پلیس داده شود؛ یا از طریق وبسایت آنها و یا از طریق تماس گرفتن با ۱۱۱.

زمانی که سپاه در فهرست گروه‌های تروریستی قرار بگیرد، هرگونه اقدامی در انگلستان که بخواهد از سپاه حمایت کند، ولو فقط در دست گرفتن یک عکس باشد، می‌تواند جرم جنایی محسوب شود. بسیار مهم است که ایرانیان مقیم انگلستان به دولت برای شناسایی افراد وابسته به سپاه و عملکردهایشان در انگلستان کمک کنند.

منبع: مجله اسپکتیتور

نویسنده: عطیه فرد فعال حزب محافظه‌کار

ترجمه: کیهان لندن

گفتگوی «کیهان لایف» با سیاوش اجلائی، برنده جایزه جهانی عکاسی سونی



در این عکس، پلاستیک سیاه پوشاندهی چهره زن، نشانه‌ی «افکار تیره و تحمیل باورها» دانسته شده و بادکنک سرخی که به زمین سقوط می‌کند، می‌تواند «امید از دست رفته» او باشد. پس زمینه، یادآور جامعه‌ی شهری ایران است. صحنه‌ای که اعتراضات اخیر زنان در آن شکل گرفته و «لباس و لب‌های سرخ»، بهای خونینی را تداعی می‌کند که زنان پرداخته‌اند. © سیاوش اجلائی، ایران، برنده‌ی بخش خلاقیت، مسابقه آزاد، جوایز جهانی عکاسی سونی ۲۰۲۶

عکس «امید ازدست رفته» تصویری نمادین است که فشارهای اجتماعی و روانی، و نیز بار عاطفی تحمیل شده بر زنان ایرانی در سال‌های اخیر را بازتاب می‌دهد. پلاستیک سیاه که بخش عمده‌ای از چهره را می‌پوشاند، نمادی است از افکار تاریک و تحمیل باورها و روایت‌های غالب که هویت و آزادی فردی را محدود می‌سازند. بادکنک سرخی که در حال به زمین افتادن است،

اجلائی، همزمان در فهرست نهایی ۱۰ عکاس نامزد «عکاس برگزیده‌ی سال» در بخش آزاد نیز حضور داشت. جایزه‌ای که اوایل همین ماه اهدا شد. این عکاس در گفتگویی با «کیهان لایف» به پرسش‌ها، پاسخ داده است.

● در مورد اثر «امید از دست رفته» توضیح دهید و بفرمایید چه مفهومی را در آن دنبال کرده‌اید؟

● سیاوش اجلائی، عکاس ایرانی ساکن کرج، با اثر مفهومی «امید از دست رفته» در میان بیش از ۴۳۰ هزار عکس ارسالی از بیش از ۲۰۰ کشور، برنده‌ی بخش «خلاقیت» در جوایز جهانی عکاسی سونی ۲۰۲۶ شد.

● اجلائی، همزمان در فهرست نهایی ۱۰ عکاس نامزد «عکاس برگزیده‌ی سال» در بخش آزاد نیز حضور داشت. جایزه‌ای که اوایل همین ماه اهدا شد.

● اثر برنده‌ی او با عنوان «امید ازدست رفته»، ادای دینی است به زنان ایرانی. تصویری که از میان بیش از ۴۳۰ هزار عکس ارسالی از سوی عکاسان بیش از ۲۰۰ کشور به بخش آزاد برگزیده شد.

● عکس «امید ازدست رفته» تصویری نمادین است که فشارهای اجتماعی و روانی، و نیز بار عاطفی تحمیل شده بر زنان ایرانی در سال‌های اخیر را بازتاب می‌دهد.

● سیاوش اجلائی: کار من درباره‌ی وضعیت معاصر زنان در ایران همگام با تحولات گسترده اجتماعی شکل می‌گرفت. آگاهانه سعی می‌کردم این دگرگونی‌ها را بصورت مرحله‌ای و مفهومی به تصویر بکشم. من تحت تأثیر این تحولات گریزناپذیر قرار گرفتم و سخت تلاش کردم آن را با زبان تصویر نشان دهم.

● عکاسی می‌تواند به سکویی برای اثرگذاری اجتماعی بدل شود. جایی که هنر نه صرفاً محصولی زیباشناختی، بلکه ابزاری برای آگاهی‌بخشی، برانگیختن حساسیت‌ها و ارتقای نگرش جامعه عمل می‌کند.

کتی بیگلری - سیاوش اجلائی، عکاس ایرانی ساکن کرج، با اثر مفهومی «امید از دست رفته» در میان بیش از ۴۳۰ هزار عکس ارسالی از بیش از ۲۰۰ کشور، برنده‌ی بخش «خلاقیت» در جوایز جهانی عکاسی سونی ۲۰۲۶ شد؛ موفقیتی که نه تنها یک افتخار هنری برای ایران، بلکه بازتابی جهانی از روایت زنان ایرانی و رنج‌ها، مقاومت‌ها و امیدهای زخمی آنان است. اجلائی در گفتگویی با کیهان لایف، این تصویر را نمادی از فشارهای اجتماعی، محدودیت هویت فردی و بهای سنگینی دانست که زنان ایران برای کرامت و آزادی پرداخته‌اند.

در این عکس، پلاستیک سیاه پوشاندهی چهره زن، نشانه‌ی «افکار تیره و تحمیل باورها» دانسته شده و بادکنک سرخی که به زمین سقوط می‌کند، می‌تواند «امید از دست رفته» او باشد. پس زمینه، یادآور جامعه‌ی شهری ایران است. صحنه‌ای که اعتراضات اخیر زنان در آن شکل گرفته و «لباس و لب‌های سرخ»، بهای خونینی را تداعی می‌کند که زنان پرداخته‌اند.

وی که در کرج، زندگی و کار می‌کند، یکی از برندگان امسال «جایزه‌ی جهانی عکاسی سونی» است. مجموعه‌ای معتبر از جوایز، که روایت‌های روزگار ما را در کانون توجه قرار می‌دهد.

اثر برنده‌ی او با عنوان «امید ازدست رفته»، ادای دینی است به زنان ایرانی. تصویری که از میان بیش از ۴۳۰ هزار عکس ارسالی از سوی عکاسان بیش از ۲۰۰ کشور به بخش آزاد (که شرکت در آن رایگان است) برگزیده شد. این اثر در میان ده برنده‌ی دسته‌بندی‌های مختلف قرار گرفت و جایزه‌ی نخست بخش «خلاقیت» را از آن خود کرد.

→ نشانه‌ی امیدواری شکننده است که به تدریج از دست می‌رود.

پس زمینه شهری به جامعه‌ی معاصر ایران اشاره دارد. همان فضایی که زنان در آن برای دیده‌شدن، کرامت و حقوق متناسب، صدای خود را بلند کرده‌اند. پوشش سرخ رنگ و لب‌های قرمز نیز یادآور بهای سنگینی است که زنان در این مسیر پرداخته‌اند. در نهایت، این تصویر به پرتله نسلی بدل می‌شود که امکان بهبود، تغییر و امید را هرچه دورتر و کم‌رنگ‌تر می‌بیند. حالتی از سکون خاموش در آن موج می‌زند. گویی سوژه در جای خود ایستاده و گذر زمان و جریان زندگی را تماشا می‌کند، بی‌آنکه در شکل‌دادن آن نقشی داشته باشد.

● علاقه شما به عکاسی از چه زمانی آغاز شد؟ نخستین دوربین‌تان چه بود و چگونه صاحب آن شدید؟

علاقه‌ام به عکاسی از سال‌های نوجوانی آغاز شد. در دوران راهنمایی بودم که والدینم یک دوربین آنالوگ «زیت»، مشابه زیت مدل ۱۲۲ به من هدیه دادند. در آن زمان نورسنجی برایم بسیار دشوار بود و ناگزیر به جدول‌های چاپی نوردهی اتکا می‌کردم تا تنظیمات را دستی انجام دهم. به یاد دارم از مناظر، اعضای خانواده و گل‌های حیاط‌مان عکس می‌گرفتم.

در همان سال‌ها، از طریق یکی از دوستان خانوادگی، با استاد نصرالله کسرائیان، عکاس پیشکسوت آشنا شدم و افتخار میزبانی ایشان را در خانه داشتیم. او سه کتاب به من هدیه داد: یکی از عکس‌هایش از دماوند، دیگری درباره‌ی عشایر ایران و سومی «عکاسی کامل» اثر آندریاس فاینینگر که خود استاد ترجمه کرده بود. این کتاب‌ها الهام‌بخش من شدند، هرچند پیچیدگی مفاهیم فنی فاینینگر مدتی مرا از عکاسی دور کرد.

این دوره پیش از ورودم به دانشگاه و همزمان با ورود دوربین‌های دیجیتال به ایران، در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ بود. چند سال بعد، خانواده‌ام یک دوربین نیمه‌حرفه‌ای «بریج» بعنوان هدیه تولد برایم خریدند، اما متأسفانه کوله‌پشتی حاوی آن از صندوق عقب ماشینم به سرقت رفت و وقفه‌ای دیگر در کارم پدید آمد.

در سال ۲۰۱۰ با پس‌انداز شخصی و حمایت خانواده، یک دوربین «گنون ای او اس ۶۰۰ دی اس ال آر» که به «کیس ایکس ۵» هم معروف است خریدم و این نقطه آغاز جدی مسیر عکاسی من بود. سپس در سال ۲۰۱۶ با کوشش فراوان یک پله بالاتر رفتم و یک دوربین «نیکون دی ۷۵۰» خریداری کردم. اخیراً هم یک «نیکون زد ۶ دوم، بدون آینه تهیه کرده‌ام.

حالا که به گذشته نگاه می‌کنم، همان دزدیده‌شدن دوربین «بریج» تأثیری انکارناپذیر بر مسیر حرفه‌ای من گذاشت. خلأ ایجاد شده، اشتیاقم را بیشتر کرد و خرید دوربین حرفه‌ای مرا واداشت تا عکاسی را بصورت سیستماتیک یاد بگیرم. به کلاس‌ها و کارگاه‌ها رفتم و کتاب‌های تخصصی بسیاری را با ولع مطالعه کردم.

● نخستین موفقیت مهم حرفه‌ای شما چه بود؟

احتمالاً مدال طلای کمال‌الملک در چهارمین جشنواره بین‌المللی عکس خیام در سال ۲۰۱۷ که نخستین ارایه عمومی آثارم نیز محسوب می‌شد. حضور در نمایشگاه‌های گروهی، چه رسد به برگزاری نمایشگاه انفرادی، همواره با دشواری همراه بوده است. دلیل آن، عبور نکردن بسیاری از آثارم از لایه‌های متعدد مجوزهاست. بعنوان نمونه، چند سال پیش ناچار شدم ۱۴

عکس ارایه کنم تا شاید یکی برای نمایشگاه گروهی تأیید شود. تصاویر از نظر پوشش مشکلی نداشتند، اما از حیث محتوا ایراد گرفته شد. هنوز عین کلمات سانسورچی در خاطر هست: «عکس‌هایی که کاملاً درباره‌ی میدان آزادی باشند، رد خواهند شد.» رؤیای من برگزاری یک نمایشگاه انفرادی، در داخل یا خارج از ایران است.

● کدامیک از جوایز شما بیشترین تأثیر را بر مسیر حرفه‌ای‌تان داشته است؟

سه جایزه تأثیر قابل توجهی داشتند. اندکی پس از جشنواره خیام، نخستین جایزه‌ی نقدی مهم خود را که هزار دلار بود در جشنواره «آرل ترکیه» دریافت کردم. در سال ۲۰۲۲، راه یافتن به فهرست نهایی بخش پرتله در جوایز سونی از نظر اعتبار حرفه‌ای اهمیت داشت. در سال ۲۰۲۴ نیز انتشار مقاله‌ای درباره‌ی آثارم در «مجله آرت مارکت» برایم بیش از یک جایزه، دستاوردی معنوی بود. مقاله‌ای که مسیر عکاسی من در بازمانی نقش نسل نوین زنان ایرانی در جنبش‌های اجتماعی را تحلیل می‌کرد.

● در آغاز از اعضای خانواده‌تان عکاسی می‌کردید. اکنون سوژه‌های خود را چگونه انتخاب می‌کنید؟

در نیمه دوم سال ۲۰۱۹ تمرکز کارم به سوی نسل جوان زنان ایرانی تغییر یافت. ابتدا از دوستان و آشنایان استفاده می‌کردم، سپس به سراغ مدل‌های غیرحرفه‌ای و گاه حرفه‌ای رفتم. تصاویر گروه نخست واقع‌گرا تر و به سلیقه‌ام نیز نزدیک‌تر بود.

به مرور زمان معیار انتخابم از ظاهر فیزیکی به ذهنیت، نگاه و سبک زندگی سوژه‌ها تغییر کرد. برای ارتباط، بیشتر از اینستاگرام استفاده می‌کنم.

مدل عکس «امید ازدست رفته»، «انیس» بود. دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی صنعتی دانشگاه تهران. دختری باهوش و آگاه به مسائل روز، که انتخابی مناسب برای اجرای این پروژه بود.

● جنبش «زن، زندگی، آزادی» چه تأثیری بر کار شما گذاشت و چطور دیدگاه شما را تغییر داد؟

کار من درباره‌ی وضعیت معاصر زنان در ایران همگام با تحولات گسترده اجتماعی شکل می‌گرفت. آگاهانه سعی می‌کردم این دگرگونی‌ها را بصورت مرحله‌ای و مفهومی به تصویر بکشم. من تحت تأثیر این تحولات گریزناپذیر قرار گرفتم و سخت تلاش کردم آن را با زبان تصویر نشان دهم.

● وضعیت امروز عکاسان در ایران چگونه است و چه چالش‌هایی دارند؟ آیا می‌توانید به آسانی سفر کنید و عکس بگیرید؟

وضعیتی ترکیبی از فرصت و محدودیت است. مهمترین نگرانی، فشار اقتصادی است. هزینه‌ی تجهیزات تابع نرخ دلار است. حال آنکه درآمد یک عکاس اگر از آن برخوردار باشد، به پول ملی دریافت می‌شود. این فشار برای عکاسان هنرهای زیبا که غالباً بازار تجاری پایداری ندارند، سنگین‌تر است.

در کنار مسائل اقتصادی، محدودیت‌ها و حساسیت‌هایی نیز در انتشار عکس‌ها وجود دارد. تصویر و موضوع باید در چارچوب‌های معینی بگنجد تا پیامدهای حقوقی در پی نداشته باشد. فضا نسبت به گذشته، اندکی ملایم‌تر شده، اما هنوز گاه شاهد تعلیق موقت صفحات همکاران در شبکه‌های اجتماعی هستیم.

عکاسی در فضاهای عمومی نیز بسته به موضوع و زمینه، با محدودیت‌هایی همراه است. با این همه، عکاسان معمولاً راه‌هایی برای سازگاری و ادامه‌ی کار پیدا می‌کنند. در مجموع، عکاسان ایرانی آموخته‌اند با انعطاف، خلاقیت و آگاهی از حساسیت‌های محیطی در این فضا فعالیت کنند. همین شرایط به نوعی به شکل‌گیری زبانی بصیری استعاری‌تر و چندلایه‌تر انجامیده است.

● شما دارای مدرک کارشناسی ارشد مدیریت نوآوری از دانشگاه صنعتی امیرکبیر هستید. آیا در این حوزه فعالیت می‌کنید یا به تدریس و عکاسی مشغولید؟

دوره راهنمایی و دبیرستان را در سازمان ملی پرورش استعدادها درخشان (سمپاد) در کرج گذراندم. در سال ۲۰۰۹ بعنوان یکی از نخستین ورودی‌های رشته‌ی مدیریت نوآوری و فناوری در دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی‌تکنیک تهران) پذیرفته شدم.

در حوزه‌ی مدیریت فناوری مشغول به کارم و در کنار آن، عکاسی را بصورت جدی دنبال می‌کنم. بخش عمده‌ی کارهای عکاسی‌ام، در تعطیلات آخر هفته یا تعطیلات عمومی انجام می‌شود.

در هفت سال گذشته، کانالی در تلگرام با بیش از ۴۶۰۰ عضو حرفه‌ای را مدیریت کرده‌ام که به جشنواره‌ها و مسابقات بین‌المللی عکاسی اختصاص دارد. در این بستر، فراخوان‌های عمومی منتشر می‌شود و آثار برگزیده از سوی منتقدان باتجربه از حیث ارزش‌های فنی و هنری مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. این نقدها در قالب کتابچه به صورت «پی دی اف» گردآوری و منتشر می‌شود که تاکنون سه شماره از آن انتشار یافته و چهارمین شماره نیز در دست تهیه است.

همچنین به تدریس دوره‌های نورپردازی، عکاسی پرتله، ریتاچ، و کارگاه‌های عکاسی صحنه پردازی شده، ایده‌پردازی و نوآوری مشغولم. در تمام این مسیر، حمایت خانواده‌ام نقشی بسیار مهم داشته است.

● در جهانی که شبکه‌های اجتماعی از تصویر انباشته شده‌اند، نقش عکاس چیست؟

در چنین جهانی، نقش عکاس حرفه‌ای فراتر از تولید یک تصویر زیباست. به باور من، عکاس زمانی می‌تواند اثرگذار باشد که در یک ژانر یا زمینه‌ی خاص به تسلط فنی دست پیدا کند. اگر عکاس را از منظر فرم و محتوا یا ایده و اجرا تجزیه و تحلیل کنیم، کیفیت، مهارت و توانایی خلق یک تصویر حرفه‌ای سنجیده و خوش ساخت، از اهمیت بالایی برخوردار است.

عکاسی می‌تواند به سکویی برای اثرگذاری اجتماعی بدل شود. جایی که هنر نه صرفاً محصولی زیباشناختی، بلکه ابزاری برای آگاهی‌بخشی، برانگیختن حساسیت‌ها و ارتقای نگرش جامعه عمل می‌کند. این باوری است که من پس از دوازده سال فعالیت در این حرفه‌ی پُربار به آن رسیده‌ام.

-اگر نکته‌ای برای افزودن دارید، بفرمایید.

مایلم از «کیهان لایف» و نیز استادان و همکارانی که در این مسیر پشتیبان من بوده‌اند سپاسگزاری کنم: علی سلمان، یاسر دلپاز، نصار متراقی، محمدرضا رضانیا، رامیار منوچهرزاده و آزاده اخلاقی.

منبع: کیهان لایف

ترجمه: کیهان لندن

گفتگوی «کیهان لایف» با دکتر زیبا اردلان: «توراندوت» در نمایشگاه بیناله هنر ونیز



که بعدها آثارش در مرکز پمپیدو پاریس به نمایش درآمد. در سال ۲۰۱۹، به مناسبت پانزدهمین سالگرد تأسیس پاراسول، دکتر اردلان نمایشگاهی شاخص از هنر معاصر ایران را در «بیناله هنر ونیز» برپا کرد. این نمایشگاه با عنوان «جرقه تو هستی» از پاراسول یونیت در ونیز آثاری از ۹ هنرمند، از جمله ی. ز. کامی و سیا ارمجانی، را در بر می‌گرفت. بخش دوم این نمایشگاه نیز در لندن، در مقر پاراسول، برگزار شد.

پاراسول در ژوئیه ۲۰۲۰ گالری خود در لندن را تعطیل کرد و فعالیت‌هایش را با رویکردی بین‌المللی تغییر داد. اکنون، پس از یک وقفه دو ساله، با راه‌اندازی این رویداد جانبی در بیناله هنر ونیز، بار دیگر به صحنه بازمی‌گردد.

دکتر زیبا اردلان پیش از این در زوریخ مستقر بود. جایی که به تدریس هنر مشغول بود و بعنوان مشاور هنری فعالیت داشت. او فارغ‌التحصیل رشته تاریخ هنر از دانشگاه کلمبیاست و پیش از آن که بعنوان نخستین مدیر و موزه‌دار «مؤسسه سوئسی» در نیویورک منصوب شود، در موزهی هنر آمریکایی ویتنی در نیویورک بعنوان موزه‌دار مهمان، فعالیت کرده بود. وی همچنین دارای درجهی دکتری در رشتهی شیمی فیزیک است.

«کیهان لایف» به تازگی با دکتر اردلان، دربارهی نمایشگاه پیش روی او، به گفتگو نشست است:

● انگیزه‌ی اصلی شما از شکل‌گیری نمایشگاه «توراندوت» به دختران شرقی» بعنوان یکی از رویدادهای جانبی شصت و یکمین بیناله ونیز چه بود؟

الهام اصلی، بازگشت به امری شگفت‌انگیز بود که در طی زمان، به آرامی و در سکوت بالیده و پخته شده بود؛ چیزی که بتواند به‌گونه‌ای شاعرانه، بخشی از پیوندهای تاریخی میان شرق و غرب را آشکار سازد. این ایده در زمانی

نازنین نوری - زیبا اردلان، بنیانگذار بنیاد هنر معاصر، «پاراسول یونیت» که در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۰ نمایشگاه‌هایی نوآورانه را در فضای اختصاصی خود در لندن برگزار می‌کرد، در ماه مه بار دیگر به بیناله هنر ونیز بازمی‌گردد تا نمایشگاهی را با گردآوری خود ارایه دهد که آثار ۱۱ بانوی هنرمند برجسته از آسیای مرکزی و گستره‌ای وسیع‌تر از شرق را در بر می‌گیرد.

این نمایشگاه با عنوان «توراندوت: به دختران شرقی»، که در چارچوب برنامه‌ی «رویدادهای جانبی» بیناله هنر ونیز برگزار می‌شود، از سوی بنیاد پاراسول یونیت برای هنر معاصر در بنای تاریخی «پالاتزو فرانچتی» در ونیز، از ۹ مه تا ۳۱ اکتبر برپا خواهد بود.

در این مجموعه، ویدئوی آثاری از لیدا عدیل (افغانستان)، هرا بویوک تاشچیان (ترکیه)، داریا کیم (ازبکستان) و طلا مدنی (ایران) به نمایش درمی‌آید. همچنین این نمایشگاه شامل کارهایی از افروز امیغی (ایران)، سعادت اسماعیلوا (ازبکستان) و نظیرا کریما (تاجیکستان) است.

مجموعه‌هایی از هما بهابها (پاکستان) و مونا حاطوم (لبنان) و آثاری در قالب نقاشی، ویدئو و گفتار از فریده لاشایی (ایران) و نیز کارهایی در حوزه‌ی منسوجات و صدا از مدینه جولدیک (قزاقستان) ارایه می‌شود.

دکتر زیبا اردلان در سال ۲۰۰۴ «پاراسول یونیت» را در منطقه‌ی ایزلینگتون لندن بنیان نهاد و طی ۱۶ سال، بیش از ۵۰ نمایشگاه را گردآوری و برگزار کرد. این مؤسسه به فضایی برای کشف و نمایش هنرمندان از سراسر جهان بدل شد و نقشی مؤثر در تقویت مسیر حرفه‌ای برخی از نامدارترین هنرمندان معاصر ایفا کرد. از جمله می‌توان به مونا حاطوم، هنرمند فلسطینی‌تبار، اشاره کرد که نمایشگاه انفرادی‌اش در موزه‌ی «تیت مدرن» نزدیک به یک دهه پس از حضورش در پاراسول، برگزار شد و نیز عادل عبدالصمد، هنرمند فرانسوی-الجزایری،

● نمایشگاه با عنوان «توراندوت: به دختران شرقی»، که در چارچوب برنامه‌ی «رویدادهای جانبی» بیناله هنر ونیز برگزار می‌شود، از سوی بنیاد پاراسول یونیت برای هنر معاصر در بنای تاریخی «پالاتزو فرانچتی» در ونیز، از ۹ مه تا ۳۱ اکتبر برپا خواهد بود.

● در این مجموعه، ویدئوی آثاری از لیدا عدیل (افغانستان)، هرا بویوک تاشچیان (ترکیه)، داریا کیم (ازبکستان) و طلا مدنی (ایران) به نمایش درمی‌آید. همچنین این نمایشگاه شامل کارهایی از افروز امیغی (ایران)، سعادت اسماعیلوا (ازبکستان) و نظیرا کریما (تاجیکستان) است.

● داستان «توراندوت» انگیزه و محرک نمایشگاه، در جغرافیایی ریشه دارد که فراتر از پنج کشور کنونی آسیای مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان) امتداد دارد. بنا بر روایت فردوسی (حدود ۹۴۰ تا ۱۰۲۰ میلادی)، که از او بعنوان «پدر شعر فارسی» یاد می‌شود، سرزمین «توران» همواره در پیوندی تاریخی و فرهنگی با ایران قرار داشته و در گذر سده‌ها، این قلمرو در دورانی بخش‌هایی از افغانستان، پاکستان، ایران و ترکیه امروزی را نیز دربر می‌گرفته است.

● زیبا اردلان که پیش‌تر نیز با پروژه‌هایی مانند «جرقه تو هستی» در بیناله ونیز حضور داشته، در این دوره با تمرکز بیشتر بر نقش ادبیات و شعر در فرهنگ ایرانی، سعی دارد لایه‌های تازه‌ای از تعامل فرهنگی را در یکی از مهم‌ترین رویدادهای هنری جهان به نمایش بگذارد.

● نمایشگاه «توراندوت» نه تنها به تاریخ و جغرافیای مشترک منطقه‌ای اشاره دارد، بلکه به تحولات معاصر کشورهای آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی نیز می‌پردازد؛ جایی که زنان هنرمند نقشی کلیدی در بازتعریف هویت فردی و جمعی ایفا کرده‌اند.

● مایلید بازدیدکنندگان چه پیامی از این نمایشگاه با خود برند؟

هر بازدیدکننده برداشت خاص خود را از نمایشگاه خواهد داشت، و برای من همین کافی است که اوقات خوب و پر باری را حس کنند. همچنین امیدوارم آثار ارایه شده، برایشان جذاب و تأمل برانگیز باشد و از برقراری پیوندهای تازه با تاریخ لذت ببرند.

● به چه نحو این نمایشگاه می‌تواند به گفتگوهای گسترده‌تر در هنر معاصر امروز یاری برساند؟

مسئله اصلی این است که از راه تجربه، نگاه فرهنگ‌های گوناگون به دنیا را درک کنیم و از آن بهره ببریم. برای نمونه، در کشورهای آسیای مرکزی از جمله ازبکستان، تحولات چشمگیری در جریان است. این کشورها درهای خود را به روی جهان گشوده‌اند، دوستداران هنر را از سراسر دنیا در نخستین «بینال» خود در بخارا دعوت می‌کنند و با راه‌اندازی نهادهای هنری نوین می‌کوشند وارد گفتگوی گسترده‌تر جهانی درباره‌ی هنر و فراتر از آن شوند. همه‌چیز بر محور غنا، تبادل و پیوند استوار است. امید آن است که انسان‌ها راه‌های بهتری برای زندگی در این زمانه‌ی مشترک و جهان واحد پیدا کنند.

● فضای هنری شما در لندن، «پاراسول یونیت»، شش سال پیش بسته شد و از آن پس به برگزاری نمایشگاه‌ها و پروژه‌ها در اروپا پرداخته‌اید. تجربه‌ی این دوره پس از پاراسول چگونه بوده است؟

«تورانودوت» همچنان نمایشگاهی از پاراسول یونیت است و اندیشه، خلاقیت و تلاش بسیاری صرف سازمان‌دهی آن شده است. تنها تفاوت اکنون در این است که ما نمایشگاه‌ها را صرفاً زمانی برگزار می‌کنیم که احساس کنیم گفتگویی مشخص و ضروری باید شکل بگیرد.

من این بخت را داشتم که به مدت ۱۶ سال هدایت این بنیاد را برعهده داشته باشم، اما مطمئنم شما هم با من موافق هستید که هر چیزی زمان خودش را دارد. اکنون با ریتمی متفاوت کار می‌کنم، زمان بیشتری را با خانواده‌ام می‌گذرانم و از سفر و کشف جهان در کنار نوه‌های بزرگ شده‌ام لذت می‌برم. هر روز یاد می‌گیرم که جهان را از منظری دیگر و در زمانه‌ای دیگر ببینم.

● برنامه‌ای در آینده دارید؟

بله... در پایان ماه سپتامبر، نمایشگاهی را در آتن برگزار خواهیم کرد که بر آثار هنرمند سوئیس، هایدی بوخر (۱۹۲۶-۱۹۹۳) متمرکز است. «پاراسول یونیت» در سال ۲۰۱۸ نقش مهمی در معرفی و تقویت جایگاه بین‌المللی بوخر ایفا کرد و حالا نیز با خرسندی به کاوش در سرچشمه‌های الهام و تأثیرات او ادامه می‌دهد. بوخر در تابستان‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۶۱ مدتی را در جزیره‌ی میکونوس گذراند. جزیره‌ای که در آن زمان هنوز از سادگی و آرامش زندگی بومی برخوردار بود. ماه‌هایی که او در مجاورت دریا و طبیعت سپری کرد، تأثیری عمیق بر اندیشه و آثارش گذاشت.

در این رویداد، پاراسول یونیت، مفتخر است که دو نمایشگاه را همزمان به همین مناسبت برگزار می‌کند. نخستین نمایشگاه، کوچک‌تر و متمرکز بر آثاری از بوخر است که از دوره‌ی اقامت وی در جزایر سیکلادیک الهام گرفته‌اند. نمایشگاه دوم، که گسترده‌تر خواهد بود، دعوت از چهار هنرمند زن یونانی است تا با ایده‌های هایدی بوخر درباره‌ی مفهوم خانه، دگردیسی، و البته آب و دریا وارد گفتگویی هنری شوند.

منبع: کیهان لایف

ترجمه: کیهان لندن

هم‌نام جاکومو پوچینی چنان شناخته شده است که نمی‌توان به آن فکر کرد بی‌آنکه این پرسش در ذهن شکل نگیرد که چه عاملی توجه او را به خود جلب کرده است.

سرگذشت «تورانودوت» ریشه در خیال خلاق نظامی گنجوی، شاعر ایرانی سده‌ی دوازدهم، دارد. او در سال ۱۱۹۷ میلادی منظومه‌ی عاشقانه‌ی «هفت پیکر» را سرود که بخشی از آن به دیدار بهرام‌گور پیش از اسلام با یکی از هفت شاهزاده از اقلیم‌های گوناگون می‌پردازد. این شاهزاده، «نسرین‌نوش»، زنی زیبا و هوشمند، اما به ظاهر سرد دل، از سرزمینی دور بود.

در دوران روشنگری قرن هجدهم، فرانسوا پتی دو لا کروآ (۱۶۵۳-۱۷۱۳) این روایت را ترجمه کرد و نسخه‌ای تازه از آن بوجود آورد که در آن نام «نسرین‌نوش» را به «تورانودوت» تغییر داد و شخصیت را چینی معرفی کرد. الهام دیگر از سرزمین کوچ نشین «توران» و پیوند سه هزار ساله‌ی آن با ایران همسایه سرچشمه می‌گیرد. حتی پیش از اپرای اوایل قرن بیستم پوچینی، نویسندگان اروپایی دیگری چون کارلو گوتسی، فریدریش شیلر و یوهان ولفگانگ فون گوته نیز هر یک روایت و اقتباس خاص خود از «تورانودوت» را به صحنه آورده بودند.

● عنوان اپرا از نام فارسی «توران‌دخت» به معنای «دختر توران» گرفته شده است. نامی رایج برای دختران در ایران. توران، که در گذشته بخشی جدایی‌ناپذیر از قلمرو ایران به شمار می‌رفت، ناحیه‌ای در شمال‌شرقی ایران امروز بود که بخش‌هایی از جمهوری‌های آسیای مرکزی و نیز نواحی شمالی افغانستان، پاکستان و ترکیه کنونی را دربر می‌گرفت. هنرمندانی که برای این نمایشگاه برگزیده‌اید، از همین گستره جغرافیایی‌اند. چرا تصمیم گرفتید به هنرمندان زن این منطقه ادای احترام کنید؟

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، پنج کشور قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان به استقلال رسیدند، اما در مسیر شکل دادن به آینده‌ی خود از پشتیبانی و راهنمایی چندانی برخوردار نبودند. آن دوران، زمانه‌ای دشوار برای بازتعریف هویت فردی و ملی بود. با این‌همه، زنان این «توران‌دخت‌های» روزگار ما، بی‌تردید نقشی حیاتی و تعیین کننده ایفا کردند. بسیاری از ایده‌های نهفته در این نمایشگاه، نه معطوف به سیاست، بلکه ناظر بر هنر، شعر، فرهنگ و آموزش است. اطمینان دارم بازدیدکنندگان، زیبایی سیر تحول «تورانودوت» و پیوندهای میان شرق و غرب را به خوبی درک خواهند کرد. همچنین هنرمندان این منطقه تنها در سال‌های اخیر توجهی که شایسته‌ی آن هستند، پیدا کرده‌اند، و خوشحالم که من سهمی کوچک در این روند داشته‌ام.

● آیا از پیش با هنرمندان برگزیده و آثارشان آشنایی داشته‌اید؟ آیا میان آثار آنها، وجه مشترکی وجود دارد؟

همانطور که در هر نمایشگاه گروهی معمول است، بخشی از هنرمندان کسانی‌اند که گرداننده نمایشگاه، از پیش با آثارشان آشنایی دارد و گروهی دیگر در جریان پژوهش و جستجو شناخته می‌شوند. برخی از هنرمندان حاضر در این نمایشگاه چهره‌هایی تثبیت شده‌اند که بیشتر نیز با آنان همکاری داشته‌ام. در حالی‌که برخی دیگر بسیار جوان‌اند. همین فرایند انتخاب است که نمایشگاه را جالب و گفتگو را هیجان‌انگیز می‌کند.

بعنوان وجه مشترک، امیدوارم بازدیدکنندگان در آثار «تورانودوت‌های» امروزی، حس نیرومند هدفمندی و باوری عمیق را پیدا کنند.

→ به ذهن آمد که کشورهای آسیای مرکزی به تدریج بیش از پیش در دسترس بازدیدکنندگان قرار می‌گرفتند. در هر کام، نه تنها از آنان می‌آموزیم، بلکه افق‌های تازه‌ای نیز کشف می‌کنیم.

● این سومین بار است که شما در قالب «رویدادهای جانبی» در بینال هنر ونیز حضور دارید. این تجربه را چگونه ارزیابی می‌کنید و نمایشگاه «تورانودوت» در قیاس با نمایشگاه‌های پیشین شما در ونیز چه تفاوتی دارد؟

مایه افتخار بزرگی است که سه نمایشگاه از «پاراسول یونیت» بعنوان رویدادهای جانبی «بینال ونیز» برگزیده شده‌اند. بی‌تردید هر نمایشگاه تاریخچه و تجربه خاص خود را دارد. در سال ۲۰۱۹، نمایشگاه «جرقه تویی» که در دو بخش و بطور همزمان در لندن و ونیز برگزار شد، به بررسی هنر هنرمندان معاصر ایرانی از دریچه شعر فارسی می‌پرداخت. نمایشگاه سال ۲۰۲۶ بیش از پیش به اهمیت شعر و ادبیات در فرهنگ ایرانی می‌پردازد. در این میان، نقاط مشترکی وجود دارد و نیز بُعدی آموزشی در تلاقی شرق و غرب در شهر باشکوه و تاریخی ونیز دیده می‌شود. شهری که همواره نقشی میانجی‌گر میان این دو فرهنگ ایفا کرده است. در سال ۲۰۲۲ نیز نمایشگاه گروهی بین‌المللی «آشفته، پیش‌بینی‌ناپذیر، رها» را ارایه کردیم که به بررسی جنبه‌هایی از آرت‌روی در جهان امروز می‌پرداخت. از اینکه فرصت مدیریت این نمایشگاه‌های بسیار متنوع را در ونیز داشته‌ام، بسیار سپاسگزارم.

● شما در این نمایشگاه، آثار یازده هنرمند زن برجسته از آسیای مرکزی و بخش وسیع‌تری از «شرق» را عرضه کرده‌اید. چه عاملی شما را به تمرکز بر این بخش از جهان سوق داده است؟

داستان «تورانودوت» انگیزه و محرک نمایشگاه، در جغرافیایی ریشه دارد که فراتر از پنج کشور کنونی آسیای مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان) امتداد دارد. بنا بر روایت فردوسی (حدود ۹۴۰ تا ۱۰۲۰ میلادی)، که از او بعنوان «پدر شعر فارسی» یاد می‌شود، سرزمین «توران» همواره در پیوندی تاریخی و فرهنگی با ایران قرار داشته و در گذر سده‌ها، این قلمرو در دورانی بخش‌هایی از افغانستان، پاکستان، ایران و ترکیه امروزی را نیز دربر می‌گرفته است.

تنها هنرمندی از «شرق» که خاستگاهش آسیای مرکزی نیست، مونا هاتوم است. اثر او با عنوان Hot Spot III ، ۲۰۰۹، افزوده‌ای مهم به این نمایشگاه به‌شمار می‌آید و همچنان از منظر ژئوپولیتیک، پیوندی عمیق با وضعیت کنونی جهان دارد.

این مجموعه، در کل، گفتگویی چندلایه و غنی را رقم می‌زند و در عین حال یادآور این واقعیت است که در گذشته، مرزهای سیاسی به شکل امروزی و به گونه‌ای مصنوعی ترسیم نشده بودند. پنج کشور کنونی آسیای مرکزی تنها در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۶ و در چارچوب فرایند «تعیین حدود ملی- سرزمینی» اتحاد جماهیر شوروی، صاحب مرزهای رسمی شدند. پیش از آن، شهرهای واقع در مسیرهای تجاری جاده ابریشم، هر یک بطور مستقل از اهمیت و نفوذی چشمگیر برخوردار بودند.

● چگونه به این ایده رسیدید که اپرای مشهور «تورانودوت» اثر پوچینی را بعنوان درون مایه اصلی نمایشگاه خود برگزینید؟

شخصیت خیالی «تورانودوت» یکی از الهام‌بخش‌ترین عناصر در شکل‌گیری این نمایشگاه بود. بی‌تردید اپرای

افزایش فشارهای امنیتی و قضایی بر مولوی عبدالحمید بعد از تشبیه وضعیت کنونی ایران به «بن‌بست»



مولوی عبدالحمید، امام جمعه اهل تسنن زاهدان

● وبسایت «حال‌وش» که اخبار سیستان و بلوچستان را فشارهای امنیتی و قضایی بر مجموعه مسجد مکی زاهدان و اطرافیان مولوی عبدالحمید اسماعیل‌زهی، امام جمعه زاهدان، به‌طور چشمگیری افزایش یافته است.

● «حال‌وش» به نقل از منابع آگاه نوشته مؤسسه قرض‌الحسنه «عزیزی» که از مراکز مالی مرتبط با این مجموعه به‌شمار می‌رود، توسط نهادهای ذی‌ربط پلمب شده است. این اقدام بدون ارائه توضیحات شفاف درباره دلایل آن صورت گرفته و فعالیت این مجموعه به‌طور کامل متوقف شده است.

● این گزارش همچنین از مسدود شدن حساب‌های بانکی تعدادی از نزدیکان و مرتبگان با مجموعه مسجد مکی است؛ اقدامی که به گفته منابع، بدون اطلاع قبلی و بدون ارائه مستندات قضایی روشن انجام شده و مشکلات گسترده‌ای در امور معیشتی و روزمره این افراد ایجاد کرده است.

● مولوی عبدالحمید اسماعیل‌زهی، امام جمعه اهل سنت زاهدان، هفته گذشته در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت در شرایط کنونی تنها راه نجات کشور رسیدن به «توافق عادلانه» است و افزود «تندروهایی که امروز با لجاجت مانع می‌شوند، فردا در برابر ویرانی وطن چه پاسخی برای خدا و این ملت مظلوم خواهند داشت؟»

به گزارش منابع حقوق بشری بعد از آنکه مولوی عبدالحمید امام جمعه اهل سنت زاهدان در سخنانی وضعیت کنونی ایران را به «بن‌بست» تشبیه کرد و با انتقاد از نیروهای تندرو در حکومت، نسبت به «ویرانی وطن» هشدار داد با فشارهای امنیتی و قضایی روبرو شده است.

مولوی عبدالحمید اسماعیل‌زهی، امام جمعه اهل سنت زاهدان، روز سه‌شنبه اول اردیبهشت ۱۴۰۵، در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس گفت در شرایط کنونی تنها راه ←

ادعای فراجا: کشف یک «مرکز جاسوسی» در تهران؛ بازداشت ۹ نفر در کرمان به اتهام جاسوسی



فرماندهی انتظامی تهران بزرگ

در رویدادی دیگر، دادستان عمومی و انقلاب کرمان اعلام کرد ۹ نفر به اتهام جاسوسی و ۴۷ نفر به اتهام خرید و فروش و انتقال سلاح و مهمات بازداشت شده‌اند.

در جریان جنگ ۴۰ روزه و پس از آن نهادهای اطلاعاتی



صدها نفر از شهروندان در سراسر ایران را به اتهام «جاسوسی، همکاری با مוסاد، ارسال فیلم و عکس برای شبکه‌های ماهواره‌ای و ارسال موقعیت ایست‌های بازرسی برای دشمنان» بازداشت کرد. بعد از آتش‌بس نیز شماری از زندانیان سیاسی با اتهامات مشابه اعدام شدند.

در جریان جنگ ۴۰ روزه بخش عمده زیرساخت‌های نیروی انتظامی شامل ستادها و کلانتری‌ها منهدم شد. احمدرضا رادان فرمانده انتظامی جمهوری اسلامی در یک برنامه تلویزیونی تأیید کرد پرسنل انتظامی، بدون مقرر مجبورند شب‌ها در خیابان یا ماشین بخوابند.

● خبرگزاری تسنیم روز سه‌شنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۵ گزارش داد، متهمین با طرح و برنامه‌ریزی دقیق اقدام به اجاره واحد مسکونی کرده و در آن تجهیزات پیشرفته ارتباطی از جمله اینترنت ماهواره‌ای استارلینک را نصب و استفاده می‌کردند.

● ادعا شده از آن محل اقدام به ارسال اطلاعات و اخبار به سرویس‌های جاسوسی و شبکه‌های تلویزیونی خارج از کشور شده است.

● در جریان جنگ ۴۰ روزه بخش عمده زیرساخت‌های نیروی انتظامی شامل ستادها و کلانتری‌ها منهدم شد. احمدرضا رادان فرمانده انتظامی جمهوری اسلامی در یک برنامه تلویزیونی تأیید کرد پرسنل انتظامی، بدون مقرر مجبورند شب‌ها در خیابان یا ماشین بخوابند.

منابع حکومتی گزارش دادند، مأموران پلیس اطلاعات «فاتب» یک واحد مسکونی در محله یوسف‌آباد تهران را که تبدیل به «پایگاه فعالیت‌های جاسوسی» شده بود شناسایی کرده‌اند. همزمان گزارش شد تعدادی از شهروندان به اتهام «جاسوسی» در کرمان بازداشت شده‌اند.

خبرگزاری تسنیم روز سه‌شنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۵ گزارش داد، متهمین با طرح و برنامه‌ریزی دقیق اقدام به اجاره واحد مسکونی کرده و در آن تجهیزات پیشرفته ارتباطی از جمله اینترنت ماهواره‌ای استارلینک را نصب و استفاده می‌کردند. ادعا شده از آن محل اقدام به ارسال اطلاعات و اخبار به سرویس‌های جاسوسی و شبکه‌های تلویزیونی خارج از کشور شده است.

نیروی انتظامی از مردم خواسته «هرگونه فعالیت مشکوک در ساختمان‌ها و واحدهای مسکونی را سریعاً به پلیس اطلاع دهند تا با مشارکت مردم، از هرگونه سوءاستفاده و تهدید امنیتی پیشگیری شود.»

نه تماشاگر، نه قربانی؛ ایران در لحظه‌ی تصمیم

جنگ روانی ابایی ندارد. از همین رو، مسئله اصلی دیگر فقط «اعتراض کردن» نیست؛ مسئله این است که اعتراض چگونه از فوران احساسی و پراکنده به کنش ملی، هوشمند، کم‌هزینه و نتیجه‌بخش تبدیل شود.

در همین چارچوب است که باید سخنان اخیر شاهزاده رضا پهلوی را فهمید. او در پیام ۲۳ فوریه ۲۰۲۶ تأکید کرد که ایران در آستانه‌ی یک دگرگونی تاریخی قرار دارد و «عامل تعیین‌کننده» این دگرگونی، اراده و کنش آگاهانه مردم ایران است؛ همچنین گفت این مردم ایران هستند که باید در زمان درست نقش کلیدی خود را ایفا کنند و اجازه ندهند سناریوهایی برخلاف خواست ملت بر کشور تحمیل شود. این سخن، در اصل، رد همزمان دو خطاست: انفعال و

● **معنای «نه انفعال، نه اقدام بی‌محاسبه» در سخنان شاهزاده رضا پهلوی چیست؟**

«تمام نکنیم، تمام می‌شویم.»

س. **روزبه** - آیا در کشوری که کشتار، جنگ، فقر، قطع اینترنت و سرکوب روزانه بر جان مردم نشسته است، هنوز می‌توان از کنش ملی سخن گفت؟ آیا مردم باید بی‌محاسبه و بی‌پناه به خیابان بازگردند، یا فقط بنشینند و منتظر مانند تا آمریکا، اسرائیل، اروپا یا هر قدرت بیرونی دیگر سرنوشت ایران را تعیین کند؟ و اگر نه سکوت راه نجات است و نه اقدام احساسی، پس راه درست در این لحظه‌ی خطرناک چیست؟



شتاب‌زدگی. انفعال یعنی مردم تصور کنند دیگر کاری از آنها ساخته نیست و باید سرنوشت کشور را به قدرت‌های خارجی، فرماندهان سپاه، مذاکره‌کنندگان یا بازی‌های پشت پرده سپرد. شتاب‌زدگی نیز یعنی مردم بی‌پروانه، بی‌پشتیبانی، بی‌هدف روشن و بی‌محاسبه وارد صحنه‌ای شوند که حکومت برای سرکوب آن آماده است. هر دو خطرناک‌اند؛ یکی جامعه را می‌میراند، دیگری می‌تواند آن را بسوزاند.

شاهزاده رضا پهلوی در پیام‌های بعدی خود نیز همین خط را ادامه داد. او گفت جمهوری اسلامی تنها با حذف فرماندهی یا تضعیف دستگاه سرکوب از راه حملات

→ نجات کشور رسیدن به «توافق عادلانه» است. او در این پیام نوشت: «آسمان کشور در تسخیر دشمن است، زیرساخت‌ها در معرض نابودی قرار دارند و نیروهای مسلح ابزار لازم برای دفاع هوایی را ندارند.» مولوی عبدالحمید در ادامه تأکید کرد که در چنین شرایطی «تنها راه نجات توافق عادلانه است.»

او همچنین با انتقاد از نیروهای حکومتی تندرو و مخالف توافق با آمریکا نوشت: «تندروهایی که امروز با لجاجت مانع می‌شوند، فردا در برابر ویرانی وطن چه پاسخی برای خدا و این ملت مظلوم خواهند داشت؟»

مولوی عبدالحمید پیش‌تر و در اواخر فروردین‌ماه نیز در سخنانی با تأکید بر ضرورت بازنگری در سیاست‌ها گفته بود: «باید بررسی شود که دلیل اصلی مشکلات در ملت است یا در حکومت و سیستم... سیاست‌هایی که پاسخ نداده‌اند باید تغییر داده شوند.»

او همچنین با اشاره به نقش تندروها تأکید کرده بود که «دیپلماسی کشور نباید تحت تأثیر تندروها باشد و از آن‌ها تأثیر بپذیرد یا از آن‌ها بترسد.»

اکنون منابع حقوق بشری گزارش داده‌اند که یک هفته پس از هشدار مولوی عبدالحمید درباره در بن‌بست قرار داشت ایران و انتقاد او از نیروهای حکومتی، فشارهای امنیتی و قضایی بر او افزایش یافته است.

وبسایت «حال‌وش» که اخبار سیستان و بلوچستان را فشارهای امنیتی و قضایی بر مجموعه مسجد مکی زاهدان و اطرافیان مولوی عبدالحمید اسماعیل‌زهی، امام‌جمعه زاهدان، به‌طور چشمگیری افزایش یافته است.

«حال‌وش» به نقل از منابع آگاه نوشته مؤسسه قرض‌الحسنه «عزیزی» که از مراکز مالی مرتبط با این مجموعه به‌شمار می‌رود، توسط نهادهای ذی‌ربط پلمب شده است. این اقدام بدون ارائه توضیحات شفاف درباره دلایل آن صورت گرفته و فعالیت این مجموعه به‌طور کامل متوقف شده است.

این گزارش همچنین از مسدود شدن حساب‌های بانکی تعدادی از نزدیکان و مرتب‌بانان با مجموعه مسجد مکی است؛ اقدامی که به گفته منابع، بدون اطلاع قبلی و بدون ارائه مستندات قضایی روشن انجام شده و مشکلات گسترده‌ای در امور معیشتی و روزمره این افراد ایجاد کرده است. به گفته منابع محلی، این اقدامات در ادامه روند فزاینده فشارها بر نهادهای مذهبی مستقل در استان سیستان و بلوچستان صورت گرفته و نگرانی‌ها درباره محدودسازی فعالیت‌های مدنی، مذهبی و اجتماعی در این منطقه را افزایش داده است.

در روزهای گذشته حملات لفظی حامیان جمهوری اسلامی نیز به مولوی عبدالحمید افزایش یافته است. برای نمونه احمد چلداوی عضو هیئت علمی دانشگاه علم‌و‌صنعت که به‌عنوان کارشناس مسائل سیاسی با رسانه‌های داخلی گفتگو می‌کند در گفت‌وگو با خبرگزاری «فارس» و ابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با اشاره به مواضع اخیر مولوی عبدالحمید گفته «با توجه به مأموریتی که برای او از طرف عربستان تعریف شده، چون حقوقش، مزایایش، همه‌چیز را عربستان می‌پردازد، باید این وضعیت را القا کند.»

این استاد دانشگاه حامی جمهوری اسلامی با ادعای اینکه مولوی عبدالحمید «حتماً دست‌نشانده آمریکا و سعودی است» گفته «در این وضعیتی که نیاز به اتحاد در کشور وجود دارد، او حرف‌هایی می‌زند که آب به آسیاب دشمن ریختن است. عبدالحمید اصلاً نماینده اهل سنت ایران نیست، بلکه نماینده خودش و اطرافیانش است و او نوکر عربستان در کشور است.»

پاسخ را تاریخ بارها داده است: ملت‌هایی که زیر سنگین‌ترین سرکوب‌ها له شدند، راهی پیدا کردند؛ نه از روی معجزه، بلکه از روی آمادگی، صبر، همبستگی و کنش هوشمند. ایران نیز می‌تواند. این نه آرزو است، نه شعار؛ این درسی است که تاریخ بشر بارها تکرار کرده است.

این پرسش‌ها امروز فقط نظری نیستند. ایران در نقطه‌ای ایستاده است که هر خطای محاسباتی می‌تواند هزینه‌ی انسانی سنگینی داشته باشد. مردم ایران در سال‌های گذشته بارها نشان داده‌اند که از جمهوری اسلامی عبور کرده‌اند، اما دستگاه سرکوب نیز نشان داده است که برای ماندن، از کشتار، بازداشت، قطع اینترنت، تهدید خانواده‌ها و

منطقه‌ای را تغییر دهند؛ اما آنها بازی خود را بر پایه‌ی منافع امنیتی و ملی خود پیش می‌برند. هیچ کشوری آزادی ایران را به جای مردم ایران به دست نمی‌آورد. فشار بیرونی شاید دیوار را ترک دهد و ضعیف کند، اما عبور از آن دیوار کار ملت است.

اینجاست که جمله‌ی اصلی معنا پیدا می‌کند: این بازی را آمریکا و اسرائیل برای ما تمام نمی‌کنند. آنها ممکن است رژیم را ضعیف کنند، اما پایان جمهوری اسلامی، اگر قرار است به آزادی، امنیت، کرامت و حاکمیت ملی ایران برسد، باید با اراده‌ی مردم ایران رقم بخورد. اگر مردم فقط تماشاگر مانند دیگران برای ایران تصمیم خواهند گرفت.

پس معنای «نه انفعال، نه اقدام بی‌محاسبه» این است: مردم نباید بی‌پناه قربانی شوند، اما نباید تماشاگر هم مانند باید آماده باشند، پیوندهای اجتماعی را حفظ کنند، روایت حکومتی را بشکنند، هزینه‌ی سرکوب را بالا ببرند، از یکدیگر پشتیبانی کنند و در لحظه‌ی درست، کنش ملی را به اراده‌ی فراگیر تبدیل کنند.

ایران امروز در لحظه‌ی تصمیم است. جامعه‌ای که ۴۷ سال ایستاده، که فرزندان در خیابان خون داده‌اند، که زنانش پیشتاز آزادی شده‌اند، که جوانانش با وجود همه فشارها هنوز رؤیا دارند، این جامعه شکست خورده نیست. خسته است، اما زنده است. فرسوده است، اما نشکسته.

راه نجات نه در تماشاگر ماندن است و نه در قربانی شدن بی‌محاسبه. راه نجات در آمادگی، همبستگی، هوشیاری و کنش ملی در وقت مناسب است. لهستان آزاد شد. صربستان آزاد شد. آفریقای جنوبی آزاد شد. ایران نیز آزاد خواهد شد؛ به دست مردم خودش. با فرمان شاهزاده در لحظه‌ای که خودش انتخاب می‌کند.

تمام نکنیم، تمام می‌شویم.

نشود. یعنی کسانی که در دستگاه اداری، امنیتی یا تبلیغاتی به سرکوب کمک می‌کنند، بدانند روزی باید پاسخگو باشند. فرسایش یعنی هزینه‌ی اخلاقی، سیاسی و روانی سرکوب بالا برود.

تاریخ نشان داده که این راه رفته شده است. ملت‌هایی زیر سنگین‌ترین چکمه‌های استبداد، راهی پیدا کردند که امروز الگوی آزادی‌خواهان جهان است.

لهستانی‌ها ۹ سال در جنبش همبستگی صبر کردند، زیر زمین سازماندهی کردند، پیوندهای اجتماعی خود را زنده نگه داشتند و منتظر لحظه‌ی درست ماندند. نه با گلوله، نه با شعار بی‌پشتوانه؛ با اراده‌ای که فرسود و فرو ریخت، سرانجام بدون جنگ داخلی، کمونیسم را در کشورشان پایان دادند. صرب‌ها در سال ۲۰۰۰ میلوشویچ را با همین منطق سرنگون کردند؛ جنبش مدنی توانست پایه‌های نظامی و پلیسی رژیم را از درون بپوساند تا دیکتاتور بدون جنگ تمام‌عیار سقوط کند. فیلیپینی‌ها نیز در ۱۹۸۶ دیکتاتوری مارکوس را نه با خشونت، بلکه با میلیون‌ها شهروند آماده، متحد و هوشیار پایان دادند؛ ارتشی که قرار بود بکشد، در برابر اراده‌ی مردم دست کشید.

هر بار، کلید پیروزی یکی بود: نه شتاب احساسی، نه انفعال؛ آمادگی، همبستگی و کنش در لحظه‌ی درست.

ایران نیز از این جنس است. مردمی که ۴۷ سال زیر سرکوب زیستند و هنوز اعتراض می‌کنند، مبارزه می‌کنند، هنوز می‌نویسند و ... هنوز امید دارند، کمتر از لهستانی‌ها یا صرب‌ها نیستند. توانایی اینجاست. اراده اینجاست. آنچه نیاز است، سازماندهی همین توانایی در مسیر درست است. در این میان، نقش آمریکا و اسرائیل را نیز باید واقع‌بینانه دید. آنها ممکن است جمهوری اسلامی را زیر فشار بگذارند، توان نظامی و اقتصادی آن را فرسوده کنند یا معادلات

هوایی سقوط نمی‌کند و این «ملت ایران» است که باید ضربه نهایی را به رژیم ضعیف‌شده وارد کند. همزمان تأکید کرد که حکومت هنوز توان سرکوب دارد و هدف او این است که اقدام نهایی با کمترین هزینه‌ی جانی انجام شود؛ از مردم خواست شکبیا باشند، از خود محافظت کنند و با آمادگی کامل در انتظار لحظه‌ی تعیین‌کننده بمانند.

پس معنای دقیق این موضع چیست؟ معنایش این نیست که مردم همین امروز، بدون محاسبه و بی‌پناه به خیابان فراخوانده شوند. چنین کاری، در شرایط کشتار، قطع اینترنت، جنگ و فشار اقتصادی، نه شجاعت است و نه سیاست؛ بلکه می‌تواند جان مردم را خرج شعار کند. در جایی که حکومت برای بقای خود شبانه‌نمایش‌های اقتدار راه می‌اندازد، مردم فقط خود را خسته و فرسوده می‌کنند. اما معنایش سکوت و انتظار هم نیست. سکوت، همان چیزی است که جمهوری اسلامی می‌خواهد؛ حکومت می‌خواهد مردم را به تماشاگران خسته‌ای تبدیل کند که فقط خبر جنگ، آتش‌بس، محاصره، مذاکره، دلار، اینترنت و سرکوب را دنبال کنند، اما خود را بیرون از معادله ببینند.

«نه انفعال» یعنی مردم تماشاگر نباشند. تماشاگر نبودن همیشه به معنی حضور خیابانی نیست. در شرایط سرکوب، تماشاگر نبودن یعنی هر شهروند در حد توان خود بخشی از زنجیره‌ی مقاومت مدنی باشد: خبر درست را از دروغ جدا کند، روایت رسمی حکومت را بی‌چالش نپذیرد، با خانواده اطرافیان گفتگو کند، قربانیان سرکوب را تنها نگذارد، امید را زنده نگه دارد، و نگذارد حکومت مردم را به جزیره‌های جدا، ترسیده و بی‌اعتماد تبدیل کند.

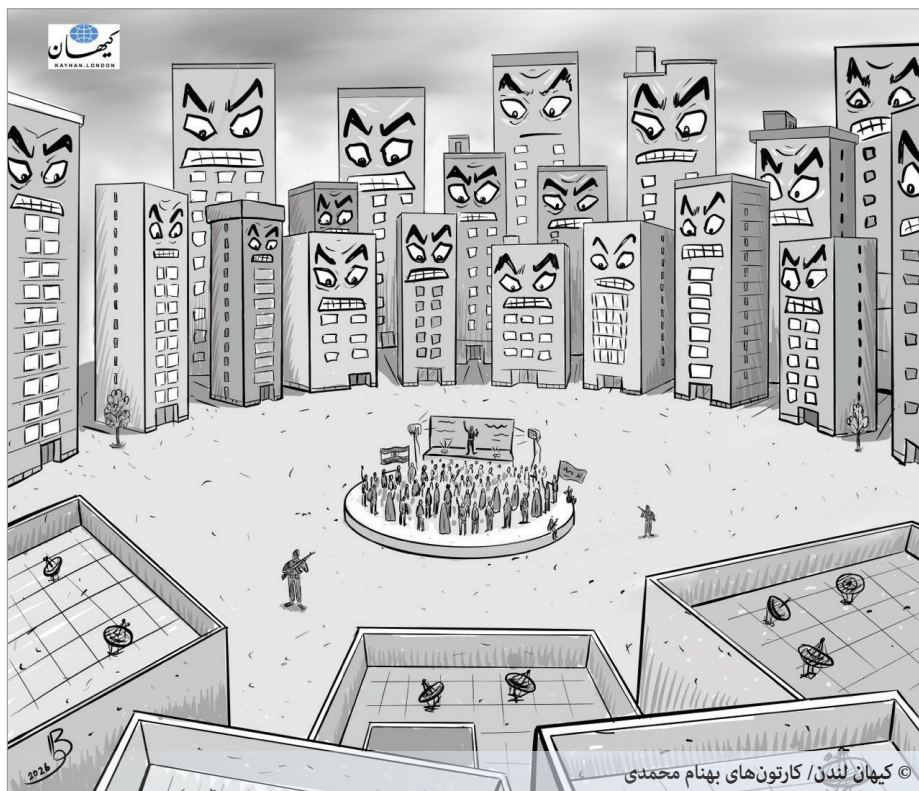
«نه اقدام بی‌محاسبه» نیز یعنی مردم آگاه باشند که حکومت گاهی به اعتراض خام، پراکنده و بی‌پشتوانه نیاز دارد تا آن را «آشوب»، «اغتشاش» یا «خشونت» معرفی کند. جمهوری اسلامی در مهندسی صحنه‌ی سرکوب تجربه دارد؛ می‌داند چگونه اعتراض را به تله بکشاند، روایت را وارونه کند، قربانی را مقصر جلوه دهد و با قطع اینترنت حقیقت را در تاریکی دفن کند. پس شجاعت امروز فقط جلو رفتن نیست؛ شجاعت یعنی هدف را رها نکردن، اما روش کم‌هزینه‌تر و هوشمندانه‌تر انتخاب کردن.

آمادگی، در این میان، کلید اصلی است. آمادگی یعنی جامعه از همین امروز بداند در بحران چه باید بکند. آمادگی فقط سیاسی نیست؛ اجتماعی، روانی، رسانه‌ای و اخلاقی هم هست. یعنی خانواده‌ها، دوستان، محله‌ها، همکاران و گروه‌های کوچک مورد اعتماد پیوند خود را حفظ کنند. یعنی مردم بدانند در زمان قطع اینترنت، دروغ حکومتی، بازداشت گسترده یا جنگ روانی چگونه از هم جدا نشوند. جامعه‌ای که آماده است، می‌داند چگونه آرام، منظم، کم‌هزینه و مؤثر رفتار کند و چگونه با هم در ارتباط بماند.

همبستگی نیز یعنی حکومت نتواند مردم را تنها کند. یکی از مهمترین ابزارهای جمهوری اسلامی، خصوصی‌سازی ترس است؛ یعنی هر کارگر، معلم، دانشجو، زن، جوان، بازنشسته، روزنامه‌نگار یا خانواده دادخواه احساس کند تنهاست. همبستگی یعنی شکستن همین تنهایی. یعنی درد هر گروه، درد همه شود. یعنی جامعه بفهمد مشکل نان، اینترنت، حجاب اجباری، جنگ، کشتار، فساد، گرانی و تحقیر، جدا از هم نیستند؛ همه از یک ساختار می‌آیند و این ساختار باید از بین برود.

فرسایش دستگاه سرکوب نیز به معنی جنگیدن با نیروی سرکوب نیست. فرسایش یعنی حکومت دیگر نتواند آسان بکشد، آسان دروغ بگوید و آسان فراموشی بسازد. یعنی مأمور سرکوب بداند دیده می‌شود. یعنی روایت قربانی گم

نمایش شبانه حکومت و واقعیت‌های جامعه ایران



تایمز: آیا مجتبی خامنه‌ای واقعا ایران را رهبری می‌کند؟



تصویر مربوط به پیش از حمله اسرائیل به «بیت» و مجروح شدن مجتبی خامنه‌ای در نهم اسفند ۱۴۰۴ است

از جمله موضوع بازگشایی یا تداوم بستن تنگه هرمز، را اتخاذ کنند.

این تمرکز قدرت در میان چهره‌های نظامی، بازتابی از شرایطی است که در آن، تصمیم‌گیری‌های کلیدی بیش از پیش به نهادهای امنیتی- نظامی واگذار شده است. بویژه در مورد گذرگاهی چون تنگه هرمز که یکی از حیاتی‌ترین شریان‌های انرژی جهان بشمار می‌رود.

دونالد ترامپ در آغاز گفته بود که این جنگ چهار تا پنج هفته به طول خواهد انجامید. اما اکنون که درگیری وارد سومین ماه خود شده، او در جستجوی راهی برای خروج از این بن‌بست است. جمهوری‌خواهان از افزایش بهای بنزین ناخشنودند و در عین حال نگران افت محبوبیت رئیس‌جمهور در آستانه‌ی انتخابات میان‌دوره‌ای ماه نوامبر هستند.

در نشانه‌ای روشن از تمایل دولت ترامپ برای ورود به مذاکره، هوایمی‌جی دی ونس، معاون رئیس‌جمهور، این هفته به مدت دو ساعت بر باند فرودگاه واشنگتن متوقف ماند. در حالی که کاخ سفید در تلاش بود مشخص کند که آیا نهایتاً مذاکرات برنامه‌ریزی شده در پاکستان برگزار خواهد شد یا نه؟

در نهایت، ایران مذاکرات را تحریم کرد و خواستار آن شد که دونالد ترامپ محاصره‌ی دریایی بنادر این کشور را لغو کند. همزمان، تهران روز چهارشنبه این هفته حملات خود به کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز را از سر گرفت.

این تحولات در حالی رخ می‌دهد که تنش‌ها در این گذرگاه حیاتی تشدید شده و حملات و توقیف کشتی‌ها به بخشی از رویارویی مستقیم میان ایران و ایالات متحده تبدیل شده است.

به نظر می‌رسد مذاکره با ژنرال‌های بدبین ایرانی، در حالی که رهبران برای در امان ماندن از ترور به زیرزمین رفته و از نظرها پنهان شده، بسیار دشوارتر از آن چیزی است که ترامپ پیش‌بینی می‌کرد. از این رو، بن‌بست همچنان ادامه دارد.

منبع: تایمز

ترجمه: کیهان لندن

پیچیده و چندلایه از پیک‌ها، اداره امور کشور را در دست داشته باشد. این پیک‌ها با استفاده از خودرو و موتورسیکلت، پیام‌های دست‌نویس و مهر و موم شده را در سراسر ایران جابجا می‌کنند تا از دید عملیات نظارتی آمریکا و اسرائیل در امان بمانند و در نهایت آنها را به رهبر برسانند. دستورات آیت‌الله نیز از همین مسیر، اما بصورت معکوس، به مقامات ذیربط منتقل می‌شود.

به دلیل دشواری‌های این شیوه‌ی ارتباطی، بخش قابل توجهی از تصمیم‌گیری‌ها در خصوص مذاکرات صلح به گروهی از فرماندهان ارشد در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی واگذار شده است. همچنین به دلیل نگرانی از افشای محل اختفای او، خامنه‌ای از دیدار حضوری با این ژنرال‌های بلندپایه خودداری می‌کند.

دونالد ترامپ این آشفتگی در رأس حاکمیت جمهوری اسلامی را نشانه‌ای از کشمکش ایدئولوژیک بر سر آینده‌ی کشور میان روحانیون حاکم و چهره‌های میانه‌رو توصیف کرده است.

او در پیامی در شبکه‌ی اجتماعی تروث‌سوشیال نوشت: «ایران واقعا در تعیین این که رهبرش چه کسی است دچار مشکل شده! آنها واقعا نمی‌دانند!»

وی در ادامه‌ی اظهارات خود، از شکاف درون حاکمیت ایران با لحنی تند یاد کرد و گفت: «این درگیری داخلی میان «تندروها» که در میدان نبرد به شدت شکست خورده‌اند و «میانه‌روها» که چندان هم میانه‌رو نیستند (اما در حال کسب اعتبارند!)، کاملا دیوانه‌کننده است! ما کنترل کامل بر تنگه هرمز داریم. هیچ کشتی‌ای بدون تأیید نیروی دریایی ایالات متحده نمی‌تواند وارد یا خارج شود.

او افزود: «این گذرگاه تا زمانی که ایران قادر به دستیابی به یک توافق نشود، کاملا «مهر و موم شده» باقی خواهد ماند!»

به نظر می‌رسد در عمل، این ژنرال‌های کارآزموده و میدان دیده هستند که دست بالا را در اختیار دارند. فرماندهانی که به دلیل سابقه حضور در جنگ ایران و عراق از سوی خامنه‌ای مأموریت یافته‌اند مهم‌ترین تصمیمات دیپلماتیک

● گزارش‌ها حاکی است مجتبی خامنه‌ای پس از جراحات سنگین، برای جلوگیری از ردیابی، از هرگونه ارتباط الکترونیک پرهیز می‌کند و دستورات خود را از طریق پیام‌های مهرموم شده می‌فرستد.

● به دلیل دشواری ارتباط مستقیم با رهبر، بخش مهمی از روند مذاکرات و تصمیمات حساس به فرماندهان ارشد سپاه پاسداران واگذار شده است.

● دونالد ترامپ، کشمکش داخلی در رأس حاکمیت ایران را عامل اصلی توقف مذاکرات صلح دانسته و از سردرگمی تصمیم‌گیران تهران سخن گفته است.

● مسئله‌ی بازگشایی یا تداوم بسته ماندن تنگه هرمز به یکی از اصلی‌ترین موضوعات اختلاف میان تهران و واشنگتن تبدیل شده است.

● ادامه‌ی جنگ و افزایش بهای بنزین، جمهوری‌خواهان را در آستانه‌ی انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر نگران کرده و فشار بر ترامپ را افزایش داده است.

● تمرکز فزاینده‌ی قدرت در دست نظامیان، در کنار غیبت رهبر و شکاف‌های داخلی، تصویری مبهم از آینده‌ی ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ترسیم می‌کند.

گزارش روزنامه‌ی تایمز از وضعیت رهبری جمهوری اسلامی، تصویری کم‌سابقه از ساختار قدرت در تهران ارائه می‌دهد؛ جایی که مجتبی خامنه‌ای، پس از جراحات شدید و در شرایط اختفا، ارتباطات خود را از طریق پیک‌های محرمانه اداره می‌کند و بخش مهمی از مذاکرات و تصمیمات راهبردی را به فرماندهان سپاه واگذار کرده است؛ وضعیتی که به باور ناظران، نشانه‌ی آشفتگی در رأس حاکمیت ایران است.

گزارش‌ها حاکی است که مجتبی خامنه‌ای، پس از جراحات سنگین، از ارتباطات الکترونیک پرهیز می‌کند تا از ردیابی احتمالی در امان بماند و به همین دلیل، ارتباطات او با حلقه‌ی قدرت از طریق شبکه‌ای از پیک‌های مورد اعتماد انجام می‌شود.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، بن‌بست در مذاکرات صلح را ناشی از سردرگمی و کشمکش‌های داخلی در بالاترین سطوح حاکمیت ایران دانست.

به گفته‌ی او، ارتباطات میان دو طرف نیز با اختلال روبرو شده است، زیرا تهران نگران آن است که ایالات متحده یا اسرائیل در صدد ترور رهبر جدید جمهوری اسلامی برآیند.

آیت‌الله مجتبی خامنه‌ای ۵۶ ساله، از زمان کشته شدن پدرش، علی خامنه‌ای، در جریان یک حمله هوایی در نخستین روز جنگ، دیگر در انتظار عمومی دیده نشده است. حمله‌ای که بنا بر گزارش‌ها، جان شماری از اعضای خانواده‌ی او را نیز گرفته است.

با وجود جراحات شدید، خامنه‌ای همچنان از سلامت ذهنی برخوردار است. به گزارش نیویورک تایمز، او در انتظار دریافت پای مصنوعی است و احتمالا برای ترمیم سوختگی‌های شدید در ناحیه صورت و لب‌ها به جراحی پلاستیک نیاز خواهد داشت.

این آسیب‌ها توانایی او در تکلم را بطور جدی محدود کرده و همین امر، دلیل پرهیز او از حضور در انتظار عمومی عنوان می‌شود. در حال حاضر نیز تیمی از پزشکان متخصص بطور مستمر از او مراقبت می‌کنند.

با وجود جراحات، خامنه‌ای می‌کوشد از طریق شبکه‌ای

کاهش ۵۰ تا ۱۰۰ درصدی فروش کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال به علت قطع اینترنت



گونه‌ای رفتار کرده و سخن می‌گویند که گویی این وضعیت، یک وضعیت عادی است که این روند، چشم‌انداز را در میان کسب و کارهای دیجیتال از میان برده است. این فعال صنفی تأکید کرده دولت در حالی مدعی توزیع اینترنت پرو برای کسب‌وکارهاست اما مبنای توزیع این اینترنت مشخص نیست گفته «افرادی که کارهای به مراتب مهم‌تر و وابسته‌تری به اینترنت دارند، هیچ دسترسی برای‌شان ته‌مید نشده است. از نظر اقتصادی، این وضعیت آسیب‌های زیادی را به همراه داشته و تبعیض‌های کنونی، چنان آسیب روانی به اتمسفر کسب و کارهای آنلاین و این جامعه وارد کرده که تقریباً چیزی به نام اقتصاد دیجیتال دیگر وجود ندارد.»

وحید فرید، کارشناس حوزه اینترنت در گفت‌وگو با روزنامه «اعتقاد» گفته قطع دو ماهه اینترنت امنیت شبکه را به شدت کاهش و تهدیدهای امنیتی را افزایش داده است: «یکی از آسیب‌پذیرترین و خطرناک‌ترین بخش‌ها الان بحث زیرساخت است، الان زیرساخت ما تقریباً در بخش زیادی از سرورها، به مدت نزدیک دو ماهی که اینترنت قطع بوده، هیچ‌گونه security patch یا آپدیتی نگرفته و این خودش به طور بالقوه خیلی مستعد خطر است، یعنی هر لحظه ممکن است اتفاقی بیفتد و بعضی نفوذاها هم همین حالا روی سرورها دارد انجام می‌شود.»

این کارشناس حوزه اینترنت افزوده «من فکر می‌کنم یکی از بزرگ‌ترین احماف‌هایی که در حق مردم در حوزه اینترنت اتفاق افتاده، همین شبکه ملی اطلاعات است. اگر شبکه ملی اطلاعات نداشتیم، هزینه قطع اینترنت خیلی بیشتر می‌شد. الان چون شبکه ملی وجود دارد، در زمان قطعی اینترنت، بخشی از خدمات حیاتی همچنان کار می‌کند، ارگان‌های دولتی خدماتشان را می‌دهند، بانک‌ها کار می‌کنند، بعضی کسب و کارهای داخلی همچنان سرویس می‌دهند، یعنی اگر شبکه ملی نبود، هیچ‌وقت نمی‌توانستند اینترنت را به این شکل قطع کنند.»

کرده‌اند، در دوره‌های اوج اختلال، برخی کسب‌وکارهای متوسط و بزرگ با کاهش فروش بین ۵۰ تا ۹۵ درصدی مواجه شدند. این رقم برای کسب‌وکارهای کوچک و خانگی که ویتزین اصلی آنها در شبکه‌های اجتماعی است، به ۱۰۰ درصد هم رسید.»

دبیر انجمن تجارت الکترونیک ایران تأکید کرده «نکته نگران‌کننده اینجاست که حتی با رفع مقطعی اختلالات، فروش بلافاصله به حالت قبل برمی‌گردد؛ زیرا قدرت خرید کاهش یافته و چرخه بازاریابی دیجیتال که موتور محرک فروش است، به دلیل محدودیت‌های دسترسی از کار افتاده است.»

او گفته جدا از کاهش شدید فروش، هزینه‌های کسب‌وکارهای اینترنت از جمله هزینه‌های فنی شرکت‌ها برای حفظ پایداری سرویس‌ها به شدت افزایش یافته است. مریم نجفی با بیان اینکه «نابودی سرمایه‌گذاری‌های چندین ساله در حوزه سئو (SEO) و توقف جریان سرمایه‌گذاری در فضای مجازی به دلیل قطعی و اختلال در اینترنت، مشکلات کسب و کارها را تشدید کرده» گفته «اگر به طور کلی بخواهم بگویم، کل اکوسیستم از تولیدکننده محتوا تا اپراتور لجستیک، در یک زنجیره واکنشی دچار ضرر شده‌اند.»

جمهوری اسلامی در شرایطی اجرای اینترنت طبقاتی را در آغاز کرده است که همانطور که دبیر انجمن تجارت الکترونیک ایران هم اشاره کرده، بسیاری از فعالان صنفی و متخصصان با این طرح مخالف هستند.

حسین رمضان‌زاده، بنیانگذار پلتفرم کارزار و کنشگر حق دسترسی شهروندان به اینترنت، هم با اشاره به اینکه قطع اینترنت بیشتر هم رخ داده بود اما خسارت اینبار بسیار گسترده بوده گفته «در آن مقطع، وضعیت به هرگونه‌ای که بود، دست کم یک چشم‌اندازی برای گشایش در فضا وجود داشت. به این صورت که مسئولان، حرف‌هایی زده و اقداماتی می‌کردند که احساس می‌شد؛ این قطعی اینترنت، بالاخره یک جایی به پایان خواهد رسید. در مقطعی کنونی اما، قطعی اینترنت به حدی طولانی شده و مسئولان به

دبیر انجمن تجارت الکترونیک ایران: برخی کسب‌وکارهای متوسط و بزرگ با کاهش فروش بین ۵۰ تا ۹۵ درصدی مواجه شدند. این رقم برای کسب‌وکارهای کوچک و خانگی که ویتزین اصلی آنها در شبکه‌های اجتماعی است، به ۱۰۰ درصد هم رسید.

دبیر انجمن تجارت الکترونیک تهران با انتقاد از اجرای طرح اینترنت طبقاتی گفته «موضع انجمن تجارت الکترونیک در این باره کاملاً روشن و شفاف است؛ ما به شدت با هرگونه طبقاتی شدن اینترنت مخالفیم.»

بنیانگذار پلتفرم کارزار و کنشگر حق دسترسی شهروندان به اینترنت گفته «از نظر اقتصادی، این وضعیت آسیب‌های زیادی را به همراه داشته و تبعیض‌های کنونی، چنان آسیب روانی به اتمسفر کسب و کارهای آنلاین و این جامعه وارد کرده که تقریباً چیزی به نام اقتصاد دیجیتال دیگر وجود ندارد.»

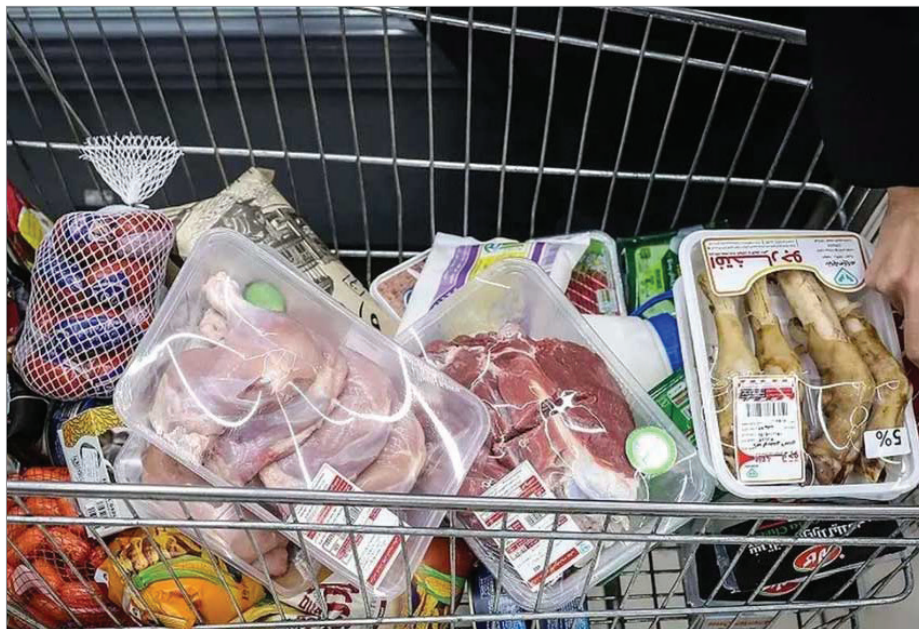
دبیر انجمن تجارت الکترونیک تهران با ارائه آماری تکانه‌دهنده اعلام کرده طی دو ماه گذشته کسب‌وکارهای اینترنتی به علت قطع اینترنت با کاهش ۵۰ تا ۱۰۰ درصدی فروش روبرو شدند. او همچنین تأکید کرده اینترنت طبقاتی نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه باعث ایجاد رانت و نابرابری در فضای رقابتی می‌شود.

قطع اینترنت جهانی در ایران وارد سومین ماه شده است و جمهوری اسلامی برنامه دارد قطع اینترنت را ادامه داده اما همزمان اینترنت طبقاتی را با ارائه اینترنت به بخشی مشاغل و اصناف اجرایی کند. با اینهمه خسارت بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومانی قطع اینترنت به اقتصاد کشور سبب هشدار کارشناسان شده است و معتقدند اقتصاد دیجیتال ایران با تهدید جدی روبروست و موج خروج سرمایه به خارج از کشور و مهاجرت کارآفرینان و متخصصان این بخش سرعت گرفته است. مریم نجفی، دبیر انجمن تجارت الکترونیک تهران، در گفت‌وگو با خبرگزاری «ایلنا» با انتقاد از اجرای اینترنت طبقاتی گفته «موضع انجمن تجارت الکترونیک در این باره کاملاً روشن و شفاف است؛ ما به شدت با هرگونه طبقاتی شدن اینترنت مخالفیم.»

دبیر انجمن تجارت الکترونیک تهران با تأکید بر اینکه اینترنت یک زیرساخت عمومی و حق شهروندی است، گفته «تعریف سطوح دسترسی متفاوت (اینترنت طبقاتی یا اینترنت پرو)، نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه باعث ایجاد رانت و نابرابری در فضای رقابتی می‌شود. کسب‌وکاری که دسترسی به اینترنت با کیفیت داشته باشد، اما مشتری‌اش در محدودیت و گندی باشد، عملاً نمی‌تواند فعالیت کند؛ چرا که تجارت یک رابطه دوطرفه است.»

او افزوده «چیزی به نام «اینترنت پرو» برای کسب‌وکارها، یک راهکار اشتباه است. راهکار واقعی، بازگشت به اینترنت آزاد، با کیفیت و بدون فیلترینگ گسترده برای «همه» آحاد جامعه است. اقتصاد دیجیتال تنها در فضای رقابتی سالم و دسترسی عادلانه رشد می‌کند، نه با مجوزهای خاص و دسترسی‌های گزینشی. اینترنت با کیفیت ریشه اقتصاد دیجیتال است.» مریم نجفی در بخش دیگری از گفت‌وگو با خبرگزاری «ایلنا» به خسارت اقتصادی ناشی از قطع اینترنت اشاره کرده و گفته «طبق آمارهایی که بخشی از اعضای انجمن اعلام

فاجعه معیشتی در ایران؛ دولت طرح «خرید نسیه» مواد غذایی با «اعتبار کالا برگ» را ابلاغ کرد



● دولت مسعود پزشکیان طرحی را تصویب و ابلاغ کرده که بر اساس آن امکان خرید اعتباری کالاهای خوراکی برای خانوارهای مشمول یارانه نقدی فراهم شده است. این طرح بیانگر ابعاد فاجعه‌بار بحران معیشتی و فقر گسترده در میان خانوارهای کشور است.

● بر اساس این طرح خانوارهایی که یارانه دریافت می‌کنند می‌توانند بدون پرداخت وجه کالاهای خوراکی را به صورت نسیه از فروشگاه‌های مشخص خریداری و پس از شارژ شدن حساب یارانه، فروشگاه وجه خرید را از منابع یارانه برداشت کند.

دولت مسعود پزشکیان طرحی را تصویب و ابلاغ کرده که بر اساس آن امکان خرید اعتباری کالاهای خوراکی برای خانوارهای مشمول یارانه نقدی فراهم شده است. این طرح بیانگر ابعاد فاجعه‌بار بحران معیشتی و فقر گسترده در میان خانوارهای کشور است.

دولت چهاردهم در جلسه ۳۰ فروردین‌ماه ۱۴۰۵ طرحی را برای خرید نسیه کالا با «اعتبار کالا برگ» تصویب و ابلاغ کرد. بر اساس گزارش‌ها این طرح با پیشنهاد مشترک سازمان برنامه و بودجه کشور و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تصویب شده و هدف آن «جران آسیب‌های مستقیم و غیرمستقیم ناشی از جنگ» اعلام شده است.

بر اساس این مصوبه، امکان استفاده از ظرفیت شرکت‌های بخش خصوصی برای تأمین اعتباری کالاهای اساسی خانوارهای مشمول یارانه نقدی فراهم می‌شود. بر اساس این طرح خانوارهایی که یارانه دریافت می‌کنند می‌توانند بدون پرداخت وجه کالاهای خوراکی را به صورت نسیه از فروشگاه‌هایی مشخص خریداری و پس از شارژ شدن حساب یارانه، فروشگاه وجه خرید را از منابع یارانه برداشت کند.

در متن این طرح تأکید شده «در صورت عدم بازپرداخت اعتبار توسط سرپرستان خانوارها، سازمان هدفمندی‌سازی یارانه‌ها مجاز است معادل مبلغ استفاده‌شده را از محل یارانه نقدی خانوار برداشت و به حساب معرفی‌شده از سوی شرکت‌های داوطلب واریز کند؛ به این ترتیب، یارانه نقدی به پشتوانه‌ای برای تضمین بازپرداخت اعتبارات تخصیص‌یافته تبدیل می‌شود.»

این طرح اگر چه با تبلیغات گسترده رسانه‌های حامی دولت پزشکیان، به‌عنوان نقطه مثبتی در کارنامه دولت، روبرو شده اما بیانگر فاجعه معیشتی و گسترش فقر و گرسنگی در ایران است.

اقتصاد ایران سالها با رکود تورمی مزمن روبرو بود و دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی چه در شرایط تحریم و چه در شرایط گشایش‌های پس‌اجرام نتوانستند حمایت موثری از اقشار حقوق‌بگیر و کم‌درآمد انجام دهند. درآمد خانوارها اگر چه هر ساله با درصدی افزایش روبرو می‌شود اما ارزش واقعی درآمدها به علت نرخ تورم فزاینده با کاهش روبرو می‌شود و قدرت خرید نیز سقوط می‌کند.

این روند سبب از بین رفتن قشر متوسط و رانده شدن این قشر به زیر خط فقر شده بطوریکه بیش از ۷۰ درصد از جمعیت کشور برای تأمین هزینه‌های ضروری از جمله خوراک و اجاره مسکن با بحران روبرو، و نیازمند کمک‌های یارانه‌ای هستند.

هزینه‌های حداقلی زندگی نیز ناکافی بوده، با بحران جدی روبرو هستند.

کارگران شاغل نیز به علت تورم و گرانی قادر به تأمین اقلام ضروری خوراکی یا پرداخت اجاره‌بها نیستند. در همین رابطه رسول گرگیج فعال کارگری استان گلستان گفته «جامعه کارگری با چالش‌های جدی معیشتی و شغلی روبرو است و انتظار این است که مسئولان به‌صورت مستمر و نه مقطعی، وضعیت این قشر را مورد توجه قرار دهند. مشکلات کارگران محدود به زمان خاصی نیست و در تمامی ماه‌های سال ادامه دارد.»

این فعال کارگری با بیان اینکه «بسیاری از کارگران با وجود انجام اضافه‌کاری، در تأمین هزینه‌های اساسی زندگی با مشکل روبرو هستند» گفته «در بخشی از واحدهای تولیدی و کارگاه‌های کوچک، قراردادهای موقت و فاقد پشتوانه باعث تشدید نگرانی شغلی کارگران شده است. علاوه بر این، کارگران فصلی، ساختمانی و کشاورزی در برخی مناطق استان گلستان همچنان با چالش‌های بیمه‌ای، تأخیر در پوشش بیمه و مشکلات مربوط به سابقه‌سازی مواجه‌اند.»

اقشار دیگر از جمله بازنشستگان نیز با فقر عمیقی روبرو هستند. کارمندان دولت هم که غالب آنها درآمدی کمتر از رقم سبد معیشت - رقم مورد نیاز برای تأمین هزینه‌های ضروری - دارند با گذشت ۹ روز از اردیبهشت، هنوز حقوق ماه فروردین را دریافت نکرده‌اند. در شرکت‌های پیمانکاری نیز کارگران و کارمندان زیادی با چند ماه حقوق معوقه روبرو هستند.

اینهمه سبب بروز بحران گسترده معیشتی شده است و دولت که به علت کسری بودجه و کمبود منابع امکان افزایش کمک‌های یارانه‌ای و حمایتی را ندارد، سازوکاری رسمی برای خرید نسیه کالا ایجاد کرده تا از گرسنگی و فقر غذایی اقشار کم‌درآمد جلوگیری کند و مانع از اعتراضات این اقشار به علت نارضایتی انباشته و فقر شود.

این شرایط اما از زمستان گذشته و در پی قطع سراسری اینترنت جهانی و جنگ تشدید شده و رکود تورمی عمیقی را در اقتصاد کشور ایجاد کرده است. آغاز این بحران در اعتراضات دی ۴۰۴ و با قطع سه هفته‌ای اینترنت آغاز شد. کاهش فروش و توقف فعالیت برای بخش‌های مختلف متکی بر اینترنت و خدمات در آستانه نوروژ خسارت سنگینی در پی داشت و همچنان اقتصاد ایران این بحران را پشت سر نگذاشته بود که بحران دیگری از نهم اسفند ۴۰۴ با جنگ و قطع سراسری اینترنت آغاز شد که در عمل بخش‌های قابل توجهی از اقتصاد ایران را فلج کرد. یکی از برجسته‌ترین عوارض این بحران، ایجاد موج بلندی از اخراج نیروی کار در بخش‌های مختلف صنعتی، تولیدی و خدماتی بود.

در بخش صنعت عمده علت اخراج نیروی کار آسیب‌دیدگی واحدهای صنعتی و تولیدی در جریان جنگ ۴۰ روزه اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی بوده است. از جمله هزاران کارگر در دو کارخانه فولاد خوزستان و فولاد مبارکه پس از آسیب به این دو مجتمع صنعتی در مهاباد بیکار شدند. همچنین برخی کارخانه‌ها و واحدهای صنعتی نیز به علت بحران در تأمین مواد اولیه ناچار به کاهش سطح تولید شده و در نتیجه بخشی از نیروی کار مازاد را اخراج کرده‌اند تا بتوانند هزینه‌ها را نیز کاهش دهند.

اما علت اصلی موج گسترده بیکاری و اخراج نیروی کار اقدام سرکوبگرانه جمهوری اسلامی در قطع اینترنت سراسری بوده است. قطع اینترنت جهانی در ایران وارد نهمین هفته خود شده و هزاران کسب و کار تحت تأثیر قطع اینترنت خسارتی هنگفت دیده‌اند.

مقامات دولتی بیکار شدن دو میلیون نفر را تأیید کردند اما فعالان بازار کار و تحلیلگران اقتصادی این رقم را دست‌کم ۴ میلیون نفر عنوان کرده و معتقدند شمار اخراج‌شدگان همچنان در حال افزایش است.

در این میان کارگران بیکار شده به علت نداشتن پس‌انداز و کمبودهای ناشی از درآمدهای ناچیزی که برای پوشش

مرکز آمار ایران: تورم نقطه به نقطه فروردین ماه به ۷۳/۵ درصد افزایش یافت

● بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در فروردین ماه ۱۴۰۵ تورم نقطه به نقطه به نقطه خانوارهای کشور، ۷۳/۵ درصد بوده است؛ یعنی خانوارهای کشور به طور میانگین، ۷۳/۵ درصد بیشتر از فروردین ماه ۱۴۰۴ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند.

● گزارش مرکز آمار ایران همچنین ادعا کرده نرخ تورم سالانه کشور در فروردین ماه ۱۴۰۵ برابر ۵۳/۷ درصد بوده است که دامنه تغییرات آن برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۵۲ درصد برای دهک دهم، تا ۵۸/۲ درصد برای دهک دوم بوده است.

● افزایش قیمت‌ها در حالیست که در سال جدید درآمدها در مقایسه با تورم افزایشی جزئی داشته است و بسته‌های حمایتی دولت مانند بارانه نقدی و توزیع کالا برگ هم تناسبی با قیمت‌های سرسام‌آور کالاها ندارد و نتوانسته از سفره‌های مردم مراقبت کند.

مرکز آمار ایران با بیش از یک هفته تأخیر گزارش تورم فروردین ۱۴۰۵ را منتشر کرد. بر اساس این گزارش نرخ تورم نقطه به نقطه به ۷۳/۵ درصد و نرخ تورم سالانه به ۵۳/۷ درصد افزایش یافته است.

فروردین ماه ۱۴۰۵ تورم نقطه به نقطه خانوارهای کشور، ۷۳/۵ درصد بوده است؛ یعنی خانوارهای کشور به طور میانگین، ۷۳/۵ درصد بیشتر از فروردین ماه ۱۴۰۴ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند. تورم نقطه به نقطه فروردین ماه ۱۴۰۵ در مقایسه با ماه قبل، ۱/۷ واحد درصد افزایش داشته است.

در فروردین ماه ۱۴۰۵ تورم ماهانه که بیانگر تغییر شاخص قیمت‌ها از ابتدا تا انتهای ماه است پنج درصد اعلام شده است. تورم ماهانه برای گروه‌های عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات»، ۵/۶ درصد و برای گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات»، ۴/۵ درصد بوده است.

همچنین بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در فروردین ماه ۱۴۰۵ نرخ تورم سالانه برای خانوارهای کشور به ۵۳/۷ درصد رسیده که نسبت به همین اطلاع در ماه قبل، ۳/۱ واحد درصد افزایش یافته است. نرخ تورم سالانه، به معنای درصد تغییر میانگین اعداد شاخص قیمت در یک سال منتهی به ماه جاری، نسبت به دوره مشابه قبل از آن است. گزارش مرکز آمار ایران همچنین ادعا کرده نرخ تورم سالانه کشور در فروردین ماه ۱۴۰۵ برابر ۵۳/۷ درصد بوده است که دامنه تغییرات آن برای دهک‌های مختلف هزینه‌ای از ۵۲ درصد برای دهک دهم، تا ۵۸/۲ درصد برای دهک دوم بوده است. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران فاصله تورمی دهک‌ها در این ماه به ۶/۲ واحد درصد رسید که نسبت به ماه قبل (۵ واحد درصد) ۱/۲ واحد درصد افزایش داشته است.

بانک مرکزی ایران روز یکشنبه ششم اردیبهشت گزارش آماری این نهاد از تورم فروردین را منتشر کرد که ارقامی متفاوت از ارقام ارائه شده در گزارش مرکز آمار ایران در آن آمده بود. بر اساس گزارش بانک مرکزی شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران (شاخص تورم) در فروردین ۱۴۰۵ به عدد ۶۱۵/۳ رسید که نسبت به ماه قبل معادل ۷ درصد افزایش داشت.

از سوی دیگر گزارش بانک مرکزی اعلام کرد که شاخص قیمت کالاها و خدمات نسبت به ماه مشابه سال قبل



معادل ۶۷ درصد افزایش یافته است؛ عددی که به‌عنوان تورم نقطه‌ای شناخته می‌شود و به این معناست که یک خانوار برای خرید یک سبد مشخص و ثابت از کالا در فروردین ۱۴۰۵، ۶۷ درصد بیشتر از فروردین ۱۴۰۵ هزینه کرده است. بانک مرکزی همچنین میزان تورم در دوازده ماه منتهی به فروردین ۱۴۰۵ را ۵۰/۶ درصد اعلام کرد. این نرخ تورم در حالی است در فروردین سال گذشته، نرخ تورم سالانه حدود ۳۳ درصد بود.

علت اختلاف آمارهای تورم در گزارش‌های مرکز آمار ایران و بانک مرکزی شیوه محاسبه تورم از سوی این دو نهاد است. برای نمونه سبد کالایی مورد بررسی در هر بخش متفاوت است و همچنین ضرایب اهمیت کالاها و گستره جغرافیایی نمونه‌گیری از سوی بانک مرکزی و مرکز آمار ایران تفاوت دارد. بانک مرکزی بیشتر بر مناطق شهری و اقلام خاص تمرکز دارد، در حالی که مرکز آمار، تورم را به صورت جامع‌تر و شامل مناطق روستایی محاسبه می‌کند. در حالی گزارش‌های بانک مرکزی و مرکز آمار ایران بیانگر افزایش قابل توجه تورم در اقتصاد ایران است که گزارش‌های میدانی و همچنین اعلام رسمی قیمت‌ها از سوی اصناف مختلف نیز نشان از گرانی بی‌سابقه کالاها و خدمات در کشور دارد. این گرانی در صورتی است که در سال جدید درآمدها در مقایسه با تورم افزایشی جزئی داشته است و بسته‌های حمایتی دولت مانند بارانه نقدی و توزیع کالا برگ هم تناسبی با قیمت‌های سرسام‌آور کالاها ندارد و نتوانسته از سفره‌های مردم مراقبت کند.

در آنسو پس تعطیلات نوروز موج اخراج نیروی کار در ایران شکل گرفته و میلیون‌ها نفر را متأثر کرده است. واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی که تحت رکود تورمی مزمن سالها و ماه‌های گذشته با زیان و کمبود منابع روبرو شده بودند به‌علت هفته‌ها قطع سراسری اینترنت و رکود ناشی از جنگ با بحران روبرو شدند و برای کاهش هزینه‌ها بخشی از نیروی کار خود را اخراج کردند.

اینهمه شرایط نگران‌کننده میلیون‌ها شاغل بیکار شده و کم‌درآمد در کشور را نشان می‌دهد که تورم فزاینده سبب سقوط قدرت خرید آنها شده است.

پنجاه‌وهشت روز خاموشی اینترنت در ایران؛ سازمان نظام پرستاری اینترنت طبقاتی و تبعیض آمیز «پرو» را نپذیرفت

● راه‌اندازی اینترنت طبقاتی با گذشت یک ماه از دوره اخیر قطع اینترنت جهانی در ایران، و با پایان تعطیلات نوروز، به‌طور رسمی آغاز شد. بخشی از مشاغل و اصناف از جمله اعضای اتاق بازرگانی، روزنامه‌نگاران، اساتید دانشگاه و اعضای نظام پزشکی مشمول طرح اینترنت طبقاتی هستند که به اسم «اینترنت پرو» در حال توزیع است.

● سازمان نظام پرستاری در بیانیه‌ای اعلام کرده «تا زمان رفع محدودیت‌های دسترسی مردم به اینترنت بین‌الملل، هیچ امتیاز ویژه‌ای درخواست نمی‌کنیم.»

● وبسایت «اقتصاد نیوز» در گزارشی از گردش مالی ۶۰ هزار میلیارد تومانی «اینترنت پرو» در یک ماه خبر داده که به جیب مافیاهای حکومتی خواهد رفت!

● قادر باستانی تهریزی، استاد حوزه ارتباطات اجتماعی: اینترنت طبقاتی فقط یک مسئله فنی یا اقتصادی نیست، یک مسئله اجتماعی است. وقتی عده‌ای دسترسی دارند و عده‌ای ندارند، احساس تبعیض و بی‌عدالتی شکل می‌گیرد. این موضوع می‌تواند خشم اجتماعی تولید کند و شکاف‌ها را عمیق‌تر کند.

پنجاه‌وهشت روز از قطع اینترنت جهانی در ایران می‌گذرد و عموم شهروندان با ۱۳۷۰ ساعت قطع اینترنت جهانی در خاموشی به‌سر می‌برند. جمهوری اسلامی در حالی از مدت‌ها پیش برای بخشی از «خودی‌ها» اینترنت جهانی را تحت عنوان «سیم‌کارت سفید» راه‌اندازی کرده بود که اکنون طرح اینترنت طبقاتی را اجرا کرده و بخشی از اصناف و مشاغل به‌صورت کنترل‌شده می‌توانند با پرداخت هزینه به اینترنت جهانی وصل شوند. این روند که بیانگر محرومیت شهروندان از حق طبیعی دسترسی به اینترنت است، گردش مالی هنگفتی را برای مافیاهای حکومتی فیلترینگ ایجاد کرده است.

راه‌اندازی اینترنت طبقاتی با گذشت یک ماه از دوره اخیر قطع اینترنت جهانی در ایران، و با پایان تعطیلات نوروز، به‌طور رسمی آغاز شد. بخشی از مشاغل و اصناف از جمله اعضای اتاق بازرگانی، روزنامه‌نگاران، اساتید دانشگاه و اعضای نظام پزشکی مشمول طرح اینترنت طبقاتی هستند که به اسم «اینترنت پرو» در حال توزیع است.

در این میان سازمان نظام پرستاری در بیانیه‌ای اعلام کرده «تا زمان رفع محدودیت‌های دسترسی مردم به اینترنت بین‌الملل، هیچ امتیاز ویژه‌ای درخواست نمی‌کنیم.»

در بیانیه سازمان نظام پرستاری که روز یکشنبه

است. با توجه به ترکیب این شورا، شامل رؤسای قوا، وزرا و مقامات ارشد، وزن دولت در تصمیم‌گیری قابل توجه است و نمی‌توان ادعا کرد که دولت نقشی تعیین‌کننده در این فرایند ندارد.

این وکیل دادگستری گفته در اصل ۷۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده «در شرایط جنگ یا وضعیت اضطراری، اعمال محدودیت‌ها تنها با تصویب مجلس ممکن است و این محدودیت‌ها نیز باید موقت و حداکثر ۳۰ روزه باشند، مگر آنکه مجدداً تمدید شوند.»

او افزوده «حتی در شرایط اضطراری نیز محدودیت‌ها باید «ضروری، قانونی، موقت و دارای چارچوب مشخص» باشند» و «قانون اساسی به‌عنوان «قانون مادر» باید مبنای تمام تصمیمات باشد و هر نوع محدودیت یا سیاست‌گذاری حتی در شرایط بحران باید در چارچوب آن و با رعایت کامل تشریفات قانونی انجام شود.»

محمدحمید شهریور افزوده «اینترنت پرو» اگرچه در

۱۵۰ گیگابایت خواهد رسید؛ عددی که معادل ۳ بسته ۵۰ گیگی است و در نتیجه، هزینه‌ای در حدود ۶ میلیون تومان در ماه را به او تحمیل می‌کند. به این ترتیب، اینترنت به‌تدریج در حال تبدیل شدن به یکی از اقلام پرهزینه سبد مصرفی خانوار است؛ آن هم در شرایطی که تا همین چندی پیش، چنین سطحی از هزینه برای این خدمت قابل تصور نبود.

«اقتصاد نیوز» در ادامه نوشته این اعداد، زمانی معنا و وزن واقعی خود را نشان می‌دهند که در مقیاس کلان بررسی شوند. بر اساس اظهارات رسمی وزیر ارتباطات، حدود ۱۰ میلیون نفر در ایران به‌طور مستقیم برای فعالیت‌های شغلی، آموزشی یا اقتصادی خود به اینترنت پایدار وابسته‌اند.

اگر تنها همین گروه را مبنای قرار دهیم و فرض کنیم که این افراد به استفاده از اینترنت پرو روی بیاورند، حاصل ضرب هزینه ماهانه هر کاربر در تعداد کاربران، به رقمی در

ششم اردیبهشت ۱۴۰۵ منتشر شده آمده با توجه به محدودیت‌های ایجاد شده در دسترسی به اینترنت بین‌الملل به دلیل شرایط خاص جنگی کشور و ارائه دسترسی محدود (اینترنت پرو) به برخی اقشار، امکان اعطای این امتیاز به اعضای سازمان نظام پرستاری نیز از سوی مقامات مسئول اعلام شد، لکن سازمان نظام پرستاری براساس بررسی جوانب مختلف تا زمان رفع محدودیت‌های دسترسی عموم مردم به اینترنت بین‌الملل، درخواست هیچ امتیاز ویژه‌ای را برای اعضای خود نخواهد داشت.»

از سوی دیگر واکنش‌ها به اجرای طرح اینترنت طبقاتی در ایران افزایش یافته است. وبسایت «اقتصاد نیوز» در گزارشی از گردش مالی ۶۰ هزار میلیارد تومانی «اینترنت پرو» در یک ماه خبر داده که به جیب مافیاهای حکومتی خواهد رفت! در این گزارش آمده اینترنت در ایران، آرام و بی‌سروصدا از یک حق شهروندی و خدمت عمومی به کالایی سهمیه‌بندی‌شده و گران‌قیمت تبدیل شده است؛ کالایی



ظاهر یک سرویس برای حمایت از کسب‌وکارها در شرایط بحران معرفی می‌شود، اما در ساختار اجرائی خود یک تغییر مهم را نشان می‌دهد: حرکت از «اینترنت عمومی با اختلال» به سمت «اینترنت گزینشی با دسترسی کنترل‌شده». در این مدل، مسئله اصلی دیگر فقط فیلترینگ یا قطعی نیست؛ بلکه بازتعریف حق دسترسی به اینترنت است.

قادر باستانی تیریزی، استاد حوزه ارتباطات اجتماعی، نیز در گفت‌وگو با خبرگزاری «ایلنا» با هشدار درباره اینکه «اینترنت پرو خشم اجتماعی تولید می‌کند» گفته این اینترنت ویژه و مدل قیمت‌گذاری را نوعی جریمه برای اتصال مردم به جهان توصیف کرده و معتقد است حق عمومی مردم در حال تبدیل شدن به یک کالای گران‌قیمت است.

این کارشناس ارشد ارتباطات تأکید کرده «اینترنت طبقاتی فقط یک مسئله فنی یا اقتصادی نیست، یک مسئله اجتماعی است. وقتی عده‌ای دسترسی دارند و عده‌ای ندارند، احساس تبعیض و بی‌عدالتی شکل می‌گیرد. این موضوع می‌تواند خشم اجتماعی تولید کند و شکاف‌ها را عمیق‌تر کند.»

او هشدار داده که «اینترنت طبقاتی باعث شکل‌گیری احساس بی‌عدالتی می‌شود؛ وقتی عده‌ای دسترسی دارند و عده‌ای ندارند، این وضعیت می‌تواند فشار مضاعفی بر معیشت مردم وارد کند.»

حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان در ماه می‌رسد؛ یعنی بازاری ۶۰ هزار میلیارد تومانی که در صورت تحقق، یکی از بزرگ‌ترین گردش‌های مالی در حوزه خدمات دیجیتال کشور را شکل خواهد داد!

«اقتصاد نیوز» همچنین تأکید کرده «اینترنت پرو» از یک سو، بازاری بزرگ و بالقوه سودآور است که می‌تواند گردش مالی ده‌ها هزار میلیارد تومانی ایجاد کند و از سوی دیگر، خدمتی پرهزینه و محدود که هنوز کارایی و کیفیت آن برای کاربران روشن نیست. در چنین شرایطی، آنچه بیش از هر چیز اهمیت پیدا می‌کند، شفافیت در اعداد، سازوکارها و اهداف است؛ شفافیتی که در غیاب آن، حتی بزرگ‌ترین بازارها نیز با تردید و بی‌اعتمادی همراه خواهند بود.

جدا از عدم شفافیت و ابهام در موضوع «اینترنت پرو» برخی کارشناسان نیز از جنبه حقوقی طبقه‌بندی شهروندان برای برخورداری از حق دسترسی به اینترنت را بررسی کرده‌اند.

محمدحمید شهریور، وکیل پایه‌یک دادگستری گفته دولت از یک سو با اینترنت طبقاتی اعلام مخالفت می‌کند، اما از سوی دیگر، رئیس‌جمهور ریاست شورای عالی امنیت ملی را بر عهده دارد؛ شورایی که این طرح در آن تصویب شده

که ابتدا دسترسی آزاد به آن محدود شد و حالا در قالب «اینترنت پرو» با قیمت‌هایی چندبرابری و در شرایطی مبهم به کاربران بازگردانده می‌شود.

بر اساس این گزارش بسته ۵۰ گیگابایتی اینترنت پرو با قیمتی در حدود دو میلیون تومان عرضه خواهد شد؛ عددی که وقتی به مقیاس هر گیگابایت تبدیل می‌شود، به ۴۰ هزار تومان می‌رسد. در این میان، شاید یکی از مهم‌ترین نقاط ابهام، خود مفهوم «۵ گیگابایت در روز» باشد؛ عددی که در ظاهر قابل‌قبول به نظر می‌رسد، اما در زیست دیجیتال امروز، کارکردی به‌مراتب محدودتر دارد.

این وضعیت را می‌توان به‌عنوان تغییری در تعریف «زندگی آنلاین» در ایران در نظر گرفت. جایی که کار، آموزش، ارتباطات و حتی هویت اجتماعی به اینترنت گره خورده، محدودسازی مصرف به چنین سطحی، به معنای محدودسازی این زیست دیجیتال است.

«اقتصاد نیوز» تأکید کرده که سقف مصرف روزانه ۵ گیگابایت، اگرچه در نگاه نخست عددی قابل‌قبول به نظر می‌رسد، اما در عمل، کاربران حرفه‌ای یا حتی مصرف‌کنندگان عادی را به خرید مکرر بسته‌ها وادار می‌کند.

این گزارش افزوده اگر یک کاربر بخواهد از همین سقف روزانه به‌طور کامل استفاده کند، مصرف ماهانه او به حدود

افزایش پرسرعت قیمت کالاها و خدمات در ایران؛ هشدار رسانه‌های حکومتی به دولت درباره پیامدهای امنیتی گرانی



هادی احمدی افزود «قیمت داروها در این بازه زمانی بین ۳۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش داشته که بسته به نوع محصول متفاوت بوده است. یکی از دلایل اصلی این افزایش، وابستگی حدود ۷۰ درصدی فرآیند تولید دارو به ارز آزاد است؛ به طوری که با تغییر نرخ ارز، هزینه‌های تولید نیز به طور مستقیم افزایش می‌یابد و صنعت ناچار است برای ادامه فعالیت، مواد اولیه و ملزومات را با قیمت‌های بالاتر تأمین کند؛ آنچه رخ داده اصلاح قیمت است، نه صرفاً افزایش قیمت.»

در بخش خدمات نیز هزینه‌ها با افزایش قابل توجهی روبروست. برای نمونه از ابتدای سال ۱۴۰۵ نرخ کرایه وانت‌بار با افزایش ۲۵ درصدی نسبت به سال گذشته روبرو شده است. افزایش نرخ حمل‌ونقل با وانت‌بار بر افزایش قیمت تمام شده اغلب کالاها موثر است.

اگر چه فعالان صنفی افزایش نرخ کرایه وانت‌بار را با توجه به افزایش هزینه‌های رانندگان، اقدامی منطقی ارزیابی می‌کنند اما کارشناسان تأکید دارند این افزایش نرخ سبب افزایش قیمت کالاها کاهش حاشیه سود خرده‌فروشان، و تغییر در الگوی ارسال سفارش‌ها می‌شود.

همانطور که رانندگان افزایش نرخ کرایه وانت‌بار را ناشی از افزایش هزینه‌ها می‌دانند، تنها دو روز پیش از اعلام رسمی افزایش نرخ کرایه، خبر افزایش رسمی قیمت تابر منتشر شد. محمدرضا گنجی عضو هیئت مدیره انجمن صنفی صنعت تابر اعلام کرد بر اساس توافقات انجام شده، از روز دوشنبه ۳۱ فروردین ماه قیمت انواع تابر بایاس و رادیال ۳۰ درصد افزایش پیدا کرد.

محمدرضا گنجی افزوده این افزایش هیچ سودی برای شرکت‌های تاپرساز نخواهد داشت و فقط برای ادامه تولید اعمال شده است.

گرانی کالاها و خدمات در حال حاضر در

مقامات دولت مدعی هستند وضعیت اقتصاد کشور پایدار است و هیچ‌گونه کمبود ناشی از شرایط جنگی در کشور وجود ندارد؛ ادعایی که واقعیت‌ها در بازار آن را رد می‌کند. در هفته‌های گذشته افزایش قیمت همه کالاها و خدمات در بازارهای مختلف ایران سبب شوک بزرگی به شهروندانی شده است که مدت‌هاست زیر بار تورم گرفتار هستند و درآمد‌های آنها کفاف پوشش ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد.

دولت در شرایطی که ادعای کنترل وضعیت اقتصادی در شرایط جنگ را دارد و از ذخائر کافی و وفور کالا می‌گوید که در آنسو مجوز افزایش قیمت رسمی کالاها را یکی پس دیگری صادر می‌کند. افزایش دستوری و رسمی قیمت کالا به این معناست که دیگر دولت در توجیه گرانی نمی‌تواند انگشت اتهام را به سوی «دلان» و «گرانفروشان» دراز کند. هفته گذشته قیمت سه کالای اساسی و ضروری خوراکی با افزایش قابل توجهی روبرو شد. پرویز جعفری مدیرعامل شرکت پشتیبانی امور دام از افزایش قیمت رسمی و نرخ دولتی مرغ، تخم‌مرغ و گوشت خبر داد و گفت: «قیمت هر کیلو گوشت قرمز یک میلیون و ۲۸۰ هزار تومان، گوشت مرغ ۳۲۰ هزار تومان و هر شانه تخم‌مرغ ۵۰۰ هزار تومان است.» فقط مواد خوراکی نیستند که با افزایش قیمت روزانه روبرو شده‌اند و قیمت انواع دارو نیز به عنوان گروه دیگری از کالاها حیاتی و ضروری با افزایش سرسام‌آور روبرو شده است.

هادی احمدی، سخنگو و عضو هیئت مدیره انجمن داروسازان ایران، هفته گذشته درباره افزایش قیمت دارو گفت «برای بیش از ۵۰۰۰ قلم دارو تغییر قیمت اعمال شده است؛ تغییراتی که مربوط به پیش از جنگ بود، در دوره جنگ متوقف شد و اکنون پس از پایان آن، دوباره در حال اجراست.»

● در هفته‌های گذشته افزایش قیمت همه کالاها و خدمات در بازارهای مختلف ایران سبب شوک بزرگی به شهروندانی شده است که مدت‌هاست زیر بار تورم گرفتار هستند و درآمد‌های آنها کفاف پوشش ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد.

● گرانی کالاها و خدمات در حال حاضر در جمعیت کشور تناسبی با میزان افزایش قیمت‌ها ندارد. اگر چه در سال جدید حقوق و دستمزدها در بخش‌های مختلف کارمندی و کارگری و بازنشستگی با افزایش روبرو شده اما همچنان به علت تورم، ارزش واقعی درآمد‌ها با کاهش روبرو بوده است.

● در شرایطی که خرید یک کیلوگرم گوشت در فروشگاه‌های دولتی یک میلیون و ۲۸۰ هزار تومان و در خرده‌فروشی‌ها بیش از این هزینه روی دست خانوار می‌گذارد که در سال جدید خورشیدی یک کارگر متأهل و دارای فرزند در صورت دریافت حقوق کامل و همه مزایای شغلی، از حق مسکن تا حق اولاد، درآمدی کمتر از ۲۵ میلیون تومان در ماه خواهد داشت.

● روزنامه «اطلاعات» در یادداشتی به روند افزایش بی‌رویه قیمت‌ها در روزهای اخیر پرداخته و نوشته ادامه این روند ممکن است موضوع قیمت‌ها را به فاز امنیتی بکشاند. همچنین، با وجود عدم کمبود در بازار، قدرت خرید مردم به دلیل افزایش لحظه‌ای قیمت‌ها کاهش یافته است.

● روزنامه «همشهری» چاپ تهران در مطلبی به افزایش قیمت کالاها اشاره کرده و از بی‌اثر بودن طرح‌های حمایتی دولت از جمله توزیع کالا برک با همان کوبن که از ابتدای زمستان توسط دولت پزشکیان اجرا شده خبر داده است.

با پایان تعطیلات نوروز در ایران قیمت انواع کالا و خدمات در ایران با افزایش قیمت قابل توجهی روبرو شده است.

تابستان ۱۴۰۵ زودتر از موعد آغاز می‌شود؛ هشدار درباره کمبود منابع آب آشامیدنی و کشاورزی



از جمله سدهای استان‌های تهران، مرکزی، خراسان رضوی، قم، اصفهان و زنجان همچنان شرایط خوبی از نظر ذخیره آبی ندارند و تأمین آب آشامیدنی در شهرهایی مانند تهران، کرج، مشهد، اراک، قم، اصفهان و یزد با محدودیت‌هایی همراه است.

استان‌های تهران و البرز که در مجموع بیش از ۲۱ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده اند با وجود بارندگی‌های مطلوب، در شرایط بحرانی منابع آب قرار دارند و وضعیت سدهای تأمین‌کننده آب این دو استان همچنان با چالش‌های جدی روبروست.

بررسی وضعیت سدهای تأمین‌کننده آب آشامیدنی و کشاورزی تهران و البرز تا ۳۱ فروردین ۱۴۰۵ بیانگر این است که سد «امیرکبیر» یکی از مهمترین سدهای استان تهران تا این تاریخ با ۵۸ میلیون متر مکعب موجودی و ۳۲ درصد پرشدگی ۷ درصد بیشتر از مدت مشابه سال آبی گذشته و ۵۱ درصد کمتر از متوسط ۱۰ ساله آب دارد.

سد «لار» در سامانه شرق با ۲۱ میلیون متر مکعب موجودی با ۹۸ درصد حجم خالی و شرایط منفی ۵۷ درصد نسبت به پارسل و منفی ۷۷ درصد نسبت به متوسط ۱۰ ساله مواجه است. سد «طالقان» نیز با ۲۶ درصد پرشدگی ۵۳ درصد نسبت به پارسل و ۶۷ درصد نسبت به متوسط ۱۰ ساله ذخیره آبی کمتری دارد.

سد «لتیان-ماملو» هم با ۷۷ میلیون متر مکعب موجودی در شرایط مثبت ۶ درصد نسبت به سال آبی گذشته و منفی ۵۷ درصد نسبت به متوسط ۱۰ ساله قرار دارد.

مطالعه وضعیت بارش در سال جاری نشان می‌دهد ارتفاع بارش‌های جوی از اول مهر ۱۴۰۴ - آغاز سال آبی ایران - تا ۳۰ فروردین ۱۴۰۵ معادل ۲۱۱/۲ میلیمتر است این مقدار بارندگی در دوره‌های مشابه درازمدت ۲۰۷ میلیمتر و در دوره مشابه سال آبی گذشته ۱۳۲/۹ میلیمتر است.

● احمد وظیفه رئیس مرکز ملی اقلیم سازمان هواشناسی با اعلام اینکه تابستان امسال زودتر از موعد آغاز می‌شود گفته طبق پیش‌بینی‌ها، دمای کشور در تابستان امسال ۱/۵ تا ۲ درجه سانتی‌گراد بالاتر از میانگین بلندمدت خواهد بود و در اوج گرما، این دما ممکن است به ۵ تا ۶ درجه گرم‌تر از نرمال برسد.

● رئیس مرکز ملی اقلیم سازمان هواشناسی افزوده «در این شرایط، برخی هفته‌ها شاهد امواج گرمایی بسیار شدید، به‌خصوص در فلات مرکزی ایران مانند استان‌های اصفهان، تهران، قم و یزد خواهیم بود.»

احمد وظیفه رئیس مرکز ملی اقلیم سازمان هواشناسی اعلام کرده که فصل تابستان امسال چند هفته زودتر از معمول و از اواخر اردیبهشت‌ماه آغاز می‌شود. او افزوده استان‌هایی که در فلات مرکزی ایران هستند بیش از دیگر استان‌ها از افزایش دمای هوا متأثر خواهند شد.

احمد وظیفه با اعلام این خبر گفته طبق پیش‌بینی‌ها، دمای کشور در تابستان امسال ۱/۵ تا ۲ درجه سانتی‌گراد بالاتر از میانگین بلندمدت خواهد بود و در اوج گرما، این دما ممکن است به ۵ تا ۶ درجه گرم‌تر از نرمال برسد.

رئیس مرکز ملی اقلیم سازمان هواشناسی افزوده «در این شرایط، برخی هفته‌ها شاهد امواج گرمایی بسیار شدید، به‌خصوص در فلات مرکزی ایران مانند استان‌های اصفهان، تهران، قم و یزد خواهیم بود.»

احمد وظیفه درباره بارش‌های تابستانه توضیح داده که این بارش‌ها معمولاً از نیمه دوم تیرماه آغاز شده، در مرداد به اوج می‌رسند و تا اوایل شهریور در جنوب شرق کشور (شامل شرق هرمزگان، جنوب شرق کرمان و نیمه جنوبی سیستان و بلوچستان) ادامه می‌یابند.

رئیس مرکز ملی اقلیم سازمان هواشناسی افزوده «با توجه به انتظار حاکمیت فاز گرم پدیده ال‌نینو، انتقال رطوبت به شبه قاره هند و در نتیجه مونسون ضعیف‌تر خواهد بود. این امر منجر به انتقال رطوبت کمتر به جنوب شرق ایران و بارندگی‌های کمتر از میانگین بلندمدت می‌شود.»

اگر چه میزان بارش در برخی استان‌ها طی ماه‌های اسفند ۱۴۰۴ و فروردین ۱۴۰۵ مثبت ارزیابی شده اما احمد وظیفه تأکید کرده میزان بارندگی در برخی استان‌ها، از جمله تهران، مرکزی، قزوین و سمنان کمتر از حد نرمال بوده است.

او افزوده «میانگین بارندگی تهران ۳۵ درصد کمتر از میانگین بلندمدت ثبت شده است» و با توجه به اینکه استان‌هایی مانند تهران ششمین سال کم‌بارشی خود را پشت سر می‌گذارند، بر اثرات مخرب خشکسالی و محسوس‌تر بودن کم‌آبی در این مناطق تأکید کرد.

آمارها نشان می‌دهد استان‌هایی که در ماه‌های گذشته با بارش کمتر از حد نرمال روبرو بودند، استان‌هایی هستند که به گفته رئیس مرکز ملی اقلیم سازمان هواشناسی در تابستانی که امسال زود هنگام آغاز می‌شود نیز با افزایش دمای بیشتری روبرو می‌شوند. این دو موضوع در کنار یکدیگر تأمین آب آشامیدنی و کشاورزی برای این استان‌ها را با بحران روبرو خواهد کرد.

هفته گذشته نیز آمارهای منتشر شد که نشان می‌داد با وجود بارندگی مناسب در بسیاری نقاط کشور، برخی سدها

جمعیت کشور تناسبی با میزان افزایش قیمت‌ها ندارد. اگر چه در سال جدید حقوق و دستمزدها در بخش‌های مختلف کارمندی و کارگری و بازنشستگی با افزایش روبرو شده اما همچنان به علت تورم، ارزش واقعی درآمد‌ها با کاهش روبرو بوده است.

برای نمونه در شرایطی که خرید یک کیلوگرم گوشت در فروشگاه‌های دولتی یک میلیون و ۲۸۰ هزار تومان و در خرده‌فروشی‌ها بیش از این هزینه روی دست خانوار می‌گذارد که در سال جدید خورشیدی یک کارگر متأهل و دارای فرزند در صورت دریافت حقوق کامل و همه مزایای شغلی، از حق مسکن تا حق اولاد، درآمدی کمتر از ۲۵ میلیون تومان در ماه خواهد داشت. از سوی دیگر به علت تورم شدید در بخش اجاره‌بهای مسکن، سهم عمده درآمد خانوارهای مستأجر برای پرداخت اجاره هزینه می‌شود و در نتیجه پولی برای خرید اقلام خوراکی و دارو و دیگر کالاهای ضروری باقی نمی‌ماند!

بحران گرانی و دستمزدهای ناچیز حتی واکنش برخی رسانه‌های حکومتی در درون ایران را نیز طی روزهای گذشته در پی داشته است.

روزنامه «اطلاعات» در یادداشتی به روند افزایش بی‌رویه قیمت‌ها در روزهای اخیر پرداخته و نسبت به لزوم ورود نهادهای حاکمیتی به بحث کنترل قیمت‌ها هشدار داده است. در این مطلب آمده که برخی گرانی‌ها بهانه‌های واهی دارند و ادامه این روند ممکن است موضوع قیمت‌ها را به فاز امنیتی بکشاند. همچنین، با وجود عدم کمبود در بازار، قدرت خرید مردم به دلیل افزایش لحظه‌ای قیمت‌ها کاهش یافته است.

«اطلاعات» افزوده «به عنوان نمونه، یک فروشگاه معروف در غرب تهران قیمت نان لواش را از ۱۴۰۰ تومان به ۳۲۰۰ تومان افزایش داده و در یک سال گذشته سه بار قیمت را بالا برده است. همچنین، برخی فروشگاه‌ها از غفلت مشتریان برای فروش کالاهای گران‌تر استفاده می‌کنند. در این شرایط، بعید است دولت‌مردی ریسک حذف یا کاهش یارانه نان را بپذیرد و مسئولان ذریبط باید نظارت بیشتری بر بازار و فروشگاه‌ها داشته باشند تا از تحمیل فشارهای بیشتر بر مردم جلوگیری شود.»

روزنامه «همشهری» چاپ تهران در مطلبی به افزایش قیمت کالاها اشاره کرده و از بی‌اثر بودن طرح‌های حمایتی دولت از جمله توزیع کالا بزرگ یا همان کوپن که از ابتدای زمستان توسط دولت پزشکیان اجرا شده خبر داده است.

در این مطلب آمده «واکاوای آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد شاخص قیمت مواد خوراکی و آشامیدنی در طول سه ماهه زمستان (همان سه ماه نخست اجرای طرح کالا بزرگ) حدود ۳۳ درصد افزایش یافته است. به بیان ساده‌تر، یک سبد کالای خوراکی یکسان که در پایان پاییز خریداری می‌شد، در پایان زمستان ۳۳ درصد گران‌تر تمام شده است.»

«همشهری» افزوده «در ادامه این فرایند، با تداوم روند صعودی تورم در فروردین و اردیبهشت، این شکاف همچنان عمیق‌تر شده، درحالی‌که اعتبار کالا بزرگ ثابت مانده است. وعده اولیه این بود که اعتبار کالا بزرگ برای جبران هزینه ناشی از اصلاح نرخ ارز واردات کالاهای اساسی است و متناسب با تغییر قیمت‌ها تعدیل خواهد شد. اما حالا که قیمت‌ها ۳۳ درصد جهش کرده، اعتبار کالا بزرگ همان یک میلیون تومان مانده است.»

این مطلب تأکید کرده که «با این حساب، قدرت خرید واقعی این اعتبار در همین چند ماه، حدود یک‌سوم آب رفته است!»

بانک مرکزی: میانگین قیمت مواد غذایی در فروردین ۸/۹ درصد افزایش یافت و تورم نقطه‌ای ۶۷ درصد شد



خریده‌های غیرضروری، برنامه‌های تفریحی، حتی بعضی از عادت‌های کوچک روزه در میان خانوارها بوده است؛ آنچه باقی ماند، حداقل‌هایی بود برای ادامه دادن.

«اقتصاد نیوز» نوشته این جابه‌جایی، فقط یک تغییر اقتصادی نیست؛ نوعی بازتعریف اولویت‌هاست. در شرایطی که آینده قابل پیش‌بینی نیست، «خواسته‌ها» عقب می‌نشینند و «نیازها» به خط مقدم می‌آیند. حتی در روایت حمید، راننده تاکسی در جنوب تهران، این تغییر به شکلی ملموس‌تر دیده می‌شود: «قبلاً برای بچه‌ها هر هفته به چیزی می‌خریدم، الان فقط خرید خونه مهمه.»

در این میان، شانه‌ها پراکنده اما هم‌جهت‌اند؛ افزایش تقاضا برای اقلام اساسی، کاهش هزینه‌های تفریحی، و نوعی احتیاط جمعی که در رفتار اقتصادی شکل گرفته است.

آنچه در میان تورم و افزایش قیمت‌ها قابل توجه است موج گسترده اخراج نیروی کار است. شمار اخراج‌شدگان در دو ماه گذشته از سوی منابع دولت دو میلیون نفر اعلام شده اما فعالان اقتصادی و تحلیلگران معتقدند دست‌کم چهار میلیون شاغل از کار بیکار شده‌اند.

واحدهای مختلف صنعتی، تولیدی و خدماتی به علت افزایش هزینه‌ها و رکود در بازار ناچار شده‌اند فعالیت‌های خود را متوقف کرده یا کاهش دهند. در آنسو برای جلوگیری از ورشکستگی و ایجاد زیان انباشته بخشی از کارکنان خود را اخراج کرده‌اند تا بتوانند با کاهش هزینه‌ها از شرایط بحرانی زیر سایه جنگ و قطع اینترنت عبور کنند.

بیکاری برای میلیون‌ها کارمند و کارگری که بیکار شده‌اند در کنار تورم فزاینده و افزایش قیمت‌ها به معنای سقوط به زیر خط فقر و فلاکت است. این در حالیست که بخشی از شاغلان نیز به علت پایین بودن درآمدها همچنان برای تأمین هزینه‌های زندگی از جمله خوراک و اجاره مسکن با مشکل روبرو هستند؛ مانند کارگران، بازنشستگان و آموزگاران!

این در حالیست که جریبات این گزارش از افزایش فشار تورم ماهانه بر سبد خرید افشار کم‌آمد حکایت دارد. بر اساس اعلام بانک مرکزی شاخص تغییر قیمت مواد خوراکی و آشامیدنی در ماه فروردین معادل ۸/۹ درصد بوده است. گزارش بانک مرکزی اعلام کرده که شاخص قیمت کالاها و خدمات نسبت به ماه مشابه سال قبل معادل ۶۷ درصد افزایش یافته است؛ عددی که به‌عنوان تورم نقطه‌ای شناخته می‌شود و به این معناست که یک خانوار برای خرید یک سبد مشخص و ثابت از کالا در فروردین ۱۴۰۵، ۶۷ درصد بیشتر از فروردین ۱۴۰۴ هزینه کرده است.

میزان تورم در دوازده ماه منتهی به فروردین ۱۴۰۵ نسبت نیز از سوی بانک مرکزی ۵۰/۶ درصد اعلام شده است. این نرخ تورم در حالی است در فروردین سال گذشته، نرخ تورم سالانه حدود ۳۳ درصد بود.

گزارش بانک مرکزی در شرایطی منتشر شده که همچنان گزارش مرکز آمار ایران، که منبع اصلی انتشار گزارش‌های تورم در اقتصاد ایران است، از تورم فروردین منتشر نشده است.

با اینهمه گزارش‌های میدانی نیز از تورم فزاینده و افزایش پرسرعت قیمت‌ها در ایران، و سقوط قدرت خرید خانوارها شده است.

در همین رابطه وبسایت «اقتصاد نیوز» در گزارشی با اشاره به افزایش قیمت‌ها طی دو ماه گذشته و کاهش قدرت خانوارها، از تغییر سبک زندگی ایرانیان و حذف خریدهای غیرضروری خبر داده است.

در این گزارش آمده بیش از یک ماه از آغاز جنگ گذشته و حالا رد آن نه فقط در سیاست و اقتصاد کلان، بلکه در کوچک‌ترین انتخاب‌های روزمره مردم دیده می‌شود؛ جایی که زندگی از مصرف به بقا تغییر مسیر داده است.

بر اساس گزارش «اقتصاد نیوز» نخستین تغییری که طی هفته‌های گذشته بی‌صدا اما سریع اتفاق افتاد حذف

● به گزارش بانک مرکزی شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در فروردین ۱۴۰۵ نسبت به ماه قبل معادل ۷ درصد افزایش داشت. ثبت تورم هفت درصدی ماهانه نشان می‌دهد میانگین قیمت کالاها و خدمات در ایران طی فقط چهار هفته با افزایش هفت درصدی روبرو شده است.

● بر اساس اعلام بانک مرکزی شاخص تغییر قیمت مواد خوراکی و آشامیدنی در ماه فروردین معادل ۸/۹ درصد بوده است.

● شاخص قیمت کالاها و خدمات نسبت به ماه مشابه سال قبل معادل ۶۷ درصد افزایش یافته است؛ عددی که به‌عنوان تورم نقطه‌ای شناخته می‌شود و به این معناست که یک خانوار برای خرید یک سبد مشخص و ثابت از کالا در فروردین ۱۴۰۵، ۶۷ درصد بیشتر از فروردین ۱۴۰۴ هزینه کرده است.

● بیکاری برای میلیون‌ها کارمند و کارگری که بیکار شده‌اند در کنار تورم فزاینده و افزایش قیمت‌ها به معنای سقوط به زیر خط فقر و فلاکت است. این در حالیست که بخشی از شاغلان نیز به علت پایین بودن درآمدها همچنان برای تأمین هزینه‌های زندگی از جمله خوراک و اجاره مسکن با مشکل روبرو هستند؛ مانند کارگران، بازنشستگان و آموزگاران!

بانک مرکزی جمهوری اسلامی گزارش تورم اقتصاد ایران در فروردین ۱۴۰۵ را منتشر کرده که نشان از افزایش سرعت تورم در نخستین ماه سال جدید خورشیدی دارد.

به گزارش بانک مرکزی شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران (شاخص تورم) در فروردین ۱۴۰۵ به عدد ۶۱۵/۳ رسید که نسبت به ماه قبل معادل ۷ درصد افزایش داشت. ثبت تورم هفت درصدی ماهانه نشان می‌دهد میانگین قیمت کالاها و خدمات در ایران طی فقط چهار هفته با افزایش هفت درصدی روبرو شده است.

فساد در امنیتی‌ترین لایه‌های جمهوری اسلامی؛ دستور رئیس قوه قضاییه برای بررسی بازار سیاه خرید و فروش سیم‌کارت سفید در شرایط جنگی

فروشنده دیگری نیز گفته بود که در حال حاضر VPN سالم کم شده و بیشتر سرویس‌ها یا قطع هستند یا به زور وصل می‌شوند ولی سرویس‌های ما پرسرعت و تست شده هستند و اگر نیاز دارید معطل نکنید. ۵ گیگ ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان و ۳ گیگ ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان است.

در گزارش روزنامه «اعتماد» آمده بود که با فرض میانگین قیمت ۹۰۰ هزار تومان برای یک گیگابایت فیلترشکن، گردش مالی ماهانه این بازار بین ۲ تا ۴/۵ میلیارد تومان خواهد بود و درآمد سالانه آن به چندین میلیارد تومان می‌رسد.

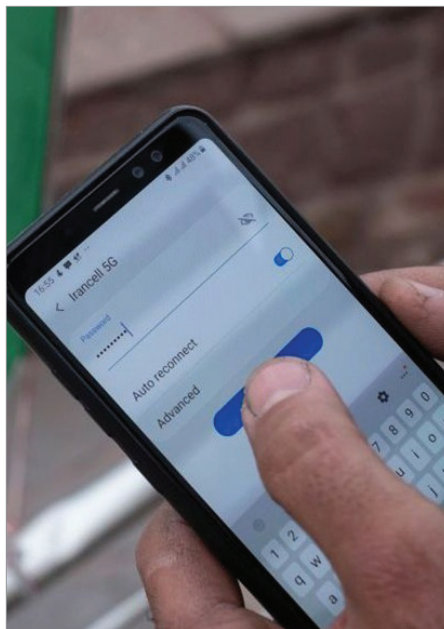
وبسایت «زومیت» که به‌طور تخصصی در زمینه اینترنت و فناوری اطلاعات فعال است گزارش داده که با وجود وعده‌های مکرر دولت و شخص رئیس‌جمهور مبنی بر برچیده شدن بساط تبعیض دیجیتال و پایان دوران «سیم‌کارت‌های سفید»، بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد اینترنت طبقاتی نه تنها متوقف نشده، بلکه با تغییر نام و یک مدل تجاری بی‌رحمانه وارد فاز جدیدی شده است.

بر اساس این گزارش یکی از اپراتورهای بزرگ کشور از طریق شرکت‌های زیرمجموعه خود، فروش رسمی سیم‌کارت‌هایی با اینترنت بدون فیلتر و آی‌پی بین‌المللی را آغاز کرده است؛ سیم‌کارت‌هایی با هزینه ورود بالای ۲ میلیون تومان که نشان می‌دهد فیلترینگ در ایران دیگر یک دغدغه امنیتی نیست، بلکه به یک «بیزینس‌مدل» بسیار سودآور برای فروش پهنای باند تبدیل شده است.

«زومیت» تأکید کرده که فیلترهای ورود به این باشگاه اینترنتی طبقاتی چندان هم سختگیرانه نیست و به نقل از یک فروشنده نوشته «درست است که این سیم‌کارت‌ها رسماً برای کسب‌وکارها عرضه می‌شود، اما سخت‌گیری خاصی برای افراد حقیقی وجود ندارد. هر فردی که به نام یک کسب‌وکار ثبت‌نام کند، می‌تواند اسامی افراد دیگر را نیز وارد لیست بهره‌مندان از این سیم‌کارت‌های بدون فیلتر کند. بر اساس اطلاعات به دست آمده به زومیت این سرویس از طریق دفاتر خدمات مشتریان گرید A به فروش می‌رسد و این دفاتر با دریافت کارمزدی متغیر، عملاً به بازاریابان اینترنتی طبقاتی اپراتور اول تبدیل شده‌اند.»

این گزارش افزوده «اوج نگاه تجاری به محدودیت‌های اینترنتی در قیمت‌گذاری این محصول نهفته است. طبق اطلاعات فروشنده و اسناد تبلیغاتی، متقاضیان برای دریافت این سیم‌کارت‌ها (یا فعال‌سازی سرویس روی سیم‌کارت فعلی خود) باید مبلغ ۲ میلیون و ۱۷۸ هزار تومان پرداخت کنند که همراه با آن یک بسته آغازین ۵۰ گیگابایتی هدیه داده می‌شود.»

بر اساس گزارش «زومیت» بخش جالب ماجرا، نحوه محاسبه بهای ترافیک پس از اتمام بسته اولیه است. در حالی که قیمت پایه خرید بسته برای این سیم‌کارت‌ها گیگی ۸ هزار تومان تعیین شده، اما اگر کاربر بخواهد به سایت‌ها و پلتفرم‌های فیلترشده (مانند اینستاگرام، تلگرام، یوتیوب و...) دسترسی پیدا کند، هزینه هر گیگابایت برای او ۴۰ هزار تومان محاسبه خواهد شد! این یعنی اپراتور، فیلترینگ را تحمیل‌شده بر مردم را به یک «آپشن وی‌آی‌پی» تبدیل کرده و بابت عبور از سدی که نهادهای حاکمیتی ساخته‌اند، ترافیک را با قیمت‌های نجومی به خود مردم می‌فروشد.



در سالهای گذشته بارها گزارش شده که مافیای فروش فیلترشکن به طور مستقیم به جمهوری اسلامی وابسته است و سالانه سود هنگفتی با چرخش بالای مالی این بازار به جیب می‌زند.

جمهوری اسلامی از نهم اسفندماه ۱۴۰۴ و ساعاتی پس از آغاز جنگ با اسرائیل و آمریکا اینترنت جهانی در ایران را قطع کرد. در هفته‌های گذشته گزارش‌هایی از بازار سیاه برای خرید و فروش فیلترشکن‌هایی برای امکان وصل کوتاه‌زمان به اینترنت منتشر شده بود.

«اینترنت سفید» یا «سیم‌کارت سفید» اینترنتی است که طی سالهای گذشته در شرایط قطع سراسری اینترنت جهانی در کشور، تحت نظارت نهادهای امنیتی به «خودی»‌ها تعلق می‌گیرد.

گزارش‌ها نشان می‌دهد طی دو ماه گذشته و در شرایط جنگی بازار سیاهی برای خرید و فروش این اینترنت ایجاد شده بود و حالا این بازار سیاه امتیاز اینترنتی طبقاتی که به اسم «اینترنت پرو» در حال توزیع برای برخی مشاغل است را نیز با قیمت گزاف معامله می‌شود.

روزنامه «اعتماد» چاپ تهران هفته گذشته گزارش داد که بررسی‌ها نشان می‌دهد که قیمت فیلترشکن در بازار و در شرایطی که همچنان سایه جنگ بر سر کشور است بسیار بالاست و بسته به حجم آن متفاوت است.

یکی از فروشندگان موبایل در غرب تهران در مورد قیمت هر یک گیگ فیلترشکن می‌گوید: به راحتی می‌توانید با وصل شدن به فیلترشکن به سایت‌هایی که فیلتر هستند متصل شوید، قیمت هر یک گیگ فیلترشکن در محدوده ۹۰۰ هزار تومان است و در حجم‌های بالاتر قیمت‌ها هم بالاتر می‌رود.

یک فروشنده دیگر گوشی موبایل در مرکز شهر به «اعتماد» گفته بود قیمت فیلترشکن متفاوت است ۵ گیگ فیلترشکن ۴ میلیون تومان و ۱۰ گیگ فیلترشکن ۹ میلیون تومان است. محدودیت زمانی هم ندارد و تا زمانی که این حجم به اتمام برسد زمان دارد.

● رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی با اشاره به فساد گسترده در توزیع «سیم‌کارت سفید» و بازار سیاه خرید و فروش اینترنت بدون فیلتر به دادستانی کل و سازمان بازرسی کل کشور دستور داد موضوع بازار سیاه خرید و فروش سیم‌کارت سفید را با «جدیت» بررسی کنند.

● غلامحسین محسنی اژه‌ای: این خطا را فقط به افراد و اقشاری با مشخصات خاص می‌دهند اما الان گزارش‌ها و اخباری هست که به برخی افراد داده‌اند که ربطی به شغلشان ندارد و بابت آن چند ده میلیون تومان پول گرفته‌اند» و «این روند مصداق تبعیض و فساد است.

● دستور رئیس قوه قضاییه برای بررسی بازار سیاه خرید و فروش اینترنت بدون فیلتر در حال است که توزیع «سیم‌کارت سفید» و «اینترنت پرو» تحت کنترل نهادهای امنیتی حکومت و با نظارت و مسئولیت شورای عالی امنیت ملی صورت می‌گیرد.

● وبسایت «زومیت» که به‌طور تخصصی در زمینه اینترنت و فناوری اطلاعات فعال است گزارش داده که با وجود وعده‌های مکرر دولت و شخص رئیس‌جمهور مبنی بر برچیده شدن بساط تبعیض دیجیتال و پایان دوران «سیم‌کارت‌های سفید»، بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد اینترنت طبقاتی نه تنها متوقف نشده، بلکه با تغییر نام و یک مدل تجاری بی‌رحمانه وارد فاز جدیدی شده است.

غلامحسین محسنی اژه‌ای روز یکشنبه هفتم اردیبهشت اسلامی با اشاره به فساد گسترده در توزیع «سیم‌کارت سفید» به دادستانی کل و سازمان بازرسی کل کشور دستور داد موضوع بازار سیاه خرید و فروش سیم‌کارت سفید را با «جدیت» بررسی کنند.

غلامحسین محسنی اژه‌ای روز یکشنبه هفتم اردیبهشت ۱۴۰۵ در نشست قوه قضاییه به فساد در توزیع «سیم‌کارت سفید» در شرایط جنگی و تشکیل یک بازار سیاه برای خرید و فروش این سیم‌کارت‌ها اشاره کرد و گفت گزارش‌هایی دریافت کرده که «این خطا را فقط به افراد و اقشاری با مشخصات خاص می‌دهند اما الان گزارش‌ها و اخباری هست که به برخی افراد داده‌اند که ربطی به شغلشان ندارد و بابت آن چند ده میلیون تومان پول گرفته‌اند» و «این روند مصداق تبعیض و فساد است.»

رئیس قوه قضاییه گفت «ضروری است دادستانی کل و سازمان بازرسی کل کشور، با جدیت به موضوع اینترنت سفید ورود کنند» و افزود «قابل قبول نخواهد بود که افرادی فاقد صلاحیت و یا عناصری سودجو از این بستر برای سوءاستفاده‌های بهره‌بردار می‌کنند.»

غلامحسین محسنی اژه‌ای همچنین گفته «اکنون در شرایط جنگی به سر می‌بریم و قوه قضاییه علاوه بر اهتمام ویژه در باب رسیدگی به پرونده عناصر ضدامنیتی، اولویت‌های مهم کاری خود را نیز طبق روال مدنظر داریم؛ از جمله این اولویت‌ها، مقوله احیای حقوق عامه است.»

دستور رئیس قوه قضاییه برای بررسی بازار سیاه خرید و فروش اینترنت بدون فیلتر در حال است که توزیع «سیم‌کارت سفید» و «اینترنت پرو» تحت کنترل نهادهای امنیتی حکومت و با نظارت و مسئولیت شورای عالی امنیت ملی صورت می‌گیرد.

قیمت اتومبیل در بازار ایران طی دو ماه تا ۴۵ درصد افزایش یافت



● در هشت هفته گذشته و در شرایطی که معاملات در بازار اتومبیل به کمترین سطح طی سالهای گذشته رسیده است، همزمان موجی از افزایش قیمت انواع اتومبیلها را در بر گرفته است.

● اتومبیل «ریرا» با ۴۵ درصد افزایش قیمت روبرو شده بطوریکه قیمت آن با یک میلیارد و ۱۱۵ میلیون تومانی افزایش، از ۲ میلیارد و ۴۸۵ میلیون تومان به ۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان رسیده است.

● اتومبیل «هایما PRO S5» با رشد ۳۱/۳ درصدی و افزایش ۸۶۰ میلیون تومانی و «پژو ۲۰۷ اتوماتیک TU5P» با رشد ۲۸ درصدی و افزایش ۴۸۰ میلیون تومانی در ردیف دوم و سوم افزایش قیمتها قرار دارند.

● تحلیلگران بازار اتومبیل تأکید دارد اتومبیلهای مونتاژی و مدل‌های جدیدتر به دلیل وابستگی بیشتر به نرخ ارز و هزینه‌های واردات قطعات، حساسیت بالاتری نسبت به نوسانات اقتصادی دارند و همین موضوع باعث شده افزایش قیمت در این بخشها پرشتاب‌تر باشد.

● تحلیلگران می‌گویند بخشی از افزایش قیمت‌ها ناشی از نگرانی نسبت به تبعات جنگ اخیر بر زنجیره تأمین صنعت خودرو باشد. آسیب به زیرساخت‌های کلیدی مانند فولاد و پتروشیمی، این تصور را در بازار تقویت کرده که هزینه تأمین قطعات در ماه‌های آینده افزایش خواهد یافت.

شرایط جنگ در حالی سبب رکود عمیق در بازار اتومبیل ایران شده است اما از آغاز جنگ تا کنون قیمت‌ها در این بازار با افزایش روبرو شده و برخی مدل‌های اتومبیل در فاصله تنها هشت هفته تا ۴۵ درصد افزایش را تجربه کردند. تورم در بازار اتومبیل ایران با وجود رکود عمیق ناشی از شرایط جنگ همچنان ادامه دارد. در هشت هفته گذشته و در شرایطی که معاملات در بازار اتومبیل به کمترین سطح طی سالهای گذشته رسیده است، همزمان موجی از افزایش قیمت انواع اتومبیلها را در بر گرفته است؛ به‌طوری‌که دامنه رشد از حدود ۳/۸ درصد تا ۴۵ درصد متغیر بوده است.

در صدر جدول، اتومبیل «ریرا» با ثبت رشد ۴۵ درصدی، بیشترین افزایش قیمت را تجربه کرده و با جهش یک میلیارد و ۱۱۵ میلیون تومانی، از ۲ میلیارد و ۴۸۵ میلیون تومان به ۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان رسیده است. پس از آن، اتومبیل «هایما PRO S5» با رشد ۳۱/۳ درصدی و افزایش ۸۶۰ میلیون تومانی و «پژو ۲۰۷ اتوماتیک TU5P» با رشد ۲۸ درصدی و افزایش ۴۸۰ میلیون تومانی قرار دارند.

در میان خودروهای داخلی، «تارا V4» با رشد ۲۷/۷ درصدی (افزایش ۵۱۰ میلیون تومان) به ۲ میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان رسیده است. «شاهین G اتوماتیک» نیز با رشد ۲۵/۵ درصدی و افزایش ۴۵۱ میلیون تومانی به ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان رسیده و «سمند سورن پلاس دوگانه‌سوز» با رشد ۲۳ درصدی، ۳۲۵ میلیون تومان افزایش قیمت داشته و به یک میلیارد و ۷۲۰ میلیون تومان رسیده است.

در رده میانی بازار، «دنا پلاس اتوماتیک» با رشد ۲۱/۴ درصدی و افزایش ۴۱۵ میلیون تومانی به ۲ میلیارد و ۳۵۰ میلیون تومان رسیده است. همچنین «اطلس G» با رشد ۲۰/۵ درصدی و افزایش ۲۰۸ میلیون تومانی به یک میلیارد و ۲۲۰ میلیون تومان و «ساینا دوگانه‌سوز» با رشد ۲۲

می‌تواند خطوط را متوقف کند. واردات قطعات نیز به دلیل آسیب به زیرساخت‌های بندری مختل شده و قطعه‌سازان با کاهش تولید و بدهی انباشته خودروسازان تحت فشار هستند. شبکه لجستیک، نیروی انسانی و بحران نقدینگی نیز آسیب‌پذیر شده‌اند.

این گزارش افزوده بود «در سمت بازار، نااطمینانی، کاهش قدرت خرید و تغییر رفتار مصرف‌کننده موجب افت تقاضا می‌شود و سیاستگذاری بی‌ثبات می‌تواند رکود را تشدید کند. هم‌زمانی این بحران‌ها امکان بازگشت سریع به شرایط عادی را از بین برده و صنعت خودرو را در چرخه‌ای چندلایه از مشکلات گرفتار کرده است.»

همانطور که در گزارش روزنامه «دنیای اقتصاد» نیز تأکید شده بود کارشناسان معتقدند در بازار اتومبیل ایران «تقاضای احتیاطی» ایجاد شده که ناشی از ترس از افزایش بیشتر قیمت قطعات و به‌دنبال آن افزایش هزینه تولید است. «تقاضای احتیاطی» در شرایط بروز حوادث پیش‌بینی‌نشده یا مخارج غیرمنتظره بروز می‌کند و افراد دارایی نقدی را برای مقابله با عدم قطعیت‌ها هزینه نمی‌کنند و تقاضا برای کالا و خدمات به این علت کاهش پیدا می‌کند. به بیان دیگر این تقاضا ناشی از نیاز مصرفی نیست، بلکه بیشتر ریشه در انتظارات تورمی و نگرانی از آینده دارد.

از سوی دیگر بخشی از کاهش تقاضا در بازار اتومبیل ایران ناشی از افزایش قیمت‌هاست که برنامه متقاضیان برای خرید اتومبیل را تغییر داده است. نه تنها افزایش قیمت‌ها در بازار اتومبیل سبب عقب‌افتادگی بودجه‌ای خریداران شده بلکه افزایش قیمت دیگر کالاهای ضروری از جمله مواد غذایی، دارو و اجاره مسکن سبب شده افرادی که برای خرید اتومبیل برنامه داشتند، بودجه پس‌انداز شده برای خرید اتومبیل را به ناچار برای موارد ضروری‌تر هزینه کنند. اینهمه سبب شده یکی از بی‌سابقه‌ترین رکودهای تورمی در بازار اتومبیل ایران شکل بگیرد؛ شرایطی که بحران در کارخانه‌های تولید و مونتاژ اتومبیل دامنه آن را گسترش خواهد داد.

درصدی و افزایش ۲۱۵ میلیون تومانی به یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان رسیده‌اند.

تحلیلگران بازار اتومبیل تأکید دارد اتومبیل‌های مونتاژی و مدل‌های جدیدتر به دلیل وابستگی بیشتر به نرخ ارز و هزینه‌های واردات قطعات، حساسیت بالاتری نسبت به نوسانات اقتصادی دارند و همین موضوع باعث شده افزایش قیمت در این بخشها پرشتاب‌تر باشد. از سوی دیگر، در خودروهای اقتصادی اگرچه درصد رشد کمتر بوده، اما عبور بخش قابل توجهی از این محصولات از مرز یک میلیارد تومان، نشان‌دهنده جابه‌جایی معنادار کف قیمتی در بازار است.

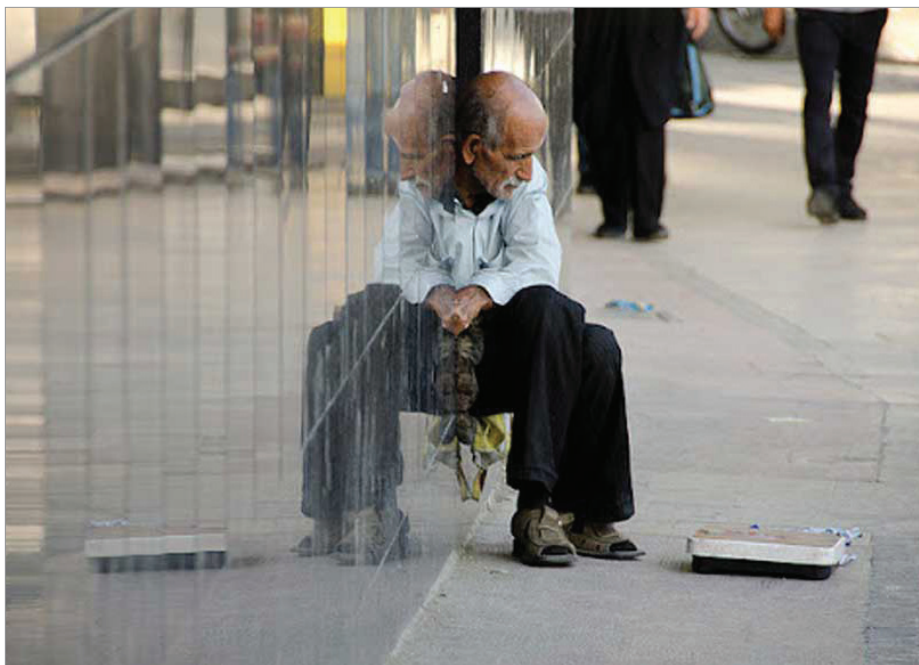
همچنین تحلیلگران می‌گویند بخشی از افزایش قیمت‌ها ناشی از نگرانی نسبت به تبعات جنگ اخیر بر زنجیره تأمین صنعت خودرو باشد. آسیب به زیرساخت‌های کلیدی مانند فولاد و پتروشیمی، این تصور را در بازار تقویت کرده که هزینه تأمین قطعات در ماه‌های آینده افزایش خواهد یافت. همین نگرانی باعث شده برخی بازیگران بازار -از مصرف‌کنندگان تا واسطه‌ها- با پیش‌دستی در خرید، خود را در برابر گرانی‌های احتمالی آینده مصون کنند.

روزنامه «دنیای اقتصاد» ماه گذشته نسبت به بروز عوارض جنگ در خطوط تولید کارخانه‌های اتومبیل‌سازی هشدار داده و از احتمال جدی خاموشی خطوط تولید برخی کارخانه‌ها خبر داده بود.

در این گزارش آمده بود که طی یک ماه گذشته کمبود فولاد، اختلال در واردات مواد اولیه، بی‌نظمی حمل‌ونقل و مشکل در ترخیص قطعات، صنعت خودرو را با تهدیدی همه‌جانبه مواجه کرده است.

«دنیای اقتصاد» نوشته بود «این صنعت که پیش‌تر با قیمت‌گذاری دستوری، بحران نقدینگی و وابستگی به واردات قطعات دست‌وپنجه نرم می‌کرد، اکنون وارد مرحله «اختلال چندلایه» شده و جنگ از چند مسیر همزمان آن را هدف قرار داده است. اختلال در تولید فولاد و محدودیت انرژی، گلوگاه اصلی تولید خودرو است و کمبود ورق

رکورد تکاندهنده شاخص فلاکت در ایران



جویندگان کار افزوده می‌شوند و شانس کمی برای اشتغال دوباره خواهند داشت. همچنین شرایط رکورد تورمی در کنار نااطمینانی اقتصادی و بحران‌های سیاسی و سایه جنگ، همگی از عواملی هستند که در کنار مشکلات ساختاری پیشین اقتصاد ایران سبب افزایش نرخ تورم خواهند شد. روزنامه «دنیای اقتصاد» به تازگی سه سناریو درباره تورم اقتصاد کشور در نیمه اول سال ۱۴۰۵ و تا شهریور امسال را ارائه داده است. در سناریوی بدبینانه تورم اقتصاد ایران سه رقمی و به بیش از ۱۲۰ درصد خواهد رسید اما حتی در خوشبینانه‌ترین سناریو نیز نرخ تورم در ایران کاهش محسوسی نسبت به اسفندماه سال گذشته پیدا نخواهد کرد. در سناریوی بدبینانه ۱ تبعات اقتصادی تداوم درگیری نظامی میان جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل می‌تواند سنگین باشد. در چنین شرایطی، افزایش هزینه‌های دولت و محدودیت منابع مالی، احتمال اتکا به تامین مالی تورمی را افزایش می‌دهد؛ امری که در کنار تخریب زیرساخت‌های اقتصادی، می‌تواند به کاهش قابل‌توجه ارزش پول ملی و در بدترین حالت به ابرتورم منجر شود. در چنین شرایطی «دنیای اقتصاد» پیش‌بینی کرده تورم اقتصاد ایران در این سناریو در شهریور امسال به بیش از ۱۲۰ درصد افزایش پیدا کند. در سناریوی خوشبینانه که دستیابی جمهوری اسلامی و ایالات متحده به یک توافق پایدار فرصت برای اصلاحات بنیادین دولت در بودجه، نظام بانکی و نظام یارانه‌ها فراهم می‌شود. دنیای اقتصاد تأکید کرده «هرچند توافق میان ایران و آمریکا تورم را کاهش خواهد داد اما بدون اصلاحات مکمل داخلی عبور از تورم مزمن امکان‌پذیر نخواهد بود» و پیش‌بینی کرده در این شرایط تورم اقتصاد ایران در شهریور امسال در کانال ۴۹ درصدی قرار خواهد داشت. افزایش تورم و نرخ بیکاری در هفته‌ها و ماه‌های آینده سبب افزایش شاخص فلاکت و ثبت رکورد جدیدی در این شاخص در ایران خواهد شد؛ افزایش و بالا ماندن شاخص فلاکت در ایران نه تنها در بخش اقتصاد بلکه در حوزه اجتماعی و سیاسی نیز پیامدهایی به همراه خواهد داشت.

سطح تولید شده و در نتیجه بخشی از نیروی کار مازاد را اخراج کرده‌اند تا بتوانند هزینه‌ها را نیز کاهش دهند. اما علت اصلی موج گسترده بیکاری و اخراج نیروی کار اقدام سرکوبگرانه جمهوری اسلامی در قطع اینترنت سراسری بوده است. قطع اینترنت جهانی در ایران وارد نهمین هفته خود شده و هزاران کسب و کار تحت تأثیر قطع اینترنت خسارتی هنگفت دیده‌اند. غلامحسین محمدی، معاون وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی در ۳۱ فروردین ۱۴۰۵ اعلام کرد طبق برآوردهای اولیه جنگ منجر به از دست رفتن بیش از یک میلیون شغل و بیکاری مستقیم و غیرمستقیم دو میلیون نفر شده است. این آمار توسط احمد میدری وزیر کار جمهوری اسلامی نیز تأیید شده است. بسیاری از فعالان حوزه کار معتقدند آمار ارائه شده از سوی دولت همه واقعیت را بازتاب نمی‌دهد و ابعاد بحران در سطح جامعه چه‌بسا گسترده‌تر از ارقام رسمی باشد. برخی برآوردها از آن حکایت دارد که دامنه این بیکاری، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم، به حدود چهار میلیون کارگر رسیده است. ستار هاشمی وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی نیز هفته گذشته با تأکید بر لزوم بازگشایی اینترنت گفته بود که اشتغال ۱۰ میلیون نفر در ایران به اینترنت پایدار وابسته است و قطع اینترنت اشتغال و معیشت این افراد را تهدید می‌کند. این آمارها در شرایطی اعلام می‌شود که تحلیلگران اقتصادی معتقدند هنوز اثرات کامل رکورد تورمی ناشی از جنگ و قطع اینترنت در همه بخش‌های اقتصاد ایران نمایان نشده است و نه تنها تورم در هفته‌ها و ماه‌های آینده با افزایش روبرو خواهد شد بلکه روند اخراج نیروی کار نیز سرعت بیشتری خواهد گرفت. در آنسو رکورد تورمی در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور، اشتغالزایی را به شدت تحت تأثیر قرار داده و فرصت‌های جدید شغلی قابل توجهی نیز ایجاد نخواهد شد. در چنین شرایطی نه تنها بیکاران کنونی از یافتن شغل جدید ناکام خواهند ماند بلکه افراد بیکار شده نیز به جمعیت بزرگ

● شاخص فلاکت در ایران در زمستان ۱۴۰۴ با رسیدن به ۵۸/۲ واحد رسید که بالاترین سطح در ۱۳ سال اخیر است. اگر چه در سالهای گذشته همچنان شاخص فلاکت در ایران روندی افزایشی را طی کرده اما در زمستان امسال این شاخص با ثبت رکوردی جدیدی نشان داده که فقر در جامعه ایران با سرعت بیشتری در حال گسترش است و خانوارها در این فصل فشار معیشتی و هزینه‌ای بیشتری را متحمل شده‌اند.

● تحلیلگران اقتصادی معتقدند هنوز اثرات کامل رکورد تورمی ناشی از جنگ و قطع اینترنت در همه بخش‌های اقتصاد ایران نمایان نشده است و نه تنها تورم در هفته‌ها و ماه‌های آینده با افزایش روبرو خواهد شد بلکه روند اخراج نیروی کار نیز سرعت بیشتری خواهد گرفت.

شاخص فلاکت در ایران در زمستان ۱۴۰۴ با رسیدن به ۵۸/۲ واحد رسید که بالاترین سطح در ۱۳ سال اخیر است؛ رکوردی که از تشدید همزمان فشار تورم و بیکاری بر معیشت خانوارها حکایت دارد.

«شاخص فلاکت» یکی از شاخص‌های مهم اقتصادی است که از جمع دو متغیر کلیدی یعنی نرخ تورم و نرخ بیکاری به‌دست می‌آید و بیانگر فشار اقتصادی بر جامعه، کاهش قدرت خرید مردم و وضعیت فقر است. اگر چه در سالهای گذشته همچنان شاخص فلاکت در ایران روندی افزایشی را طی کرده اما در زمستان امسال این شاخص با ثبت رکوردی جدیدی نشان داده که فقر در جامعه ایران با سرعت بیشتری در حال گسترش است و خانوارها در این فصل فشار معیشتی و هزینه‌ای بیشتری را متحمل شده‌اند.

داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که طی ۱۳ سال گذشته چهار قله مهم در شاخص فلاکت ثبت شده است؛ از جهش‌های ناشی از تشدید تحریم‌ها در سال ۱۳۹۲ و سپس در سال ۱۳۹۸ تا اثرات دوران اوج‌گیری کرونا در ۱۴۰۰ و موج جدید فشارهای قیمتی در سال ۱۴۰۲. با این حال، رکورد زمستان ۱۴۰۴ آمارهای پیشین را پشت سر گذاشته و نقطه عطف جدیدی در این شاخص ایجاد کرده است.

شاخص فلاکت در زمستان ۱۴۰۴ به سطح ۵۸/۲ واحد رسیده است. رقمی که در مقایسه با سطوح بالای پیش از خود یک رکورد تازه و البته تکاندهنده محسوب می‌شود. آمارهای شاخص فلاکت در زمستان ۱۴۰۴ به تفکیک استانی نشان می‌دهد وضعیت شاخص فلاکت در استان‌های کردستان، کرمانشاه و لرستان بوده است. استان‌های ایلام، خوزستان، چهارمحال و بختیاری، مرکزی، گلستان و خراسان شمالی نیز شاخص فلاکت بالایی را ثبت کرده‌اند.

روند شاخص تورم و نرخ بیکاری در فروردین اما بیانگر وضعیتی بحرانی‌تر نسبت به زمستان گذشته است. پس از تعطیلات نوروز موج گسترده‌ای از اخراج نیروی کار به‌علت زیان گسترده و رکود عمیق در واحدهای مختلف خدماتی، تولیدی و صنعتی رخ داده است.

در بخش صنعت عمده علت اخراج نیروی کار آسیب‌دیدگی واحدهای صنعتی و تولیدی در جریان جنگ ۴۰ روزه اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی بوده است. از جمله هزاران کارگر در دو کارخانه فولاد خوزستان و فولاد مبارکه پس از آسیب به این دو مجتمع صنعتی در مباران بیکار شدند. همچنین برخی کارخانه‌ها و واحدهای صنعتی نیز به علت بحران در تأمین مواد اولیه ناچار به کاهش

اخراج و بیکاری میلیون‌ها نفر در شرایط جنگ و قطع اینترنت؛ آبر بحرانی زیر سایه بی‌تفاوتی مقامات جمهوری اسلامی



است و قطع اینترنت اشتغال و معیشت این افراد را تهدید می‌کند.

در روزهای گذشته همچنان خبرهایی از اخراج نیروی کار در شرکت‌ها و واحدهای تولیدی مختلف منتشر شده که نشان می‌دهد همچنان آمار بیکارشدگان در حال افزایش است. شرکت «دیجی‌کالا» که یکی از موفق‌ترین استارت‌آپ‌های ایران -البته در ساختاری رانتی- به شمار می‌رفت حدود دو هزار نفر از کارکنان خود را اخراج کرده است.

برای نمونه امروز، شنبه پنجم اردیبهشت ۱۴۰۵، یک منبع کارگری در کارخانه نساجی بروجرد به خبرگزاری «ایلنا» اعلام کرد که در این واحد تولیدی حدود ۸۰۰ کارگر مشغول به کار هستند اما از ابتدای فروردین ماه سال جاری تعداد دستکم ۷۰۰ کارگر پس از خاتمه قرارداد، کارشان را از دست داده‌اند. همه کارگران بیکار شده دست‌کم یک ماه حقوق، عیدی و دیگر مزایای شغلی را از کارفرما طلبکار هستند.

در استان گیلان نیز شرکت تولیدی «پینک» تا پایان سال گذشته حدود ۵۰۰ کارگر قرارداد موقت داشت اما کارفرما همه کارگران این واحد تولیدی را به دلیل کمبود مواد اولیه (مواد پلیمری و نوسانات برق) با شروع سال جاری بعد از اتمام قرارداد کارشان اخراج کرده و کارگران مشمول دریافت مقرری بیمه بیکاری را به اداره کار معرفی کرده است.

به گفته فعالان کارگری میانگین سابقه کار کارگران اخراجی ۷ تا ۲۰ سال بوده است. یکی از کارگران این کارخانه گفته «در میان کارگران اخراج شده حدود ۳۰ کارگر با

خود شده و هزاران کسب و کار تحت تأثیر قطع اینترنت خسارتی هنگفت دیده‌اند.

اخراج نیروی کار در واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی به بحرانی جدی در بازار کار ایران تبدیل شده است. دولت کنترلی بر روند ایجاد شده ندارد و حتی نتوانسته بسته حمایتی از میلیون‌ها شاغلی که با اخراج و بیکاری روبرو شده‌اند ارائه دهد. مقامات حکومتی تلاش دارند حملات نظامی در جنگ را عامل اصلی بحران اخراج نیروی کار معرفی کنند در حالیکه علت اصلی این پدیده قطع سراسری اینترنت جهانی به مدت بیش از دو ماه است.

غلامحسین محمدی، معاون وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی در ۳۱ فروردین ۱۴۰۵ اعلام کرد طبق برآوردهای اولیه جنگ منجر به از دست رفتن بیش از یک میلیون شغل و بیکاری مستقیم و غیرمستقیم دو میلیون نفر شده است. این آمار توسط احمد میدری وزیر کار جمهوری اسلامی نیز تأیید شده است.

بسیاری از فعالان حوزه کار معتقدند آمار ارائه شده از سوی دولت همه واقعیت را بازتاب نمی‌دهد و ابعاد بحران در سطح جامعه چه‌بسا گسترده‌تر از ارقام رسمی باشد. برخی برآوردها از آن حکایت دارد که دامنه این بیکاری، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم، به حدود چهار میلیون کارگر رسیده است.

ستار هاشمی وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی نیز هفته گذشته با تأکید بر لزوم بازگشایی اینترنت گفته بود که اشتغال ۱۰ میلیون نفر در ایران به اینترنت پایدار وابسته

● غلامحسین محمدی، معاون وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی در ۳۱ فروردین ۱۴۰۵ اعلام کرد طبق برآوردهای اولیه جنگ منجر به از دست رفتن بیش از یک میلیون شغل و بیکاری مستقیم و غیرمستقیم دو میلیون نفر شده است. این آمار توسط احمد میدری وزیر کار جمهوری اسلامی نیز تأیید شده است.

● بسیاری از فعالان حوزه کار معتقدند آمار ارائه شده از سوی دولت همه واقعیت را بازتاب نمی‌دهد و ابعاد بحران در سطح جامعه چه‌بسا گسترده‌تر از ارقام رسمی باشد. برخی برآوردها از آن حکایت دارد که دامنه این بیکاری، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم، به حدود چهار میلیون کارگر رسیده است.

● ستار هاشمی وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی نیز هفته گذشته با تأکید بر لزوم بازگشایی اینترنت گفته بود که اشتغال ۱۰ میلیون نفر در ایران به اینترنت پایدار وابسته است و قطع اینترنت اشتغال و معیشت این افراد را تهدید می‌کند.

● موج اخراج نیروی کار آنقدر گسترده است که اتاق تهران با انتشار بیانیه‌ای ننگداشت و تداوم اشتغال را اولویت اقتصادی کشور در شرایط کنونی خوانده و اعلام کرده که خودداری از اخراج نیروی انسانی در بنگاه‌های اقتصادی، مسئولیتی فراتر از حکمرانی شرکتی، بلکه برآمده از مسئولیت‌پذیری و ایران‌دوستی است.

● علت اصلی موج گسترده بیکاری و اخراج نیروی کار اقدام سروکوبگرانه جمهوری اسلامی در قطع اینترنت سراسری بوده است. قطع اینترنت جهانی در ایران وارد نهمین هفته

اجرای نمایش «ناشناس ۱۱۷۸۰» به نویسندگی و کارگردانی از هیلا صدیقی در لندن



جمله جاویدنامان اعتراضات دی ۴۰۴ بودند که در این نمایش داستان آنها روایت شد.

این نمایش ۹۰ دقیقه‌ای از جمله نخستین آثار نمایشی مربوط به جنایت حکومتی دی‌ماه است که در خارج از ایران به روی صحنه رفته است. در توصیف داستان نمایش «ناشناس ۱۱۷۸۰» آمده است:

روایت ۵ دهه سرکوب یک سرزمین،
 از دل خونبار دی‌ماه...
 برای عاشقانی که صدایشان نباید خاموش شود...
 در هر نفس، در هر روایت.
 این صحنه برای آن‌هاست.
 این یک مستند نمایشی است.

و چشم‌انداز مبهم اقتصادی می‌دانند. این گزارش افزوده کسب‌وکارهای بزرگ تعدیل نیرو را برای مدیریت نقدینگی انجام داده‌اند، اما کسب‌وکارهای کوچک به دلیل وابستگی شدید به اینترنت بین‌الملل و نبود بیمه و حمایت‌ها آسیب شدیدتری دیده‌اند.

اینهمه در حالیست که دولت هنوز طرح حمایتی از شاغلانی که اخراج و بیکار شده‌اند ارائه نکرده است. بخشی از کارکنان اخراج شده که تحت پوشش بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی بوده‌اند به قاعده باید از این سازمان حقوق بیکاری دریافت کنند. سازمان تأمین اجتماعی اما به علت کمبود منابع ناشی از بدهی دولت به این سازمان، توان حمایت از همه بیکارشدگان مشمول حقوق بیکاری را ندارد.

این شرایط سبب شده خانواده‌هایی که شاغلان آنها بیکار و اخراج شده‌اند جدا از فشارهای روانی ناشی از اخراج و بیکاری با بحران جدی برای تأمین هزینه‌های ضروری زندگی مانند هزینه خوراک و هزینه اجاره مسکن روبرو باشند.

سالن کاکبیت در غرب لندن ۱۴ و ۱۵ آوریل ۲۰۲۶ میزبان گروهی از هنرمندان ایرانی بود که نمایش «ناشناس ۱۱۷۸۰» را روی صحنه بردند.

این نمایش به نویسندگی و کارگردانی هیلا صدیقی و تهیه‌کنندگی ایمان ارجمندی درباره فاجعه کشتار حکومتی شهروندان در اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ در ایران بود. بازیگران این نمایش: شروین نیکو، بهرنگ پورمحمد، کمند پناه، و پرنیا هزاره با نقش‌خوانی هیلا صدیقی، داستان ۸ تن از جاویدنامان انقلاب ملی شیروخورشید را روایت می‌کرد.

بازیگران نمایش هرکدام اجرای نقش یک تا ۳ شخصیت را برعهده داشتند. حمید مهدوی آتش‌نشان مشه‌دی، روبینا امینیان طراح لباس، و نسیم پورآقایی ساکن آریاشهرتهران از

کار اقدام سرکوبگرانه جمهوری اسلامی در قطع اینترنت سراسری بوده است. قطع اینترنت جهانی در ایران وارد نهمین هفته خود شده و هزاران کسب و کار تحت تأثیر قطع اینترنت خسارتی هنگفت دیده‌اند. در همین رابطه روزنامه «دنیای اقتصاد» گزارش داده که «قطع اینترنت در میانه بحران جنگ، فروش آنلاین، ارتباط با مشتری و اجرای پروژه‌ها را مختل کرده و کسب‌وکارها را به تصمیم‌های سخت مانند کاهش هزینه و تعدیل نیرو واداشته است.»

این گزارش افزوده کسب‌وکارهای کوچک و خانگی بیشترین آسیب را دیده‌اند و نبود پیش‌بینی‌پذیری، رکود سرمایه‌گذاری و تغییر رفتار مصرف‌کنندگان فشار مضاعفی ایجاد کرده است. همچنین اتکا به گوگل و ابزارهای مبتنی بر اینترنت جهانی باعث شد با قطع دسترسی، ورودی مشتری، ابزارهای تحلیلی و کانال‌های ارتباطی از کار بیفتد و الگوی مصرف به سمت نیازهای ضروری تغییر کند.

روزنامه «دنیای اقتصاد» تأکید کرده بسیاری از استارت‌آپ‌ها اخراج نیرو را نتیجه شرایط جنگی، افت فروش

سوابق کار ۲۰ سال در آستانه بازنشستگی با مشاغل سخت و زیان‌آور قرار دارند که دریافت مقرری بیمه بیکاری به سوابق بازنشستگی آنها لطمه می‌زند.»

خبر دیگری حاکی از اخراج ۱۵۰ نیروی کار در شرکت کشتی‌سازی صدرا بوشهر است. موج اخراج نیروی کار آنقدر گسترده است که اتاق تهران با انتشار بیانیه‌ای نگهداشت و تداوم اشتغال را اولویت اقتصادی کشور در شرایط کنونی خوانده و اعلام کرده که خودداری از اخراج نیروی انسانی در بنگاه‌های اقتصادی، مسئولیتی فراتر از حکمرانی شرکتی، بلکه برآمده از مسئولیت‌پذیری و ایران‌دوستی و از جمله مهم‌ترین اقدامات در مسیر گذر از این مقطع حساس تاریخی به‌شمار می‌آید.

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران با صدور بیانیه‌ای، فعالان اقتصادی و جامعه کارآفرینی کشور را به صیانت از سرمایه‌های انسانی و جلوگیری از تعدیل نیروی کار دعوت کرد.

اتاق بازرگانی تهران با تأکید بر اینکه «همدلی با شهروندان و به‌ویژه جامعه کارگری که ستون اقتصاد کشور هستند و جلوگیری از تشدید مصائب واردآمده بر آنان، از تکالیف ماست» نوشته «آنچه اکنون در کشور به عنوان اولویت اقتصادی به شمار می‌آید، نگهداشت و تداوم اشتغال و جلوگیری از وخامت رنج معیشتی در میان جامعه کشور و به‌ویژه کارگران عزیز است.»

محمود نجفی‌عرب رئیس اتاق بازرگانی تهران نیز به تازگی در نشست اخیر هیئت نمایندگان این اتاق تهران خطاب به فعالان اقتصادی بخش خصوصی گفته بود: «شرایط سخت و جانکاه است؛ ولی بنگاه‌های بخش خصوصی یا دولتی نباید به محض بروز بحران به سمت تعدیل نیرو بروند. شرکت‌های بزرگ سال‌ها در این کشور کار کرده و منابعی در اختیار دارند. به پناه حفظ سازمان یا صنایع نمی‌توان نان کارگران را برید. امروز وضعیت عادی نیست و همگی باید با نهایت دلسوزی و فداکاری از این شرایط عبور کنیم. ایران قرن‌ها ایستاده و بسیاری رنج‌ها را پشت سرگذاشته است. اکنون هم باید ایستاد. با وجود همه مشکلات، فردا روشن است.»

سعید تاجیک، عضو هیات نمایندگان اتاق تهران، در گفت‌وگو با روزنامه «اعتقاد» چاپ تهران درباره وضعیت بنگاه‌های اقتصادی که ناچار به اخراج کارکنان خود شده‌اند گفته واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی پیش از جنگ هم با مشکلات زیادی روبرو بودند اما فعالیت خود را حفظ کرده بودند و شماری از آنها کل یا بخشی از فعالیت‌شان را در ماه‌های اسفند و فروردین به‌علت شرایط جنگ متوقف کرده‌اند.

این عضو اتاق بازرگانی درباره تعداد دقیق افرادی که شغل خود را از دست داده و بیکار شده‌اند گفته «اعداد دقیقی در دست نیست. اما ارقامی که مطرح می‌شود خیلی عجیب و غریب و نگران‌کننده است.»

در بخش صنعت عمده علت اخراج نیروی کار آسیب‌دیدگی واحدهای صنعتی و تولیدی در جریان جنگ ۴۰ روزه اسرائیل و آمریکا با جمهوری اسلامی بوده است. از جمله هزاران کارگر در دو کارخانه فولاد خوزستان و فولاد مبارکه پس از آسیب به این دو مجتمع صنعتی در بمباران بیکار شدند. همچنین برخی کارخانه‌ها و واحدهای صنعتی نیز به علت بحران در تأمین مواد اولیه ناچار به کاهش سطح تولید شده و در نتیجه بخشی از نیروی کار مازاد را اخراج کرده‌اند تا بتوانند هزینه‌ها را نیز کاهش دهند.

اما علت اصلی موج گسترده بیکاری و اخراج نیروی

بازگشت ۱۰۰۰ زندانی ایرانی به سرزمین مادری
برای مراسم بزرگداشت یکصدمین سال شاهنشاهی پهلوی

آغاز تحقیقات پلیس لندن درباره آتش‌سوزی عمدی در «دیوار یادبود جان‌فدایان»

بازگشتی در تمامی پروتکل‌های حفاظتی؛ از شاهزاده رضا پهلوی؛ ضرورت اجرای اقدامات تأمینی پیشگیرانه

حمله با چاقو به دو شهروند یهودی نزدیک یک کنیسه در لندن

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با «فاکس نیوز»؛ بازی نهایی این است که مردم ایران کشورشان را پس بگیرند

شورای امنیت سازمان ملل خواستار بازگشایی فوری و بدون محدودیت «تنگه هرمز» شد

«توراندوت» در نمایشگاه بین‌الملل هنر ونیز

کاهش ۵۰ تا ۱۰۰ درصدی فروش کسب‌وکارهای اقتصاد دیجیتال به‌علت قطع اینترنت

خطر اعدام ساسان آزادوار و روزشکار ۲۱ ساله بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴

افزایش قیمت نفت به ۱۱۵ دلار در هر بشکه

خسارت ۲۵ هزار میلیارد تومانی در صنعت گردشگری ایران طی دو ماه

«نه» انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران به اینترنت تجویز آمیز «پرو»!

ادعای فراجا؛ کشف یک «مرکز جاسوسی» در تهران؛ بازداشت ۹ نفر در کرمان به اتهام جاسوسی

گزارش ویژه؛ دو ماه تحقیر و محرومیت ناشی از قطع اینترنت با روح و روان شهروندان ایران چه کرد؟ روشنگر استرسی

افزایش فشارهای امنیتی و قضایی بر مولوی عبدالحمید بعد از تشبیه وضعیت کنونی ایران به «بن‌بست»

۷۰ درصد از ساکنان زاهدان در سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند

تأیید احکام «اعدام» و «۲۵ سال زندان» پدر و دختر بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴

افزایش قیمت نفت با ادامه انسداد تنگه هرمز و ابهام در سرنوشت مذاکرات

رکورد تک‌اندهنده شاخص فلاکت در ایران

بلومبرگ؛ ظرفیت ذخیره‌سازی نفت در ایران تا ۲۲ روز دیگر تمام می‌شود

قیمت اتومبیل در بازار ایران طی دو ماه تا ۴۵ درصد افزایش یافت

فساد در امنیتی‌ترین لایه‌های جمهوری اسلامی؛ دستور رئیس قوه قضاییه برای بررسی بازار سیاه خریدوفروش سیم‌کارت سفید در شرایط جنگی

بانک مرکزی؛ میانگین قیمت موادغذایی در فروردین ۸/۹ درصد افزایش یافت و تورم نقطه‌ای ۶۷ درصد شد

خطر اجرای حکم «اعدام» چهار شهروند بازداشت شده در اعتراضات دی ۴۰۴

تصویب طرح تشکیل «وزارت مدیریت بحران» در مجلس شورای اسلامی



ترامپ: پادشاه جازلز هم نمی‌خواهد
ایران سلاح اتمی داشته باشد



افزایش قیمت ارز و طلا در ایران:
دلار به مرز ۱۶۶ هزار تومان رسید



امارات عربی متحده از سازمان
اوپک و اوپک‌پلاس خارج شد



آمریکا خود را برای «محاصره طولانی»
بنادر ایران آماده می‌کند:
کارشناسان: احتمال جنگ بیش از توافق است



ترامپ:
با ادامه محاصره دریایی زیرساخت‌های
نفتی ایران از درون فرو می‌باشد:
عراقچی با پوتین دیدار می‌کند



نماینده مجلس شورای اسلامی:
وجود کالا در قفسه‌ها تأثیری در
شفره‌های مردم ندارد!



بحران بیکاری در ایران:
ثبت ۳۲ هزار درخواست کار طی
یک روز در یک پلتفرم کاریابی



وزارت نیرو از «کمبود برق»
و لزوم صرفه‌جویی خبر داد



بریتانیا سفیر جمهوری اسلامی در
لندن را به دلیل «اظهارات تحریک‌آمیز»
احضار کرد



وزیر خزانه داری آمریکا:
کمبود بنزین در ایران در راه است



صادرات زعفران ایران
قربانی قطع اینترنت شد



سقوط ارزش پول ملی ایران سرعت گرفت:
دلار به بیش از ۱۸۲ هزار تومان رسید



بی‌خبری از وضعیت اصغر حاجب،
آموزگار بازداشت‌شده، در پوشش



افزایش ۷۲ درصدی قیمت چای



پلمپ
اداره نظارت بر اماکن عمومی
هشدار! تک پلمپ بدون همتکی - بگره قانونی دارد



پنجاه‌وهشت روز خاموشی اینترنت در ایران:
سازمان نظام پرستاری اینترنت طبقاتی و
تبعیض‌آمیز «پرو» را نپذیرفت



تابستان ۱۴۰۵ زودتر از موعد آغاز می‌شود:
هشدار درباره کمبود منابع آب
آشامیدنی و کشاورزی



جمهوری اسلامی عامر رامش،
زندانی سیاسی ۱۹ ساله، را اعدام کرد



چرا حامیان جمهوری اسلامی
در لندن آزادانه نفرت‌پراکنی می‌کنند؟



بی‌بی‌سی: استارمر طرح اختیارات
تازه برای مقابله با گروه‌های تروریستی
دولتی را بررسی می‌کند



علی عسگری، فیلمساز ایرانی،
داور جشنواره کن شد



فاجعه محیشتی در ایران:
دولت طرح «خرید نسیم» موادغذایی
با «اعتبار کالا برگ» را ابلاغ کرد



آمریکا برای اطلاعات درباره یکی از
عوامل رژیم ایران در عراق ۱۰ میلیون دلار
جایزه تعیین کرد



پوتین: روسیه روابط راهبردی خود
با جمهوری اسلامی را ادامه می‌دهد



محاکمه عاطف نجیب بصر خاله
سرکوبگر بشار اسد به اتهام شکنجه و
قتل عام محترضان سوری



عکس هفته | پرستوی نظام!

استفاده ابزاری از زنانی معروف به «پرستو» به عنوان «تله جنسی» علیه فعالان سیاسی و شخصیت‌های شناخته شده و همچنین ابزاری برای پیشبرد پروپاگاندا حکومت شیوه‌ای مرسوم در جمهوری اسلامی است. در سالهای گذشته از پرستوها با ظاهری «غیراسلامی» در تظاهرات و تجمعات حکومتی برای «نمایش مشروعیت و پایگاه اجتماعی رژیم» نیز استفاده می‌شود.

تصویر: پرفورمنس اعتراضی «پرستو صورتی‌پوش» در جریان تظاهرات ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی در منچستر بریتانیا - بهار ۱۴۰۵ خورشیدی.